

درباری، اقتصاد محلی و هویت ملی ترکیه مدرن است. سه عنوان ثبت‌شدهٔ دیگر—باقلوا غازی‌عینتاب (۲۰۱۳)، قهوه ترکی (۲۰۱۳) و نان سنتی ترک—نیز بخشی از این منظومهٔ غنی را تشکیل می‌دهند و پروندهٔ «فرهنگ چای ترکی» نیز از سال ۲۰۲۴ در دست بررسی است.

نخستین عنصر نمادین این آشپزی، کباب‌ها هستند که ریشه در سنت‌های گوشت‌پزی عشایر تُرک (کباب بر روی آتش باز) و روش‌های آشپزی شهری دوران عثمانی دارند. هر شهر با استفاده از گوشت گوسفند محلی، ادویه‌ها و تکنیک خاص خود، کباب منحصربه‌فردی پدید آورده است. آدانا کباب (از شهر آدانا در جنوب ترکیه) با گوشت چرخ‌کرده گوسفند همراه با دنبه، ساق (پونه کوهی) و فلفل قرمز تند که بر سیخ پهن بسته می‌شود، شناخته می‌شود. اورفا کباب از شانلی‌اورفا مشابه آدانا اما بدون فلفل تند (ملایم) و با زعفران (آویشن کوهی) است. اسکندر کباب که ریشه در بورسا (اولین پایتخت عثمانی) دارد، از گوشت دانه‌شدهٔ دونر روی نان پییده با سس گوجه، کره داغ و ماست تشکیل می‌شود. دونر کباب نیز از بورسای قرن نوزدهم برخاسته و در آن گوشت لایه‌لایه روی سیخ عمودی چرخان کباب شده و سپس برش داده می‌شود و در نان لواش یا روی برنج سرو می‌گردد. بیتیس کباب از استانبول (رستوران بیتیس، ۱۹۴۵) با گوشت چرخ‌کرده همراه با مغز پسته و ادویه، پیچیده در خمیر فیلو، نوآوری قرن بیستم است. کباب‌ها به طور سنتی بر روی آتش ذغال پخته می‌شوند و همواره با نان پییده یا لواش، پیاز کبابی، گوجه و فلفل، آیران (دوغ نمکی گازدار) و سالاد گاویتچ (گوجه، خیار، فلفل، پیاز، جعفری، روغن زیتون، آب لیمو، سماق) سرو می‌گردند. «اسکندر کباب» توسط خانوادهٔ اسکندر در بورسا و تحت نظارت «انجمن خانوادگی اسکندر» (نهادهی صنفی محلی) تهیه می‌شود. دونر کباب در اروپا (به ویژه آلمان)

به عنوان یکی از محبوب‌ترین غذاهای خیابانی به شمار می‌آید. کباب روایتی از «خوراک جمعی» است: سفرهٔ کباب، خانواده و دوستان را دور هم جمع می‌کند و می‌تواند مبنای جشنواره‌های غذایی مشترک میان ترکیه، ایران (کباب کوبیده)، و جمهوری آذربایجان (کباب لولا) باشد.



در سوی دیگر سفره ترکی، شیرینی‌ها جایگاهی ویژه دارند. برخی پژوهشگران منشأ باقلوا را در امپراتوری آشوری (سدهٔ هشتم پیش از میلاد) می‌دانند، اما شکل امروزی آن (لایه‌های خمیر فیلو، مغزها و شربت) در آشپزخانهٔ کاخ توپقاپی در سدهٔ ۱۵–۱۶ میلادی تکامل یافت. باقلوا در ترکیه به «شیرینی سلطان‌ها» شهرت دارد و در مراسم مذهبی (عید فطر، عید قربان)، عروسی‌ها و پذیرایی از مهمانان ویژه سرو می‌شود. خمیر فیلو (یوفقا) با وردنه به ضخامت کمتر از یک میلی‌متر باز می‌شود؛ باقلوا حرفه‌ای ۴۰–۵۰ لایه دارد. برخلاف باقلوا ایرانی که اغلب با گردو تهیه می‌شود، باقلوا ترکی از پستهٔ غازی‌عینتاب استفاده می‌کند. شربت شکر سرد (با گلاب، آب لیمو) بر روی باقلوا داغ ریخته می‌شود تا تردی حفظ شود. «باقلوا غازی‌عینتاب» در سال ۲۰۱۳ در فهرست میراث ناملموس یونسکو به ثبت رسید و نماد «دیپلماسی شیرین» میان ترکیه، یونان، ایران، کشورهای عربی و قفقاز است.

اما شاید هیچ عنصری به اندازه قهوه ترکی با

آیین و معاشرت اجتماعی گره نخورده باشد. قهوه ترکی با استفاده از سزوه (Cezve – قهوه‌جوش مسی با دسته بلند) دم می‌شود. دانه‌های قهوه عربیکا به پودری نرم‌تر از اسپرسو آسیاب می‌گردد. قهوه، آب سرد و شکر (بیشتر، متوسط، کم، بی‌شکر) در سزوه مخلوط می‌شود و روی حرارت ملایم (اغلب شن داغ) قرار می‌گیرد تا کف کند (هرگز جوشانده نمی‌شود). پس از ۲–۳ بار کف‌کردن، قهوه در فنجان کوتاه (ظرفیت ۵۰–۷۰ میلی‌لیتر) ریخته می‌شود و ۲–۳ دقیقه صبر می‌کنند تا تفاله (تلگر) ته نشین شود. قهوه به همراه یک لیوان آب (برای شستشوی دهان) و یک قطعه لوکوم (راحت‌الحقوم) سرو می‌گردد. آیین فال قهوه (پس از نوشیدن، فنجان را نعلیکی می‌گذارند، چرخانده و از روی اشکال تفاله آینده را پیش‌بینی می‌کنند)، قهوه عروسی (داماد برای خانواده عروس قهوه می‌برد و خودش درست می‌کند؛ قهوه شور نشانهٔ نارضایتی عروس است که با شیرینی جبران می‌شود) و قهوه دوستی (رد کردن قهوهٔ پیشنهادی در برخی مناطق ناپسند است) از جمله آیین‌های فرهنگی این نوشیدنی هستند. قهوه ترکی در سال ۲۰۱۳ در فهرست میراث ناملموس یونسکو ثبت شد و به عنوان نماد «مهمان‌نوازی، معاشرت و حافظهٔ اجتماعی ترکیه» شناخته می‌شود.

و سرانجام چای، نوشیدنی زندگی روزمره و هویت ملی ترکیه است. چای ترکی از برگ‌های چای سیاه منطقهٔ ریزه (Rize) در ساحل دریای سیاه تأمین می‌شود. ترکیه با سرانه مصرف ۳–۴ کیلوگرم در سال یکی از بالاترین مصرف‌کنندگان چای در جهان است (بیش از انگلستان و هند). روش دم‌کردن با قوری دوطبقه (çaydanlık) انجام می‌شود: قوری پایین آب جوش، قوری بالا چای غلیظ (دَم‌کرده). هرکس چای خود را با ترکیب چای غلیظ و آب جوش به نسبت دلخواه تنظیم می‌کند. چای در لیوان کمر باریک (ince belli

bardak) با یک تا دو حبه قند (نه در قاشق، بلکه لای دندان) نوشیده می‌شود. مصرف چای به هیچ زمانی محدود نیست و همراه با سیمیت (نان شیرینی کنجدی)، لوکوم، باقلوا یا کشکول (دسر شیر) سرو می‌شود. چای در ترکیه «نوشیدنی گفت‌وگو» است؛ چایخانه‌ها (çay evi) و باغ‌های چای (çay bahçesi) اصلی‌ترین مکان‌های تعامل اجتماعی مردان (و امروزه زنان) هستند. پروندهٔ ثبت «فرهنگ چای ترکی» در یونسکو از سال ۲۰۲۴ در دست بررسی است.

جشن هیدیرلز – استقبال از بهار در آناتولی

هیدیرلز (Hıdırellez / Hidrellez) یکی از مهم‌ترین و شادترین جشن‌های فصلی در ترکیه و در میان مردمان ترک‌تبار (آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ازبکستان، گائاوز مولداوی، تاتارهای کریمه، بالکارها) و همچنین در میان مسلمانان بالکان (بوسنی، آلبانی، مقدونیه، کوزوو) و ترکمن‌های ایران برگزار می‌شود. این جشن هر ساله در ۵ و ۶ مه (۱۵ و ۱۶ اردیبهشت) برگزار می‌شود و نماد پایان زمستان و آغاز بهار است.

نام «هیدیرلز» از ترکیب دو نام گرفته شده است: «خضر» (Hızır – پیامبری که در سنت اسلامی چشمه حیات را یافت و جاودانه شد) و «الیاس» (İlyas – پیامبری که به آسمان عروج کرد). در برخی روایت‌های عامیانه، هیدیرلز حاصل پیوند این دو شخصیت است. بر اساس باور عامه، خضر پیامبر آب‌ها، سبزی و باران، و الیاس پیامبر خشکی و صحراست. هر سال در شب ۵ مه، خضر و الیاس بر روی زمین ملاقات می‌کنند و تا طلوع آفتاب ۶ مه در کنار یکدیگر راه می‌روند. هر جا که پای خضر به زمین برسد، سبزه می‌روید، درختان گل

جشنواره نارنج فینکه – جشن برداشت در سواحل مدیترانه

جشنواره نارنج فینکه (Finike Portakal Festivali) در شهر ساحلی فینکه در استان آنتالیا، در سواحل مدیترانه ترکیه، هر ساله در فوریه تا مارس (اواخر زمستان تا اوایل بهار، همزمان با برداشت نارنج) برگزار می‌شود. فینکه با آب‌وهوای مدیترانه‌ای (زمستان معتدل، تابستان گرم و خشک) و خاک حاصلخیز دامنه‌های کوه توروس، یکی از مهم‌ترین مراکز پرورش نارنج (پرتقال تلخ – Citrus aurantium) در ترکیه است و بر اساس برآوردهای محلی و رسانه‌ای، بخش بزرگی از نارنج تولیدی ترکیه (با ارقامی مانند حدود ۵۰ هزار تن در سال) از این منطقه تأمین می‌شود.

نارنج (برخلاف پرتقال شیرین – Citrus sinensis) میوه‌ای ترش و تلخ است که به طور تازه خورده نمی‌شود، اما از پوست آن اسانس نارنج (برای عطر، ادکلن، لوازم آرایشی، شربت، لیکور، داروهای گیاهی) و از گل آن عطر نارنج (نرولی – Neroli) استخراج می‌شود. نارنج در ترکیه همچنین برای تهیه مارمالاد (ترش، تلخ، ملس)، سس (برای کباب و مرغ)، شربت و لیکور استفاده می‌شود. بخشی از نارنج فینکه به اروپا صادر می‌گردد.

این جشنواره نخستین بار در سال ۱۹۹۹ توسط شهرداری فینکه و اتاق کشاورزی برگزار شد تا با معرفی این محصول محلی (که به دلیل رقابت با پرتقال شیرین و مرکبات دیگر با کاهش فروش مواجه بود) به رونق گردشگری منطقه در فصل زمستان (که کم‌رونق است) کمک کند. این جشنواره به سرعت محبوب شد و امروزه یکی از مهم‌ترین و رنگارنگ‌ترین جشنواره‌های محلی در ساحل مدیترانه ترکیه

(دونر، لحماجون، سمیت، کشکول، بستنی). کودکان «تخم‌مرغ» آب‌پز شده رنگی را به یکدیگر می‌کوبند؛ تخم‌مرغی که نمی‌شکند، برنده است و صاحب آن «یک سال خوش‌شانس» خواهد بود. هیدیرلز در ترکیه تعطیل رسمی ملی نیست، اما در سال ۲۰۲۳ به عنوان «روز فرهنگی» در تقویم رسمی ثبت شد و مدارس و ادارات در ۵-۶ مه اغلب با تراکم مرخصی مواجه هستند. در سال ۲۰۲۳، دولت ترکیه اعلام کرد که هیدیرلز به عنوان «روز فرهنگی» (بدون تعطیلی رسمی) به تقویم اضافه شده است.



(آسمان آرزوها را پذیرفته است).

دسته دوم: آیین‌های آرزو و بخت جوانان مجرد (زن و مرد) به دنبال «حلقه گمشده» می‌گردند و باور دارند که اگر در شب هیدیرلز انگشتی پیدا کنند، ظرف یک سال نامزد خواهند شد. آرزوها بر کاغذ نوشته می‌شود (یا روی پوست پیاز، یا تکه پارچه قرمز) و به شاخه درخت (درخت آرزو – dilek ağacı) بسته می‌شود یا در آب روان (رودخانه، دریاچه، دریا) انداخته می‌شود. اگر کاغذ شناور بماند، آرزو برآورده می‌شود؛ اگر غرق شود، باید یک سال صبر کرد. در برخی مناطق، دختران جوان برای «دیدن نامزدی خود در خواب»، پیش از خواب، یک قاشق عسل یا مربای گل می‌خورند و زیر بالش خود یک تکه کاغذ با نام احتمالی می‌گذارند.

خانواده‌ها برای شب هیدیرلز سفره مخصوصی می‌چینند: برنج پلو با گوشت (یا مرغ)، شیرینی (باقلاوا، کادایف)، نان تازه، سبزیجات بهاری (کاهو، تربچه، پیازچه، شاهی)، ماست و آیران (دوغ). اگر خانواده توان مالی داشته باشد، یک گوسفند (یا بره) قربانی می‌کند (قربانی خضر) و گوشت آن را با همسایگان و فقرا تقسیم می‌کند.

در مناطق شهری ترکیه (استانبول، آنکارا، ازمیر، آنتالیا، بورسا)، شهرداری‌ها جشنواره‌های خیابانی هیدیرلز برگزار می‌کنند: موسیقی زنده (ساز و داول (طبل) و زورنا (سرنا) – موسیقی نظامی عثمانی (Mehter) نیز اجرا می‌شود)، رقص‌های محلی (bar, halay, horon, zeybek)، مسابقات کشتی سنتی (Karakucak Güreşi) – کشتی با پیراهن و شلوار چرمی، مسابقات اسب‌دوانی، مسابقات تیراندازی با کمان، نمایش‌های عروسکی (Karagöz & Hacivat – سایه‌بازی ترکی) و غذاهای خیابانی

می‌دهند، بیماران شفا می‌یابند، آرزوها برآورده می‌شوند و درهای بسته باز می‌گردند. ریشه این جشن به آیین‌های پیشااسلامی ترکی (آیین «تنگری» – خدای آسمان و خورشید) و آناتولی (فریگی، هیتی) بازمی‌گردد (جشن بهار، باروری و نبرد زمستان و بهار). پس از اسلام، این آیین با داستان خضر و الیاس تلفیق شد. هیدیرلز در سال ۲۰۱۷ در فهرست میراث ناملموس یونسکو (مشترک با مقدونیه شمالی و چند کشور بالکان) به ثبت رسید.

آیین‌ها و رسوم هیدیرلز در مناطق مختلف ترکیه (و سایر کشورها) متفاوت است، اما اصول مشترکی دارند که می‌توان آنها را در دو دسته کلی «آیین‌های طبیعت و آب» و «آیین‌های آرزو و بخت» دسته‌بندی کرد.

دسته نخست: آیین‌های طبیعت و آب در روزهای منتهی به هیدیرلز، خانه‌ها به خوبی تمیز می‌شوند (آخرین گردگیری زمستان). ساقه گندم سبز (نماد باروری) بر در خانه آویزان می‌شود و آستانه در با «آب خنک شده از برف‌های کوهستانی» شسته می‌شود تا «خضر به خانه وارد شود». در شب هیدیرلز، مردم به پارک‌ها، باغ‌ها، کنار رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، چشمه‌ها و زیارتگاه‌های محلی (مقبره یک قدیس) می‌روند. آتش روشن می‌کنند (آتش هیدیرلز) و از روی آتش می‌پرنند (مشابه چهارشنبه‌سوری در ایران) و می‌گویند: «آتش من، سرخی تو از من، زردی من از تو» (دردها و بیماری‌ها را بسوزان، سلامت و شادابی را به من بده). صبح هیدیرلز، مردم «شب‌نم هیدیرلز» (شب‌نم صبحگاهی) را جمع می‌کنند و صورت و دست و پاهای خود را با آن می‌شویند (باور بر شفا بخشی شب‌نم). اگر باران بیارد (باران هیدیرلز)، بسیار خوش‌یمن است



و سه که پیشتر دور ریخته می‌شدند، اکنون در جنگ نارنج استفاده می‌شوند؛ و افزایش آگاهی عمومی در مورد خواص نارنج (ویتامین C، آنتی‌اکسیدان، ضد سرطان، ضد پیری، ضد استرس).

در سال ۲۰۱۸، جشنواره نارنج فینکه به عنوان یکی از ۵۰ جشنواره برتر اروپا (توسط European Festivals Association) انتخاب شد (تنها جشنواره ترکیه در آن لیست). پرونده ثبت این جشنواره در فهرست میراث ناملموس یونسکو (به عنوان «میراث فرهنگی خوراک») در سال ۲۰۲۲ ارسال شده و در دست بررسی است.

است. بر اساس برآورد رسانه‌ای و گزارش‌های محلی، سالانه بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار گردشگر (داخلی و خارجی) از این جشنواره بازدید می‌کنند.

جشنواره معمولاً سه روز (پنج‌شنبه تا یکشنبه) ادامه دارد و شامل برنامه‌های متنوعی است: رژه خیابانی با حضور گروه‌های فولکلور و شرکت‌کنندگانی با لباس‌ها و چهره‌های نقاشی‌شده به رنگ نارنجی؛ تزئین اتومبیل‌ها و تراکتورها با هزاران نارنج؛ مسابقات آشپزی و مارمالاد (شامل انتخاب «ملکه مارمالاد»)، بهترین دسر نارنجی و بهترین سس نارنجی؛ «جنگ نارنج» (Portakal Savaşı) که در آن کامیون‌ها و تراکتورها ده‌ها تن نارنج (نارنج‌های درجه دو و سه که برای اسانس یا مارمالاد مناسب نیستند) را در خیابان اصلی شهر می‌ریزند و مردم به یکدیگر نارنج پرتاب می‌کنند (شرکت‌کنندگان عینک ایمنی می‌زنند)؛ کنسرت رایگان خوانندگان مشهور ترکیه؛ نمایشگاه صنایع دستی (محصولات نارنجی: شمع، صابون، عطر، روغن، شربت، لیکور، کیسه پارچه‌ای، بشقاب و لیوان با طرح نارنج)؛ و اختتامیه با آتش‌بازی بزرگ.



جشنواره همچنین مسابقاتی برای کودکان (نقاشی با موضوع نارنج، کارگاه ساخت عروسک از پوست نارنج، مسابقه پوست‌اندازی نارنج و مسابقه خوردن نارنج) برگزار می‌کند.

این جشنواره علاوه بر جنبه تفریحی و گردشگری، اهداف اقتصادی و زیست‌محیطی نیز دارد: حمایت از کشاورزان نارنج (فروش مستقیم محصولات، حذف واسطه‌ها)؛ معرفی فرآورده‌های نارنج (مارمالاد، سس، شربت، لیکور، اسانس) به بازارهای داخلی و خارجی؛ کاهش ضایعات کشاورزی (نارنج‌های درجه دو

ترکمنستان

نیسا - پایتخت نخستین اشکانیان

نیسا (Nisa)، در حدود ۱۸ کیلومتری غرب عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان، و در دامنه‌های کوه‌های کپت‌داغ (Kopet Dag) قرار دارد. این محوطه یکی از مهم‌ترین سایت‌های باستان‌شناسی آسیای مرکزی و از نخستین مراکز شکل‌گیری قدرت اشکانیان (پارتیان) است. نیسا از دو بخش تشکیل شده است: نیسای قدیم (Old Nisa) - ارگ سلطنتی و مرکز تشریفاتی - و نیسای جدید (New Nisa) - بخش شهری و اقتصادی. در نیسای قدیم، بقایای دیوارهای خشتی عظیم (با ضخامت ۸ تا ۹ متر و ارتفاع حدود ۱۲ تا ۱۵ متر) و برج‌های مدور دیده‌بانی از دوره شکل‌گیری اولیه دولت اشکانی (سده سوم پیش از میلاد) باقی مانده است.

کاوش‌های باستان‌شناسی از سال ۱۹۴۷ توسط هیئت‌های بین‌المللی، به‌ویژه تیم ایتالیایی به سرپرستی آنتونیو اینورنیتزی (Antonio Invernizzi)، مجموعه‌ای از یافته‌های ارزشمند را آشکار کرده است، از جمله: کاخ یا «خانه مستطیل‌شکل» با تالار ستون‌دار و حیاط مرکزی؛ مجموعه‌ای مرتبط با آیین‌های مذهبی (که برخی پژوهشگران آن را معبد آتش می‌دانند)؛ خزانه سلطنتی شامل هزاران قطعه سفال، فلز، سنگ و عاج؛ و ظروف آیینی (Rhyta) با نقش برجسته‌های تلفیقی یونانی-ایرانی. این آثار نشان‌دهنده تعامل گسترده فرهنگی میان جهان هلنیستی و سنت‌های ایرانی در دوره اشکانی هستند.

یکی از مهم‌ترین آثار کشف‌شده، جام عاجی نیسا (Nisa Ivory Rhyton) است که با صحنه‌هایی از اساطیر یونانی (مانند دیونیوسوس و آریادنه) تزئین شده و امروزه در موزه ملی ترکمنستان

در عشق‌آباد نگهداری می‌شود. این اثر از شاخص‌ترین نمونه‌های هنر درباری اشکانی و نماد تلفیق فرهنگی شرق و غرب در دوران باستان است.

معماری نیسا ترکیبی از دو سنت اصلی است: عناصر هلنیستی (ستون‌های کورنتی و آیونیک، فضاهای ستون‌دار (Peristyle)، تزئینات اساطیری) و عناصر ایرانی (استفاده گسترده از خشت خام، طاق‌های جناغی، پلان‌های درباری با حیاط مرکزی، و ساختارهای دفاعی پیچیده). تالار ستون‌دار نیسا با حدود ۱۲ ستون و مساحت تقریبی ۴۰۰ متر مربع، از بزرگ‌ترین فضاهای سرپوشیده دوره اشکانی در شرق به شمار می‌رود و احتمالاً کارکردی تشریفاتی و دیپلماتیک داشته است.

نیسا در سال ۲۰۰۷ در فهرست میراث جهانی یونسکو به عنوان «نمونه برجسته از خلاقیت فرهنگی اشکانی و تلفیق سنت‌های معماری ایرانی و هلنیستی» ثبت شد. نیسا یکی از مهم‌ترین نمادهای هویت تاریخی ترکمنستان و بخشی از میراث مشترک تمدنی منطقه اکو به شمار می‌رود.



مرو - مرو شاهجان، شهر افسانه‌ای جاده ابریشم

مرو در سال ۱۹۹۹ در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید.



مرو (Merv) که امروزه در جنوب شرقی ترکمنستان و نزدیک شهر بایرام‌علی جای دارد، بدون تردید یکی از بزرگ‌ترین و کهن‌ترین شهرهای باستانی آسیای مرکزی است. با بیش از ۴,۰۰۰ سال سکونت انسانی (از هزاره سوم پیش از میلاد تا سده ۱۸ میلادی)، مرو به «مرو شاهجان» (Merv the Great) و «شهر هزار دروازه» شهرت یافته است. این شهر در مسیر جاده ابریشم میان بخارا، هرات و نیشابور می‌زیست و یونسکو آن را «کهن‌ترین و بهترین شهر واحه‌ای بازمانده از جاده ابریشم» معرفی کرده است.

مرو در طول تاریخ زیر سلطه دولت‌های بزرگی چون هخامنشیان، اسکندر مقدونی، سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان، خلفای راشدین و عباسیان، طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان و تیموریان شکوفا شد. دو اوج درخشان آن عبارت است از: در آغاز سده ۹ میلادی، پایتخت خلافت عباسی (در دوره مأمون)؛ و در سده ۱۱-۱۲ میلادی، «پایتخت شرقی امپراتوری سلجوقیان بزرگ» که از آسیای مرکزی تا آناتولی و مدیترانه گسترش داشت.

مرو از پنج شهر درون‌شهری تشکیل شده است، به گونه‌ای که هر شهر بازه‌ای تاریخی را روایت می‌کند: ارگ (هخامنشی)، گورقلعه (اشکانی-ساسانی)، سلطان‌قلعه (سلجوقی - باشکوه‌ترین بخش)، عبدالله‌قلعه (تیموری)، و بایرام‌علی‌قلعه (دوره‌های متأخر). آرامگاه سلطان سنجر (واپسین سلطان بزرگ سلجوقی، متوفی ۱۱۵۷ م.) با گنبد دوپوسته آجری و کاشی‌کاری‌های فیروزه‌ای بازمانده، نماد اوج معماری سلجوقی و تنها یادگار کم‌آسیب‌دیده از شکوه مرو پیش از مغول است.



گُهنه اورگنج - قلب معماری و تصوف خوارزم در جاده ابریشم

گُهنه اورگنج (Köneürgenç) در شمال ترکمنستان، یکی از مهم‌ترین مراکز تمدنی خوارزم و از شهرهای کلیدی جاده ابریشم است که از سده‌های میانه تا دوران تیموری، نقش یک مرکز سیاسی، علمی و مذهبی را ایفا کرد.

این شهر، پایتخت کهن خوارزم بود و در اوج خود (پیش از حمله مغول) از بزرگ‌ترین شهرهای جهان اسلام محسوب می‌شد. نابودی گسترده در سال ۱۲۲۱ میلادی توسط مغولان و سپس تغییر مسیر رود آمودریا، روند افول آن را تسریع کرد، اما آثار برجای‌مانده آن هنوز یکی از کامل‌ترین نمونه‌های معماری اسلامی در آسیای مرکزی را تشکیل می‌دهد.

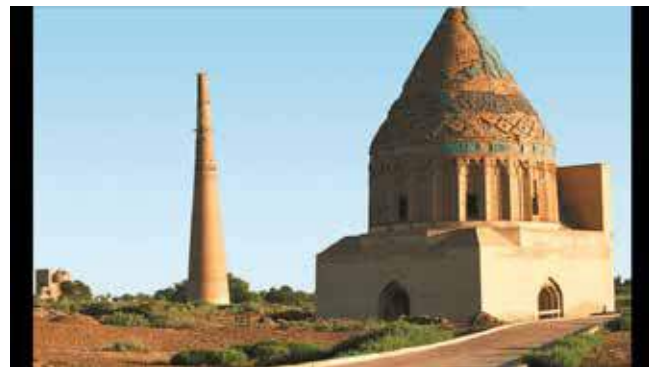
محورهای اصلی معماری و آثار شاخص:

آرامگاه ایل ارسلان (قرن ۱۲): نمونه‌ای اولیه از معماری خوارزمی با گنبد آجری مخروطی و تزئینات هندسی
آرامگاه سلطان تکش (قرن ۱۳): ترکیب معماری سلجوقی و خوارزمی با گنبد عظیم و کاشی‌کاری فیروزه‌ای
مناره گُهنه اورگنج: با ارتفاع حدود ۶۰ متر (یکی از بلندترین مناره‌های آسیای مرکزی)، کارکرد مذهبی و راهنمایی در مسیرهای تجاری
آرامگاه تورابک خانم: نمونه برجسته کاشی‌کاری معقلی و هندسه نمادین در معماری تیموری
آرامگاه نجمالدین کبری: مرکز مهم تصوف کبرویه و زیارتگاه عرفانی منطقه
مسجد جامع و مجموعه شهری تیموری: بقایای نظام شهری متکی بر ایوان، حیاط مرکزی و ستون‌سازی چوبی

گُهنه اورگنج نقطه تلاقی سه جریان اصلی است: معماری ایرانی-خوارزمی (آجرکاری، گنبد، هندسه)، سنت اسلامی (مسجد، مدرسه، تصوف)، و میراث

جاده ابریشم (شهر-شبکه تجاری و علمی). همچنین این شهر یکی از کانون‌های مهم تصوف آسیای مرکزی و بخشی از شبکه گسترده انتقال دانش میان ایران، ماوراءالنهر، خراسان و هند بوده است.

این محوطه در سال ۲۰۰۵ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد.



سَمِت - آیین پوشاندن و روبندبرداری عروس در فرهنگ ترکمن

در عروسی‌های سنتی ترکمن‌ها که در ترکمنستان، ایران (استان گلستان و خراسان شمالی)، افغانستان و ازبکستان برگزار می‌شود، آیینی وجود دارد که در برخی روایت‌های محلی با نام «سَمِت» (Şemek / Şemmet) در برخی گویش‌ها) شناخته می‌شود. این نام به روبند قرمزی اطلاق می‌گردد که چهره و سر عروس را در روزهای نخست عروسی می‌پوشاند و به کل این آیین نیز تعمیم داده شده است.

نخست آنکه در عروسی‌های سنتی ترکمن، عروس لباسی از جنس ابریشم دست‌بافت («کتنی») به رنگ قرمز بر تن می‌کند. بر روی این لباس، شنل یا بالاپوش قرمزی به نام «کورتِه» (kurte) نیز پوشیده می‌شود که با نقوش سنتی تزئین شده است. افزون بر این، عروس جواهرات سنگین نقره (سردست‌ها، گردنبندها و تزیینات مو با نام‌های «زره» و «گُیچک») به تن دارد که در فرهنگ ترکمن نماد ثروت، باروری و نقشی جادویی در دفع نیروهای شر است. پوشش قرمز در فرهنگ ترکمن نماد حفاظت در برابر چشم‌زخم، جلب برکت، شانس، حیات و عشق است.

دوم اینکه روبند سفیدی به نام «یاشماق» (Yashmaq) صورت عروس را به طور کامل می‌پوشاند. این روبند نماد حیا، فروتنی و احترام عمیق به بزرگان خانواده و مهمانان است. بر روی سر عروس نیز سرانداز سفیدی («گینقاج» یا «چادرشب») قرار دارد که در سنت ترکمن نشانهٔ تأهل و جایگاه زن متأهل است. در برخی سنت‌ها، عروس تا مراسم روبندبرداری اجازه سخن گفتن در برابر خانواده داماد را ندارد؛ این سکوت در منابع به عنوان نماد حیا و تواضع ثبت شده است.

سوم، جشن عروسی ترکمنی به طور سنتی سه روز

طول می‌کشد و روز سوم (که «روز آوردن عروس» نامیده می‌شود) مهم‌ترین و باشکوه‌ترین روز است.

چهارم، پس از آنکه روبند از چهره عروس برداشته می‌شود، والدین داماد به او هدایایی (از جمله پارچه ابریشمی، جواهرات، سکه و گاهی قالیچه) تقدیم می‌کنند که نماد پذیرش و برکت است.

پنجم، در تمامی روایت‌های مستند، این مادر داماد است که روبند را از چهره عروس برمی‌دارد.

بر اساس آنچه در روایت‌های شفاهی و گزارش‌های محلی ثبت شده، آیین سَمِت از چند مرحله تشکیل می‌شود:

چند روز پیش از عروسی، داماد به همراه مادرش و چند زن مسن از خانواده داماد به خانه عروس می‌روند. عروس با روبند سفید «یاشماق» پوشانده شده و در اتاقی جداگانه است. مادر داماد روبند را برای چند دقیقه برمی‌دارد تا چهره عروس را ببیند و سلامت او را تأیید کند، سپس دوباره روبند را می‌پوشاند و هدایایی (پارچه ابریشمی، جواهر نقره، شیرینی) به عروس تقدیم می‌کند.

در روز عروسی، عروس با روبند پوشیده و لباس قرمز و جواهرات نقره وارد محفل زنان می‌شود. زنان ترانه‌های عروسی ترکمن («یار یار») را می‌خوانند. سپس عروس سوار بر اسب سفید (در گذشته اسب اصیل آخال‌تکه) یا ماشین تزیین شده، به خانه داماد حرکت می‌کند. برادران عروس به طور نمادین جلوی راه را می‌گیرند و داماد کیسه کوچکی سکه به آنها می‌دهد.

هنگام ورود، عروس با پا گذاشتن بر پوست



گوسفند (نماد برکت) وارد حیاط می‌شود و مادرشوهر کاسه شیر بر سر او می‌ریزد (نماد خلوص و زندگی). عروس به اتاق مخصوص برده می‌شود. در سه روز اول، حتی نزدیکان مرد حق دیدن چهره او را ندارند؛ تنها داماد در شب عروسی می‌تواند روبند را برای چند دقیقه بردارد و دوباره بپوشاند.

در روز سوم، مادرشوهر با هدایایی شامل طلا، پارچه ابریشمی قرمز، قالیچه و آجیل و شیرینی به اتاق عروس می‌آید، ترانه «سَمِتِ آچدی» را می‌خواند و با دو دست روبند سفید را از چهره عروس برمی‌دارد. زنان حاضر با فریاد «آلگیش» (دعای خیر) هدایا تقدیم می‌کنند. عروس به مادرشوهر ادای احترام می‌کند (یا دست او را می‌بوسد) و سپس برای اولین بار در جمع مردان خانواده داماد ظاهر می‌شود. پس از آن، خانواده داماد جشنی با موسیقی زنده (دوتار، قیچک، دایره)، رقص زنان، پلو و قربانی برگزار می‌کنند و عروس در جمع زنان خانواده پذیرفته می‌شود.



ازبکستان

بخارا – شهر موزه

بخارا (Bukhara) که در جنوب غربی ازبکستان و در مسیر تاریخی جاده ابریشم قرار دارد، بدون تردید یکی از بهترین نمونه‌های حفظ‌شده شهرهای تاریخی جهان اسلام و یکی از تأثیرگذارترین مراکز تمدنی حوزه منطق اکو است که با بیش از ۲۵۰۰ سال قدمت (از سده ششم پیش از میلاد تا امروز)، به «شهر موزه»، «پایتخت معنوی آسیای مرکزی» و «گنبد اسلام در ماوراءالنهر» شهرت دارد. بخارا، برخلاف سمرقند که در دوره تیموری به اوج شکوه خود رسید، در دوره‌های مختلف (سامانی، قراخانی، سلجوقی، خوارزمشاهی، تیموری، شیانی، خانات بخارا و سپس تحت‌الحمایگی روسیه) به تدریج رشد کرد و لایه‌های معماری از سده دهم تا نوزدهم را در خود حفظ کرده است. این شهر در سال ۱۹۹۳ در فهرست میراث جهانی یونسکو با عنوان «بخارای تاریخی» ثبت شد و به عنوان کامل‌ترین نمونه شهر باستانی آسیای مرکزی با بافت قرون وسطایی نسبتاً دست‌نخورده شناخته می‌شود. برخلاف بسیاری از شهرهای تاریخی که در اثر جنگ‌ها (یورش مغول، تیمور، روس‌ها) به طور کامل ویران و بازسازی شدند، بخارا با وجود آسیب جدی در حمله مغول (۱۲۲۰ میلادی)، به طور کامل نابود نشد و توانست تداوم تاریخی و شهری خود را حفظ کند؛ به همین دلیل بناهای سده دهم (آرامگاه سامانیان)، سده دوازدهم (مناره کلان)، سده شانزدهم (مدرسه میر عرب) و سده نوزدهم (کاخ آخرین امیر بخارا) همگی در کنار یکدیگر پابرجا هستند. بخارا همچنین در حافظه تاریخی منطقه به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تصوف در آسیای مرکزی شناخته می‌شود: زادگاه و مرکز معنوی «بهاالدین نقشبند» (بنیان‌گذار طریقت نقشبنديه، ۱۳۱۸-۱۳۸۹) و محل پیوند معنوی با «عبدالخالق غجدوانی» و دیگر عارفان

بزرگ که آرامگاه‌های آنان تا امروز مقصد زائران از سراسر ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، هند، ایران و ترکیه است. معماری بخارا آمیزه‌ای از سنت پارسی و عناصر محلی آسیای مرکزی است. گنبدهای دوپوش، مناره‌های آجری، ایوان‌های بلند، مدارس چهارایوانی، آجرکاری هندسی، مقرنس، کاشی‌کاری لاجوردی و کتیبه‌های فارسی و عربی، همگی نشان‌دهنده پیوند عمیق این شهر با حوزه تمدنی ایران فرهنگی هستند. بسیاری از معماران، استادکاران و خوشنویسانی که در شکل‌گیری این بناها نقش داشتند، از خراسان، نیشابور، مرو، و هرات برخاسته بودند. معماری بخارا تلفیقی از سبک سامانی (آجرکاری ساده با نقوش هندسی)، قراخانی و سلجوقی (مناره استوانه‌ای آجری، طاق‌های جناغی)، تیموری (کاشی‌کاری لاجوردی و فیروزه‌ای، ایوان‌های بلند)، شیانی (کاشی‌کاری معقلی و خط بنایی)، و خانات بخارا (ایوان‌های چوبی کنده‌کاری‌شده و کاشی‌کاری رنگارنگ) است و آنچه را که پژوهشگران «مکتب معماری بخارا» می‌نامند، شکل داده است.

بخارا از سه بخش اصلی تشکیل شده است: «ارگ بخارا» (Ark of Bukhara – قلعه حاکم‌نشین، از سده پنجم تا بیستم)، «شهر داخلی» (با بیش از ۱۴۰ بنای تاریخی شامل مساجد، مدارس، حمام‌ها، کاروانسراها، بازارهای سرپوشیده، آرامگاه‌ها و کاخ‌ها)، و «شهر بیرونی» (محله‌های مسکونی با خانه‌های سنتی، کاروانسراها و زیارتگاه‌ها).

ارگ بخارا (Ark) که بر روی تپه‌ای مصنوعی با حدود ۲۰ متر ارتفاع ساخته شده، قدیمی‌ترین

بخش شهر (با ریشه‌هایی که برخی آن را به دوره پیشااسلامی و حتی پیش از ساسانی نسبت می‌دهند) است و تا زمان استیلای ارتش سرخ بر بخارا در سال ۱۹۲۰، محل اقامت فرمانروایان بخارا (از سامانیان و قراخانیان تا امیران بخارا) بود. ارتش سرخ در جریان انقلاب بخارا بخش بزرگی از ارگ را بمباران و تخریب کرد، اما بقایای اصلی آن همچنان پابرجاست. ارگ مستطیل‌شکل (حدود ۴۰۰×۳۰۰ متر) با دیوارهای خشتی به ضخامت ۸ تا ۱۰ متر و ارتفاع ۱۵ تا ۲۰ متر، دارای یک دروازه اصلی (دروازه غربی – دروازه رگستان) و برج‌های دیده‌بانی متعدد است. درون ارگ، بقایای مسجد جمعه، اصطبل سلطنتی، زندان زیرزمینی معروف به «سیاه‌چال»، ضرابخانه، مخازن آب، و کاخ تابستانی امیر با تالارهای آیینه‌کاری و مقرنس‌کاری قرار دارد. امروزه ارگ به موزه‌ای تبدیل شده که تاریخ بخارا از دوران پیشااسلامی تا انقلاب ۱۹۲۰ را روایت می‌کند.

شهر داخلی بخارا شامل ده‌ها بنای شاخص است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: آرامگاه سامانیان (Samanid Mausoleum – ۹۰۵ تا ۹۰۷ میلادی) که یکی از قدیمی‌ترین و زیباترین بناهای آجری اسلامی در آسیای مرکزی و از نخستین نمونه‌های برجسته معماری اسلامی با گنبد آجری کامل به شمار می‌رود. این آرامگاه که به دستور اسماعیل سامانی ساخته شد، به شکل مکعب مربع (حدود ۱۰×۱۰ متر) با چهار ستون مدور در گوشه‌ها و گنبد دوپوش آجری (حدود ۱۶ متر ارتفاع) طراحی شده و دیوارهای آن تنها با نقوش هندسی آجری (بدون کاشی و گچ‌بری) تزئین شده‌اند؛ هشت‌پرها، لوزی‌ها و طرح‌های ضرب‌دری که شاهکار آجرکاری سامانی را نشان می‌دهند. گفته می‌شود این بنا

در زمان حمله مغول زیر لایه‌ای از خاک پنهان شد و به همین دلیل از تخریب گسترده در امان ماند و در دوره شوروی دوباره کشف و مرمت شد.

مجموعه پای کلان (Po-i-Kalyan – «پای مناره بزرگ») مرکز مذهبی بخارا و یکی از باشکوه‌ترین مجموعه‌های معماری جهان اسلام است و شامل سه بنای اصلی می‌شود: نخست، مناره کلان (Kalyan Minaret – ساخته شده در ۱۱۲۷ میلادی به دستور ارسلان‌خان قراخانی) با ۴۷ متر ارتفاع، قطر پایه ۱۰ متر و بدنه‌ای کاملاً آجری که با ۱۴ کمر بند تزئینی از نقش‌های آجری مختلف پوشیده شده است. این مناره که به «برج مرگ» نیز شهرت یافته، در دوره‌های بعدی محل اجرای برخی مجازات‌ها بود. در روایت‌های محلی آمده است که چنگیزخان به دلیل عظمت و زیبایی آن دستور تخریبش را نداد. امروزه این مناره نماد اصلی بخارا است. دوم، مسجد کلان (Kalyan Mosque) که در دوره شییبانیان بازسازی شد و یکی از بزرگ‌ترین مساجد آسیای مرکزی با گنجایش هزاران نمازگزار است؛ دارای صحن وسیع، ایوان بلند، گنبدهای متعدد، و محرابی باشکوه با مقرنس‌کاری و کاشی‌کاری لاجوردی و فیروزه‌ای. سوم، مدرسه میر عرب (Miri Arab Madrasa – ۱۵۳۵-۱۵۳۶) که به دست شیخ عبدالله یمنی مشهور به میر عرب ساخته شد و همچنان یکی از مهم‌ترین مراکز آموزش علوم دینی در ازبکستان به شمار می‌رود. این مدرسه با گنبدهای فیروزه‌ای، کاشی‌کاری معقلی، ایوان بلند و حجره‌های دوطبقه طلاب، نماد برجسته معماری شییبانی است.

مجموعه لابی حوض (Labi Hovuz – کنار حوض) میدان مرکزی تاریخی بخارا است که پیرامون یک

خیوه – شهر کهن (ایچان قلعه)، مروارید منطقه اکو

ایوان‌های چوبی کنده‌کاری‌شده با ستون‌های تراش‌خورده و سقف‌های معرق شناخته می‌شود. مهم‌ترین بناهای ایچان قلعه عبارت‌اند از: مجموعه قصر تاش‌هولی (Tash Hauli – «کاخ سنگی»، ساخته‌شده در ۱۸۳۰ تا ۱۸۳۸ به دستور الله‌قلی‌خان)، یکی از باشکوه‌ترین کاخ‌های آسیای مرکزی. این کاخ با بیش از ۱۵۰ اتاق شامل تالارهای تشریفات، حرمسرا، محل قضاوت، اصطبل، حمام خصوصی، مسجد خصوصی و سه حیاط اصلی، با کاشی‌کاری‌های رنگارنگ، گچ‌بری‌های مقرنس، ستون‌های چوبی منبت‌کاری‌شده و کتیبه‌های فارسی و ازبکی تزئین شده و نماد شکوه دربار خانات خیوه است.

مدرسه محمد امین‌خان (Muhammad Amin Khan Madrasa – ساخته‌شده در ۱۸۵۱ تا ۱۸۵۵) بزرگ‌ترین مدرسه خیوه است که با دو طبقه حجره، گنبد‌های فیروزه‌ای، ایوان بلند و معماری آموزشی باشکوه شناخته می‌شود. در کنار آن، مناره مشهور «کالتا منار» (Kalta Minor – مناره کوتاه) قرار دارد که به دلیل مرگ خان ناتمام ماند و امروزه یکی از نمادهای اصلی خیوه است. مدرسه شیرغازی‌خان (Shirghazi Khan Madrasa – ۱۷۱۸ تا ۱۷۲۶) قدیمی‌ترین مدرسه باقی‌مانده در خیوه است که با معماری ساده‌تر و آرامگاه شیرغازی‌خان در حیاط آن شناخته می‌شود.

مسجد جامع خیوه (Juma Mosque) یکی از منحصربه‌فردترین مساجد آسیای مرکزی است؛ مسجدی ستون‌دار، بدون صحن بزرگ و بدون گنبد مرکزی، که با بیش از ۲۰۰ ستون چوبی که برخی از آن‌ها متعلق به قرون یازدهم و دوازدهم هستند، فضایی متفاوت از مساجد ایرانی و عثمانی ایجاد کرده است. ستون‌ها دارای منبت‌کاری‌های نفیس، نقوش هندسی و کتیبه‌های کوفی هستند و طراحی سقف بلند و نورگیرهای طبیعی آن برای مقابله با گرمای شدید خوارزم انجام شده است. مناره اسلام‌خواجه (Islam Khodja Minaret – ساخته‌شده در ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۰) بلندترین مناره خیوه

خیوه (Khiva) که در غرب ازبکستان، در منطقه خوارزم (در مسیر تاریخی جاده ابریشم، نزدیک مرز ترکمنستان و صحرای قره‌قوم) قرار دارد، کوچک‌ترین (مساحت ایچان قلعه – Ichan Qala – تنها ۲۶ هکتار)، اما حفظ‌شده‌ترین و یکپارچه‌ترین شهر تاریخی در ازبکستان و آسیای مرکزی است. قدمت خیوه به سده ششم میلادی (دوره ساسانی یا پیش از آن) بازمی‌گردد، اما اوج شکوفایی آن در دوره خانات خیوه (قرن هفدهم تا بیستم) بود؛ زمانی که خیوه به عنوان پایتخت خانات خیوه (جانشین سیاسی خوارزم پس از دوره مغول) و مرکز مهم تجارت منطقه‌ای و معماری اسلامی-ترکمنی-فارسی شکوفا شد.

کاشی‌کاری‌های رنگارنگ آبی و فیروزه‌ای، ستون‌های چوبی منبت‌کاری‌شده، ایوان‌های عمیق، حیاط‌های مرکزی و ترکیب معماری پارسی، خوارزمی و ترکمنی، هویت بصری ویژه‌ای به این شهر داده‌اند. بسیاری از این عناصر ادامه سنت معماری پارسی در ماوراءالنهر هستند

خیوه امروزه به دو بخش تقسیم می‌شود: «ایچان قلعه» (Ichan Qala – شهر داخلی، محصور در دیوار خشتی با حدود ۱۰ متر ارتفاع و ۲۵۰۰ متر طول، با چهار دروازه اصلی و ده‌ها بنای تاریخی شامل مساجد، مدارس، آرامگاه‌ها، کاروانسراها، حمام‌ها، بازارها، کاخ‌ها و یخچال‌های تاریخی) و «دیچان قلعه» (Dichan Qala – شهر بیرونی، محل سکونت مردم عادی، کارگاه‌های صنعتی و باغ‌ها). خیوه در سال ۱۹۹۰ در فهرست میراث جهانی یونسکو با عنوان «ایچان قلعه» ثبت شد و به عنوان «کامل‌ترین نمونه شهر قرون وسطایی در آسیای مرکزی با معماری همگن خانات خیوه» شناخته می‌شود. برخلاف سمرقند (تیموری) و بخارا (سامانی، سلجوقی، شییبانی)، خیوه تقریباً به طور کامل متعلق به دوره خانات خیوه (قرن هجدهم تا بیستم) است و معماری آن با کاشی‌کاری‌های رنگارنگ (آبی، فیروزه‌ای، سفید، سبز و زرد)، نقوش اسلیمی و ختایی، و

حوض، درختان کهنسال و مرقد اصلی با سنگ مرمر و تزئینات سنتی است و یکی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های مسلمانان آسیای مرکزی و شبه‌قاره به شمار می‌رود. سالانه هزاران زائر از ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، هند، ایران و ترکیه برای زیارت این مجموعه به بخارا سفر می‌کنند. دولت ازبکستان نیز با همکاری یونسکو برنامه‌های متعددی برای احیای میراث نقشبندی برگزار کرده است. بخارا نماد «دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر میراث مشترک ایرانی-ازبکی و تصوف» در منطقه اکو است. بخارا مرکز شکوفایی امپراتوری سامانی، نخستین دولت مستقل فارسی‌زبان پس از اسلام، بود.



حوض بزرگ شکل گرفته؛ حوضی که تا اوایل قرن بیستم همراه با صدها حوض دیگر، بخش مهمی از نظام آبرسانی شهر را تشکیل می‌داد. در اطراف این میدان، درختان چنار کهنسال و سه بنای مهم قرار دارند: مدرسه گُگلداش (بزرگ‌ترین مدرسه بخارا، قرن شانزدهم)، خانقاه نادر دیوان‌بیگی، و مدرسه نادر دیوان‌بیگی که با کاشی‌کاری‌های مشهور خود شامل نقوش پرندگان افسانه‌ای و بزهای کوهی شناخته می‌شود. این مجموعه، قلب اجتماعی و فرهنگی بخارا بوده و هنوز نیز یکی از زنده‌ترین فضاهای شهری شهر است.

بازارهای گنبددار بخارا (توق‌ها) از دیگر عناصر مهم بافت تاریخی شهر هستند؛ سه بازار اصلی سرپوشیده از سده شانزدهم که محل تجارت پارچه، ادویه، زرگری، مسگری، جواهر، ابریشم و صنایع دستی بوده‌اند و امروزه نیز صنعتگران محلی در آنها محصولات سنتی چون قالی، نقره‌کاری، میناکاری، سرامیک، پارچه «خان اطلس» و آثار دستی خود را عرضه می‌کنند. مجموعه چار منار (Char Minar – چهار مناره) نیز با چهار برج کوچک فیروزه‌ای‌رنگ خود، که در واقع ورودی مدرسه‌ای از قرن نوزدهم بوده، به یکی از شناسه‌های تصویری بخارا تبدیل شده است.

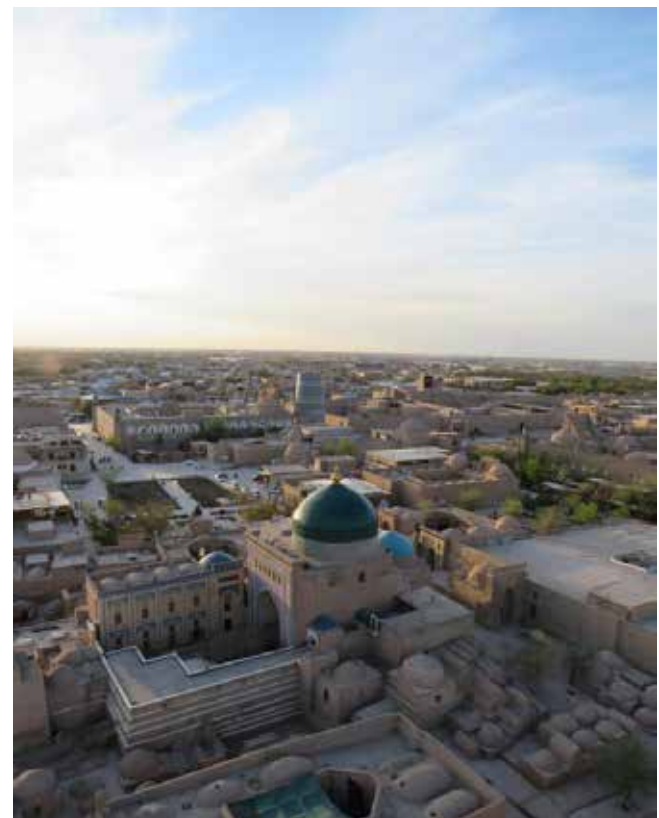
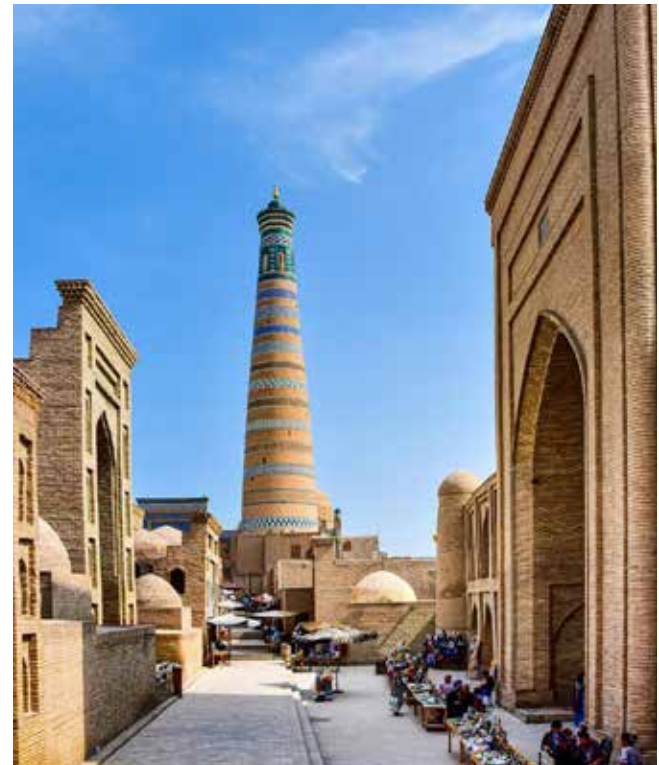
مجموعه چهاربکر (Chor Bakr – «چهار برادر» یا «چهار درویش») در روستای سومیتان در نزدیکی بخارا قرار دارد و یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های آرامگاهی منطقه است. این مجموعه شامل مسجد، مدرسه، خانقاه، آرامگاه‌های مرمرین، حوض و هزاران سنگ قبر است و به دلیل وسعت و سکوت رازآلودش به «شهر مردگان» شهرت دارد. این مکان نشان‌دهنده جایگاه برجسته تصوف، زیارت و سنت‌های معنوی در تاریخ بخارا است.

بخارا همچنین با طریقت نقشبندی پیوندی عمیق دارد. بهال‌الدین نقشبند در روستای «قصر عارفان» در نزدیکی بخارا به دنیا آمد و در همان‌جا دفن شد. آرامگاه او شامل مسجد، خانقاه،

طرفین ایوان مرکزی باقی مانده است: پایه چپ با حدود ۳۸ متر ارتفاع و پایه راست با حدود ۳۵ متر. بخش اصلی ایوان، گنبدها و تالارهای درونی به مرور زمان ویران شده‌اند، اما همین بقایا نیز شکوه خارق‌العاده بنا را نشان می‌دهند. بر روی این پایه‌ها هنوز کاشی‌کاری‌های آبی، فیروزه‌ای و طلایی با نقوش اسلیمی، ختایی و کتیبه‌های کتیبه‌های فارسی و عربی دیده می‌شود. در ساخت این کاخ و دیگر بناهای تیموری، نقش معماران، کاشی‌کاران، خوشنویسان و استادکاران ایرانی بسیار برجسته بود. بسیاری از هنرمندان از اصفهان، شیراز، تبریز، هرات، نیشابور و دیگر مراکز مهم ایران فرهنگی به سمرقند و شهرسبز منتقل شدند و شکوه معماری تیموری تا حد زیادی حاصل این تمرکز بزرگ هنری بود. یکی از مشهورترین کتیبه‌ها عبارت معروف «اگر قدرت ما را باور نداری، به ساختمان‌های ما نگاه کن» است که به شکوه معماری تیموری اشاره دارد. همچنین نقش‌های حیوانی مانند شیر و آهو (یا اژدها و بز کوهی) در تزئینات بنا دیده می‌شود که نماد قدرت و سلطنت تلقی می‌شوند. در کاوش‌های باستان‌شناسی اطراف آق‌سرای، بقایای تالارهای ستون‌دار، حوض‌ها، فواره‌ها، مسیرهای آبرسانی، اتاق‌های پذیرایی و بخش‌های خدماتی کشف شده که نشان می‌دهد این کاخ مجموعه‌ای بسیار گسترده و پیچیده بوده است. امروز مجسمه سوارکاری امیر تیمور در میدان مقابل آق‌سرای قرار دارد و موزه‌ای کوچک درباره تاریخ تیمور و تیموریان نیز در نزدیکی آن فعالیت می‌کند. از دیگر بناهای مهم تاریخی شهر سبز، مجموعه آرامگاهی دورالتیلاوت و دورالسعادت است که بخش مهمی از هویت تیموری شهر را شکل می‌دهد. آرامگاه جهانگیر (Jahangir Mausoleum)، فرزند ارشد و محبوب تیمور، از مهم‌ترین این بناهاست. جهانگیر در جوانی و پیش از آنکه جانشین پدر شود درگذشت و تیمور که سخت از مرگ او اندوهگین شده بود، آرامگاهی باشکوه برایش ساخت. این بنا با گنبد دوپوش، کاشی‌کاری آبی و فیروزه‌ای، سنگ قبر مرمرین و فضای آرامگاهی باشکوه، یکی از نمونه‌های برجسته معماری آرامگاهی تیموری محسوب

شهر سبز (شهرسبز / شهرسبز)

شهر سبز (Shahrisabz - در فارسی «شهر سبز»، به دلیل باغ‌ها، تاکستان‌ها و فضای سبز فراوان) در جنوب ازبکستان، در دره کشک‌دریا (Kashkadarya)، در حدود ۸۰ کیلومتری جنوب سمرقند و نزدیک مرز تاجیکستان قرار دارد. این شهر که در منابع تاریخی تا سده‌های میانه با نام «کش» (Kesh) شناخته می‌شد، یکی از مهم‌ترین مراکز تاریخی ماوراءالنهر و زادگاه امیر تیمور (تیمور لنگ - ۱۳۳۶-۱۴۰۵)، بنیان‌گذار امپراتوری تیموری، است. تیمور که در نزدیکی این منطقه و در روستای خواجه ایلغار (Khoja Ilgar) متولد شد، پس از به قدرت رسیدن در سال ۱۳۷۰ میلادی، شهر سبز را به عنوان «زادگاه سلطنتی» و اقامتگاه تابستانی خود برگزید و دستور ساخت کاخ‌ها، مساجد، مدارس، آرامگاه‌ها، باغ‌ها و بازارهای باشکوهی را صادر کرد تا این شهر در کنار سمرقند، جایگاهی ممتاز در امپراتوری تیموری داشته باشد. با این حال، پس از مرگ تیمور، جانشینان او، به‌ویژه الغ‌بیگ، بیشتر سمرقند را ترجیح دادند و شهر سبز به تدریج رو به افول گذاشت. بسیاری از بناهای آن در دوره‌های بعد، به‌ویژه در عصر شیپانیان و خانات بخارا، تخریب شد و بخشی از مصالح ارزشمند آن مانند کاشی، سنگ مرمر و چوب‌های منبت‌کاری‌شده به سمرقند و بخارا منتقل گردید. با وجود این، بقایای چند بنای عظیم و مهم همچنان باقی مانده است و همین مجموعه در سال ۲۰۰۰ با عنوان «مرکز تاریخی شهرسبز» در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد. مهم‌ترین بنای شهر سبز، کاخ آق‌سرای (Ak-Saray - «کاخ سفید») است که تیمور از سال ۱۳۸۰ تا حدود ۱۴۰۴ میلادی آن را به عنوان کاخ سلطنتی، اقامتگاه تابستانی و محل پذیرایی از سفیران خارجی و برگزاری جشن‌های رسمی ساخت. آق‌سرای یکی از عظیم‌ترین کاخ‌های جهان اسلام در سده چهاردهم و پانزدهم به شمار می‌رفت؛ نمای اصلی آن حدود ۱۴۰ متر طول داشت و ارتفاع طاق ایوان مرکزی آن به حدود ۵۰ تا ۶۰ متر می‌رسید. امروزه تنها دو پایه عظیم از



با حدود ۵۷ متر ارتفاع است. این مناره آجری با نوارهای کاشی آبی و فیروزه‌ای، از دور در صحرای قره‌قوم دیده می‌شود و هم به عنوان مناره مسجد و هم راهنمای کاروان‌ها عمل می‌کرده است. از بالای آن می‌توان منظره‌ای کامل از ایچان قلعه و دیوارهای تاریخی شهر را مشاهده کرد. آرامگاه پالوان محمود (Pahlavan Mahmud Mausoleum) آرامگاه مشهورترین قهرمان ملی خوارزم است؛ شاعری، پهلوانی و عارفی که در سده سیزدهم و چهاردهم می‌زیست. مقبره او به تدریج به مجموعه‌ای بزرگ با گنبد فیروزه‌ای، تالار تشریفات، رواق‌ها و محل دفن خان‌های خیره تبدیل شد و امروز یکی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های مردم ازبکستان و ترکمنستان، به‌ویژه ورزشکاران و کشتی‌گیران، به شمار می‌رود.

بازارهای سرپوشیده خیره همچنان روح زنده شهر را حفظ کرده‌اند؛ جایی که صنایع دستی مانند قالی ترکمنی، منبت چوب، سرامیک، نقره‌کاری، پارچه ابریشمی «خان اطلس»، نمدهای سنتی و چاقوهای محلی عرضه می‌شود. حمام‌های تاریخی مانند حمام انوش‌خان و حمام پایاب با طاق‌های گنبدی و نورگیرهای ستاره‌ای، یخچال تاریخی خیره برای نگهداری یخ در تابستان، و کاروانسرای الله‌قلی‌خان که امروز به موزه و کتابخانه تبدیل شده، از دیگر عناصر مهم بافت تاریخی شهر هستند.

خیره به دلیل موقعیت جغرافیایی خود در حاشیه صحرای قره‌قوم، معماری ویژه‌ای برای مقابله با گرما، باد و گرد و غبار ایجاد کرده است: دیوارهای بلند خشتی به عنوان عایق حرارتی، ایوان‌های عمیق برای ایجاد سایه، حوض‌های آب برای خنک‌سازی طبیعی، و طاق‌های ضربی برای استحکام در برابر بادهای کوبیری. این شهر یکی از «سه گوهر معماری ازبکستان» در کنار سمرقند و بخارا محسوب می‌شود و در سال‌های اخیر نیز با حمایت یونسکو، بنیاد آقاخان و نهادهای بین‌المللی، پروژه‌های گسترده‌ای برای مرمت دیوارها، کاشی‌کاری‌ها، حمام‌ها، مناره‌ها و بناهای خشتی آن اجرا شده است.

هنر خطاطی ازبک

هنر خطاطی (خوشنویسی) در ازبکستان، به‌ویژه در شهرهای بخارا، سمرقند، شهر سبز (شهرسبز / شهرسبز)، خیوه و تاشکند، یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین شاخه‌های هنر اسلامی در منطقه اکو است که از سده چهاردهم تا بیستم میلادی، در دوره‌های تیموریان، شیانیان، خانات بخارا، خانات خیوه و خانات خوقند، به شکوفایی رسید. این هنر در حقیقت ادامه و امتداد سنت بزرگ خوشنویسی ایرانی بود که از ایران به ماوراءالنهر رسید و در آنجا با ذوق محلی، حمایت دربارها و نیازهای معماری اسلامی، به مکتبی مستقل تبدیل شد. میراث این شکوفایی امروز بر کتیبه‌های مساجد، مدارس، آرامگاه‌ها، کاخ‌ها و نسخه‌های خطی نفیس (قرآن، دیوان‌های شعر، آثار علمی و تاریخی) باقی مانده است.



می‌شود. آرامگاه عمر شیخ، پدر تیمور، نیز در همین مجموعه قرار دارد و هرچند ساده‌تر است، اما از نظر تاریخی اهمیت فراوان دارد. برخی منابع نیز احتمال داده‌اند که خود تیمور در ابتدا قصد داشته در همین مجموعه دفن شود، هرچند در نهایت در گور امیر سمرقند به خاک سپرده شد.

مسجد جامع شهر سبز (Kok Gumbaz / Juma Mosque) نیز از بناهای مهم شهر است که در دوره الغ‌بیگ، نوه تیمور، ساخته یا بازسازی شد. این مسجد با گنبد بزرگ آبی‌رنگ، صحن وسیع، ایوان اصلی و محراب کاشی‌کاری‌شده، یکی از نمونه‌های شاخص معماری مذهبی تیموری در جنوب ازبکستان است. در کنار آن، بقایای مدارس، کاروانسراها، بازارهای تاریخی و حمام‌های قدیمی نیز دیده می‌شود که نشان می‌دهد شهر سبز تنها یک شهر سلطنتی نبوده، بلکه مرکز فعال اقتصادی و فرهنگی نیز به شمار می‌رفته است. بازار سنتی شهر همچنان فضایی زنده دارد و محصولات محلی مانند نان، پلو، شیرینی، پارچه ابریشمی، سرامیک، چاقو و صنایع دستی در آن عرضه می‌شود. موزه مردم‌شناسی شهر نیز لباس‌های سنتی ازبکی، قالی‌ها، ظروف مسی و زیورآلات محلی را به نمایش می‌گذارد. شهر سبز متأسفانه در دوره شوروی و حتی پیش از آن، به دلیل بی‌توجهی، تخریب شهری و استفاده از مصالح بناهای تاریخی در ساخت‌وسازهای جدید، بخش مهمی از میراث خود را از دست داد. بسیاری از ساختمان‌های تاریخی یا به کلی نابود شدند یا تنها بخش‌هایی از آن‌ها باقی ماند. با این حال، پس از ثبت جهانی یونسکو، دولت ازبکستان برنامه‌های مرمتی مهمی را آغاز کرد؛ از جمله استحکام‌بخشی پایه‌های آق‌سرای، بازسازی کاشی‌کاری‌های فرسوده، ایجاد فضای سبز، توسعه مسیرهای گردشگری و ایجاد موزه‌های محلی. امروزه شهر سبز به تدریج به یکی از مقاصد مهم گردشگری تاریخی، به‌ویژه برای علاقه‌مندان به تاریخ تیمور و دوره تیموری، تبدیل شده است.

خوشنویسی در ازبکستان، همانند ایران، عمدتاً بر پایه خطوط نستعلیق، ثلث، نسخ و کوفی استوار بود. خط نستعلیق که در ایران و به‌ویژه به دست میرعلی تبریزی در سده چهاردهم به کمال رسید، از طریق هرات و خراسان به بخارا و سمرقند راه یافت. خط ثلث و نسخ بیشتر برای قرآن‌نویسی و کتیبه‌های مذهبی و رسمی به کار می‌رفت و خط کوفی بنایی در معماری کاشی‌کاری‌شده مساجد و مدارس حضور پررنگ داشت. خوشنویسان بخارا و سمرقند با ایجاد ویژگی‌های محلی همچون افقی‌گرایی بیشتر، کشیدگی‌های نرم‌تر، فاصله‌های منظم‌تر میان حروف و استفاده از زر و لاجورد در تذهیب، مکتب «نستعلیق بخارا» را شکل دادند که از سده شانزدهم تا نوزدهم در سراسر قلمرو تیموریان، خانات بخارا و حتی در هند گورکانی نفوذ گسترده یافت.

نقش تمدن ایرانی و معماران و خوشنویسان ایرانی در این روند کاملاً بنیادین بود. بسیاری از استادان بزرگ این حوزه اصلاً ایرانی یا برخاسته از حوزه فرهنگی ایران بزرگ بودند. سلطانعلی مشهدی (Sultan-Ali Mashhadi)، از بزرگ‌ترین خوشنویسان حوزه اکو در اواخر سده پانزدهم و اوایل سده شانزدهم، زاده مشهد بود و آثار او در هرات، سمرقند و بخارا شهرت یافت. او را «قبله‌الکتاب» می‌نامیدند و نسخه‌های کتابت‌شده او از دیوان حافظ، سعدی، جامی و مثنوی مولوی از شاهکارهای ماندگار هنر به‌شمار می‌رود. میرعلی هروی (Mir-Ali Heravi)، متولد هرات، نیز از مهم‌ترین انتقال‌دهندگان سنت نستعلیق ایرانی به بخارا بود و در دربار شیانیان این خط را به اوج رساند.

در دوره‌های بعد، خوشنویسان محلی بخارا و خیوه این سنت را بومی‌سازی کردند. هاشم بخاری، از خوشنویسان سده هفدهم و هجدهم، با تلفیق نستعلیق و ثلث و کاربرد آن در کتیبه‌های معماری، شهرت یافت و آثار او در مدرسه میر عرب و مجموعه لابی‌حوض دیده

می‌شود. میرزا محمدخان، از آخرین خوشنویسان بزرگ خانات خیوه در سده نوزدهم، کتیبه‌های کاخ تاش‌هولی و مناره اسلام خواجه را نوشت و نماینده استمرار این سنت در غرب ازبکستان بود.

کاربرد خوشنویسی در ازبکستان تنها به نسخه‌نویسی محدود نبود، بلکه به مهم‌ترین عنصر تزئینی معماری نیز تبدیل شد. در سمرقند، کتیبه‌های ثلث بر ایوان مدرسه الغ‌بیگ در میدان ریگستان، کتیبه‌های نستعلیق در آرامگاه گور امیر و خطوط کوفی بنایی مسجد بی‌بی‌خانم از برجسته‌ترین نمونه‌ها هستند.

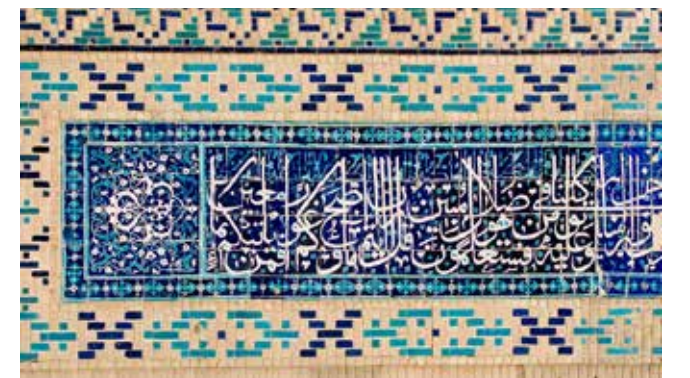
در بخارا، مناره کلان، مدرسه میر عرب و آرامگاه سامانیان نمونه‌های مهم پیوند معماری و خطاطی‌اند. در خیوه، کتیبه‌های نستعلیق کاخ تاش‌هولی و خطوط ثلث مناره اسلام خواجه جلوه‌ای از همین سنت هستند. در شهر سبز نیز بر بقایای کاخ آق‌سرای، کتیبه‌های باشکوه ثلث و فارسی دیده می‌شود که نشان از شکوه تیموری و حضور مستقیم هنرمندان ایرانی در پروژه‌های معماری تیمور دارد. تیمور پس از لشکرکشی‌های خود، بسیاری از هنرمندان شیراز، اصفهان، تبریز، هرات و خراسان را به سمرقند و شهر سبز آورد و آنان در ساخت بناهایی چون گور امیر، بی‌بی‌خانم، شاه‌زنده و آق‌سرای نقش اساسی ایفا کردند. بنابراین، شکوه معماری و خوشنویسی ازبکستان بخشی از تمدن مشترک ایرانی در حوزه اکو است.

در دهه ۲۰۲۰، دولت ازبکستان با تأسیس مراکزی مانند «مرکز بین‌المللی خوشنویسی بخارا»، برگزاری دوسالانه‌های هنری و توجه دوباره به نسخ خطی و آموزش سنتی خوشنویسی، در تلاش برای احیای این میراث است. همچنین بحث ثبت مشترک هنر خوشنویسی آسیای مرکزی با مشارکت ایران، افغانستان، پاکستان، تاجیکستان و ترکیه در چارچوب میراث ناملموس یونسکو مطرح شده است.

باقلوا و شیرینی ازبکی

آشپزی ازبکستان، به‌ویژه در حوزه شیرینی‌های سنتی، بخش جدایی‌ناپذیر فرهنگ مهمان‌نوازی و آیین‌های اجتماعی مانند عروسی، عید فطر، عید قربان، نوروز، ختنه‌سوران و مراسم سوگواری است. در این میان، باقلوا، نیشالدا، سومَلک (سمنک) و حلوا از مهم‌ترین شیرینی‌های سنتی به‌شمار می‌روند که در یک بستر فرهنگی گسترده‌تر ایرانی - ترکی - آسیای مرکزی شکل گرفته‌اند و در هر منطقه با مواد اولیه، تکنیک پخت و مناسبت‌های خاص خود بازآفرینی شده‌اند.

باقلوا در ازبکستان (O'zbek Baklavasi) از نظر ساختار شباهت‌هایی با باقلوای ایرانی و ترکی



دارد، اما تفاوت‌های مهمی در مواد اولیه و طعم‌پردازی آن دیده می‌شود. در این نسخه، به‌جای پسته غالباً از گردوی خردشده استفاده می‌شود و گاهی بادام و فندق و کشمش نیز به آن افزوده می‌گردد. خمیر نازک «یوفکا» (yufqa) در لایه‌هایی نسبتاً ضخیم‌تر از باقلوای ترکی روی هم قرار می‌گیرد و با کره محلی یا روغن زرد چرب می‌شود. پس از پخت در تنور یا فر، شربت داغی از شکر همراه با عسل، گلاب، زعفران و هل روی آن ریخته می‌شود و در پایان با مغز گردو یا پسته تزئین می‌گردد. باقلوا معمولاً به شکل لوزی یا مربع برش می‌خورد و در مناسبت‌های مهمی مانند عید فطر، عید قربان، نوروز، عروسی و ختنه‌سوران تهیه می‌شود. در برخی مناطق، تهیه آن به‌صورت دیگی بزرگ و تقسیم میان اقوام و همسایگان انجام می‌گیرد که خود بخشی از فرهنگ هدیه‌دادن خوراکی است.

نیشالدا (Nishalda) یکی از شیرینی‌های خاص و کمتر شناخته‌شده ازبکستان و تاجیکستان است که بافتی سفید، سبک و کف‌مانند دارد. این شیرینی از سفیده تخم‌مرغ، شکر، آب و عصاره ریشه گیاه صابونک (Saponaria officinalis) تهیه می‌شود. این ریشه باعث ایجاد کف پایدار و حجیم در ترکیب می‌شود. مخلوط به‌مدت طولانی هم زده می‌شود تا بافتی شبیه مرنج نرم و ابری ایجاد شود. نیشالدا معمولاً با گردو، کشمش یا پودر مغزها تزئین شده و در کنار چای سرو می‌شود. این شیرینی بیشتر در نوروز و مراسم شادی مانند عروسی‌ها کاربرد دارد و به دلیل بافت سبک و خامه‌ای، در دهان به‌سرعت حل می‌شود.

سومَلک (Sumalak / Samanak) یکی از مهم‌ترین شیرینی‌های آیینی نوروز در ازبکستان است که

شباهت مفهومی نزدیکی با سمنک ایرانی دارد، اما از نظر روش پخت تفاوت‌هایی اساسی دارد. این شیرینی از گندم جوانه‌زده، آرد گندم، روغن و گاهی شکر یا عسل تهیه می‌شود. جوانه‌های گندم ابتدا کوبیده شده و سپس با آرد و آب در دیگ‌های بزرگ مسی پخته می‌شوند. فرآیند پخت آن بسیار طولانی است و معمولاً از شب تا صبح ادامه دارد. در طول پخت، زنان به نوبت هم می‌زنند و ترانه‌های نوروزی می‌خوانند. سوملک در سحرگاه نوروز آماده شده و میان خانواده‌ها، همسایگان و نیازمندان تقسیم می‌شود. برخلاف سمنک ایرانی که بافتی غلیظ‌تر و خمیری دارد، سوملک ازبکی نرم‌تر و شبیه فرنی است و طعم ملایم‌تری دارد.

حلوا در ازبکستان نیز مانند سایر کشورهای منطقه جایگاه مهمی دارد، اما در دو شکل اصلی دیده می‌شود: حلوا آردی و حلوا هویجی. حلوا آردی از آرد، روغن و شکر تهیه می‌شود و در مراسم مذهبی و سوگواری‌ها کاربرد دارد. حلوا هویجی که با هویج رنده‌شده، شکر، روغن و مغزها تهیه می‌شود، بیشتر در جشن‌ها و مناسبت‌های شادی مانند عروسی‌ها و تولدها سرو می‌گردد. علاوه بر این، شیرینی چک‌چک (Chak-chak) که ریشه تاتاری دارد نیز در برخی مناطق ازبکستان رایج شده و به‌عنوان شیرینی مهمان‌نوازی در جمع‌های خانوادگی استفاده می‌شود. در مجموع، شیرینی‌های ازبکستان نشان‌دهنده پیوند عمیق این سرزمین با سنت‌های خوراکی ایران، ترکیه و سایر مناطق آسیای مرکزی است. این اشتراکات نه به معنای یکسانی، بلکه بیانگر یک شبکه فرهنگی گسترده است که در آن هر منطقه نسخه خاص خود را از یک میراث مشترک بازآفرینی کرده است. در این میان، باقلوا، سوملک و نیشالدا نه‌فقط خوراکی، بلکه

بخشی از حافظه جمعی و آیینی مردم این منطقه محسوب می‌شوند؛ خوراکی‌هایی که در آن‌ها شادی، همبستگی و مهمان‌نوازی به زبان طعم بیان می‌شود.





جشن صدهزار گل (لاله‌های بایسون)

جشن صدهزار گل (Lola Festival – Flower Festival) یک جشنواره سالانه بهاری در شهرستان بایسون (Boysun) در جنوب ازبکستان، در دامنه‌های کوه‌های حصار و در نزدیکی مرز تاجیکستان و افغانستان است که هر سال در اواخر آوریل تا اوایل مه (اردیبهشت) و همزمان با شکوفایی لاله‌های وحشی (Tulipa) برگزار می‌شود. بایسون که در ۱۲۰ کیلومتری شمال‌شرقی ترمذ و در حدود ۳۰۰ کیلومتری جنوب سمرقند قرار دارد، به عنوان «فضای فرهنگی بایسون» از سال ۲۰۰۸ در فهرست میراث ناملموس یونسکو ثبت شده است.

این جشن در دهه‌های اخیر با هدف احیای سنت‌های محلی و توسعه گردشگری فرهنگی شکل گرفته و امروز یکی از مهم‌ترین رویدادهای بهاری منطقه به شمار می‌رود که حدود ۲۰ تا ۳۰ هزار بازدیدکننده داخلی و خارجی را جذب می‌کند. بایسون در کنار طبیعت کوهستانی خود، به عنوان «موزه زنده فرهنگ سنتی» شناخته می‌شود؛ جایی که شیوه‌های سنتی زندگی شامل دامداری، خانه‌های خشتی و چادری، صنایع دستی (قالی، نمد، سفال، منبت چوب و گلدوزی)، موسیقی محلی (دوتار، قیچک، دایره، نی) و روایت‌های حماسی همچنان زنده است.

برنامه جشن معمولاً سه روز به طول می‌انجامد. در روز نخست، آیین افتتاحیه و رژه فرهنگی برگزار می‌شود؛ شرکت‌کنندگان با لباس‌های سنتی، اسب‌های محلی و تاج‌های گل لاله در خیابان‌های

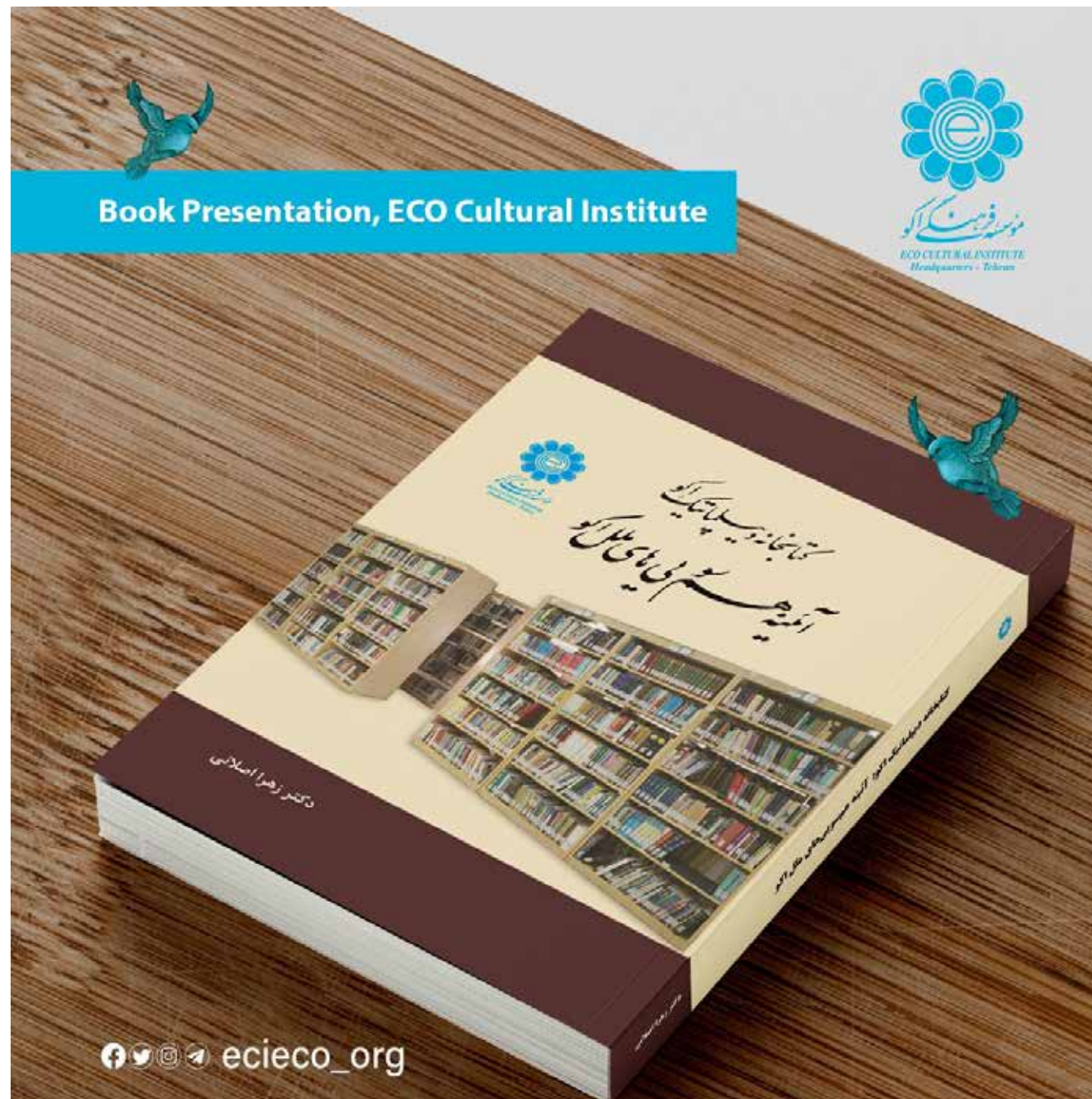
شهر حاضر می‌شوند. در این روز، یک دختر جوان به عنوان «ملکه لاله» انتخاب شده و نماد جشن را نمایندگی می‌کند. اجراهای موسیقی و رقص‌های محلی نیز فضای جشن را شکل می‌دهند.

روز دوم به مسابقات و بازی‌های سنتی اختصاص دارد. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مسابقه سوارکاری سنتی (کوپکاری)، کشتی ازبکی (کوراش)، تیراندازی سنتی و رقابت‌های موسیقی حماسی اشاره کرد. همچنین نمایش پخت نان سنتی در تنورهای محلی و عرضه آن به بازدیدکنندگان بخشی از این روز است.

در روز سوم، بازدید از دامنه‌های کوه‌های حصار و تماشای دشت‌های پوشیده از لاله‌های وحشی انجام می‌شود. این گل‌ها در رنگ‌های زرد، قرمز، نارنجی و سفید، چشم‌اندازی کم‌نظیر ایجاد می‌کنند. در همین روز، نمایشگاه صنایع دستی در چادرهای سنتی برپا شده و محصولات محلی مانند قالی، نمد، سفال، زیورآلات نقره و پارچه‌های ابریشمی عرضه می‌شود. مراسم با موسیقی محلی و برنامه‌های فرهنگی به پایان می‌رسد.

منطقه بایسون علاوه بر جشن لاله، به دلیل غارهای باستانی و برخی زیارتگاه‌های محلی نیز شناخته می‌شود و همین ترکیب طبیعت، تاریخ و فرهنگ باعث شده یونسکو آن را به عنوان یک «فضای فرهنگی زنده» ثبت کند.

معرفی کتاب



معرفی کتاب «کتابخانه دیپلماتیک اکو: آئینه هم‌سویی‌های ملل اکو»

کتاب «کتابخانه دیپلماتیک اکو: آئینه هم‌سویی‌های ملل اکو» به قلم دکتر زهرا اصلانی، اثری است که در هشت فصل تخصصی مستندنگاری شده و در سال ۱۴۰۳ به همت مؤسسه فرهنگی اکو منتشر گردیده است. این اثر تلاش دارد تا با نگاهی جامع، جایگاه کتابخانه را در تعاملات فرهنگی ملل منطقه ترسیم نماید. کتاب مذکور با واکاوی نقش مراکز اسنادی به‌عنوان محمل‌های دانایی و حافظان امین تمدن در پهنه جغرافیایی کشورهای عضو اکو، تأکید می‌کند که تبادل و اشتراک‌گذاری میراث مکتوب در گنجینه‌های پویایی چون کتابخانه‌ها، سهمی بنیادین در احیای تمدن بشری منطقه ایفا می‌کند. نویسنده در این اثر، کتابخانه را بخشی از منظومه فرهنگ ملل اکو می‌داند که با رویکردی علمی و خردورانه، پیوندی ناگسستنی با سایر ارکان فرهنگی برقرار کرده و همچون گنجینه‌ای بی‌پایان، بر بنیان میراث مشترک و تاریخ همیاری ملت‌ها استوار گشته است. دکتر نظام‌الدین زاهدی، سفیر و نماینده

دائم جمهوری تاجیکستان در ایران، در بخشی از مقدمه این اثر، خاطرنشان کرده است که کتابخانه‌ها مرجع فرهنگی بشریت هستند و در روزگار معاصر، تقویت صدای آن‌ها یک ضرورت است. ایشان معتقد است که کتاب حاضر بیانگر شبکه ارتباطی مؤثر و مفید میان نهادهای مرتبط علمی و دانشگاهی با مؤسسه فرهنگی اکو و آئینه همکاری پژوهشگران و محققان منطقه در تبادل تجربیات ارزنده فرهنگی، هنری و مبادله منابع علمی و پژوهشی است. ساختار محتوایی این اثر که در ۲۱۶ صفحه و در قطع وزیری تنظیم شده است، تصویری روشن از کارنامه و دستاوردهای کتابخانه دیپلماتیک مؤسسه فرهنگی اکو را در بازه زمانی ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ ارائه می‌دهد. مستندنگاری این دوره نشان می‌دهد که چگونه فعالیت‌های کتاب‌محور، به‌عنوان یکی از بازوهای اجرایی و پیونددهنده، می‌تواند فراتر از مرزها، به تقویت انسجام فرهنگی و تحکیم هویت مشترک ملل اکو یاری رساند.

شخصیت برجسته

بی‌بی‌گل تولگنوا؛ بلبل قزاقستان

در روزهایی که هویت‌های ملی در تلاطم جهان‌شدگی گاه رنگ می‌بازند و گاه دچار دگرگونی می‌شوند، گاهی یک انسان هنرمند می‌تواند چون پلی میان گذشته و آینده عمل کند. بی‌بی‌گل تولگنوا (Bibigul Tulegenova)، خواننده افسانه‌ای اپرا و موسیقی محلی قزاقستان، بی‌تردید یکی از همان پل‌هاست. رسانه‌های قزاقستان او را «روشن‌ترین ستاره هنر موسیقی قزاقستان» و «بلبل قزاق» نامیده‌اند.

تولگنوا که زاده ۱۶ دسامبر ۱۹۲۹ در شهر سمی (Semey) است، در سال ۲۰۲۵ نود و شش سالگی خود را پشت سر گذاشت. اما راز ماندگاری او در چیست؟ شاید در این باشد که او تنها یک خواننده نبود؛ او یک «حافظه فرهنگی زنده» بود. در دوران سلطه ایدئولوژی شوروی، تولگنوا توانست آوازهای محلی قزاقی چون «بلغان» (Bulbul) و «بیست‌وپنج» (Zhiyrma Bes) را چنان بازخوانی کند که نه تنها در حافظه جمعی مردمش، بلکه در تاریخ موسیقی جهان ثبت شود.

الف) از آوازهای فولکلوریک تا استانداردهای کلاسیک جهانی

یک وجه مهم شخصیت تولگنوا، کار او برای «ملی‌سازی» فرم‌های هنری وارداتی است. کارنامه هنری او ترکیبی بی‌بدیل از دو جهان است: از یک سو، نقش‌های اصلی در اپرای کلاسیک جهانی – از ویولتا در «لا تراوپاتا» و گیلدا در «ریگولتو» وردی گرفته تا رزینا در «آرایشگر سوئیل» روسینی و اسنو

میدن در اپرای ریمسکی-کورساکوف – و از سوی دیگر، اجرای آثار فولکلوریک و اپرای ملی قزاق، از «قیز ژیبک» (Kyz Zhibek) و «انلیک-کبک» گرفته تا «آلتینشاش» و «گلبارشین». این دوگانه‌گویی فرهنگی (Cultural Bilingualism) – هم سخن گفتن به زبان موسیقی جهانی و هم حفظ اصالت بومی – امروز یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران فرهنگی در کشورهای در حال توسعه است و تولگنوا الگویی عملی از این تعادل را ارائه داده است.

نکته جالب توجه آن که او نه تنها یک «خواننده فولکلوریک» که به‌طور تصادفی مشهور شد، بلکه فارغ‌التحصیل نظام آکادمیک موسیقی شوروی و دارنده بالاترین عناوین هنری بود: «هنرمند خلق اتحاد شوروی» (۱۹۶۷)، «قهرمان کار سوسیالیست» (۱۹۹۱) – آخرین فرد در تاریخ شوروی که این عنوان را دریافت کرد، و برنده جایزه دولتی شوروی (۱۹۷۰). این نشان می‌دهد که او آگاهانه یک پروژه هنری-ملی را دنبال می‌کرد: ارتقای موسیقی قزاقی به سطح علمی و آکادمیک کلاسیک جهانی.

ب) تأثیر بر هویت ملی پساستعماری

قزاقستان پس از استقلال (۱۹۹۱) با چالش بازتعریف هویت ملی در برابر میراث شوروی و همزمان با آن، حفظ اصالت قزاقی در مواجهه با فرهنگ جهانی مواجه بود. تولگنوا با عمر هنری بیش از هفت دهه (از دهه ۱۹۵۰ تا امروز) عملاً روایتگر این گذار بود. او در دوره شوروی توانست هنر قزاقی را به



رسمیت بشناساند و در دوره استقلال، به نمادی از تداوم و اصالت تبدیل شد. از این منظر، تولگنوا یک «نظام‌بخش نمادین» (Symbolic Integrator) بود؛ شخصیتی که توانست گسست‌های تاریخی را با هنر خود پوشش دهد. یونسکو نیز او را به عنوان یکی از بیست زن برجسته قرن بیستم معرفی کرده است.

ج) نقش زنان در فرهنگ قزاقستان: فراتر از یک خواننده

تولگنوا یکی از نخستین زنان قزاقستانی بود که در عالی‌ترین سطوح هنر کلاسیک و ملی به رسمیت شناخته شد. او در جامعه‌ای رشد کرد که زنان هنرمند باید برای حضور در عرصه‌های عمومی با موانع دوچندان (هم سنت‌های کوچ‌نشینی و هم نگاه ایدئولوژیک شوروی به «روشنفکر زن») روبه‌رو می‌شدند. موفقیت او، الگویی برای نسلی از زنان هنرمند و روشنفکر قزاقستان شد.

نکته قابل تأمل آن که به مناسبت نود و پنجمین سالگرد تولد او در سال ۲۰۲۴، نزدیک به ۱۵۰ رویداد فرهنگی (شامل کنسرت‌ها، نمایشگاه‌ها، شب‌های موسیقی، میزگردها و کنفرانس‌ها) در سراسر قزاقستان برگزار شد. این رقم عظیم نشان می‌دهد که او نه فقط یک چهره محبوب، که یک «نهاد فرهنگی زنده» است؛ نهادی که دولتمردان و مردم به طور یکسان از آن برای بازتولید همبستگی ملی استفاده می‌کنند.

فصل دوم

رویدادها و تازه‌های فرهنگی موسسه اکو
(گزارش فعالیت‌ها، نشست‌ها، نمایشگاه‌ها و
همکاری‌های اخیر)





اهدای کتاب به کتابخانه‌های کشورهای عضو اکو

Donating books to the libraries in ECO member countries



Books, Donating Knowledge and Awareness

Kitap bağışı, bilgi ve farkındalık bağışıdır

اهدای کتاب، اهدای دانش و آگاهی
کتاب کاتحفه، علم و آگاهی کاتحفه



اهدای ۸۰۰ جلد کتاب از سوی مؤسسه فرهنگی اکو به بنیاد دایرةالمعارف اسلامی

غنا بخشیدن به مخازن کتابخانه‌ای اهتمام ورزیده است تا از این طریق، بستر مناسبی برای تولید دانش و انجام پژوهش‌های بین‌المللی فراهم آید. این برنامه در ادامه پویش گسترده «اهدای کتاب، اهدای دانش و آگاهی» به اجرا درآمد؛ ابتکاری که پیش از این نیز با اهدای بیش از ۲ هزار عنوان کتاب به کتابخانه‌های کشورهای عضو اکو، بستری پویا برای پاسخگویی به اشتیاق علمی مخاطبان فراهم آورده است. مؤسسه فرهنگی اکو همواره بر این باور است که تبادل مکتوبات، پایدارترین مسیر برای انتقال ارزش‌های تمدنی و تقویت پیوند میان اندیشمندان، نویسندگان و جامعه علمی کشورهای عضو است.

مؤسسه فرهنگی اکو در در تداوم اجرای برنامه‌های کتاب‌محور و توسعه تبادلات فرهنگی، مجموعه‌ای ارزشمند مشتمل بر ۸۰۰ جلد کتاب تخصصی را به «بنیاد دایرةالمعارف اسلامی» اهدا کرد. به گرازش پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه فرهنگی اکو، این اقدام که با هدف بهره‌مندی مستقیم کتابخانه‌ها و ارتقای سطح دسترسی مخاطبان و پژوهشگران صورت گرفته است، گامی دیگر در جهت تأمین منابع مرجع برای علاقمندان و محققان حوزه فرهنگ، تاریخ و علوم انسانی محسوب می‌شود.

مؤسسه فرهنگی اکو با اجرای این طرح، بر پشتیبانی از نیازهای مطالعاتی مخاطبان تخصصی و



جلسات کارشناسی موسسه فرهنگی اکو برای تنظیم برنامه‌های ۲۰۲۶ برگزار شد

کارشناسان مؤسسه فرهنگی اکو به همراه دکتر مهرداد رخشنده، مدیر محترم اجرایی مؤسسه، طی روزهای اخیر جلسات تخصصی متعددی را برای بررسی و تنظیم برنامه‌ها و رویدادهای سال ۲۰۲۶ این مؤسسه برگزار کردند.

در این جلسات که با حضور مدیران ارشد و کارشناسان حوزه‌های مختلف فرهنگی و هنری تشکیل شد، تقویم اجرایی برنامه‌های پیش‌بینی‌شده برای سال جاری مورد بازبینی دقیق قرار گرفت. محور اصلی مباحث، هماهنگی بیشتر میان برنامه‌های ملی کشورهای عضو و ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه میراث فرهنگی ناملموس، جشنواره‌های هنری و برنامه‌های تبادل فرهنگی بود.

از آنجا که همزمانی برخی رویدادها با شرایط ناشی از جنگ اخیر در منطقه، امکان اجرای به‌موقع آنها را با چالش مواجه کرده بود، در این جلسات تصمیم‌گیری درباره تغییر زمان برگزاری چندین برنامه در دستور کار قرار گرفت. کارشناسان با بررسی دقیق تقویم رویدادهای کشورهای عضو

و شرایط موجود، تغییرات لازم را اعمال کردند تا ضمن حفظ کیفیت برنامه‌ها، مشارکت حداکثری کشورهای عضو نیز تضمین شود.

دکتر مهرداد رخشنده، مدیر اجرایی مؤسسه فرهنگی اکو، در حاشیه این جلسات با اشاره به اهمیت انعطاف‌پذیری در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در شرایط بحرانی منطقه، اظهار داشت: «مؤسسه فرهنگی اکو با درک شرایط موجود و با بازنگری در تقویم اجرایی خود، تلاش کرده است تا ضمن حفظ تعاملات فرهنگی، زمینه را برای اجرای برنامه‌های مشترک با بالاترین کیفیت ممکن فراهم آورد. ما بر این باوریم که فرهنگ می‌تواند پلی برای صلح و همبستگی در منطقه باشد و این رسالت را حتی در شرایط دشوار نیز دنبال خواهیم کرد.»

بر اساس تصمیمات اتخاذشده، تقویم جدید رویدادهای مؤسسه فرهنگی اکو در سال ۲۰۲۶ متعاقباً از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه به کشورهای عضو ابلاغ خواهد شد.

پیام مؤسسه فرهنگی اکو به مناسبت روز شیراز

مؤسسه فرهنگی اکو (ECO Cultural Institute) فرارسیدن ۱۵ اردیبهشت، روز شیراز، را به دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه مردم فرهیخته و فرهنگ‌دوست استان فارس و شهر شیراز، صمیمانه تبریک و تهنیت عرض می‌نماید. شیراز، به‌عنوان یکی از کانون‌های برجسته تمدن و فرهنگ ایرانی، در طول سده‌ها نقشی بی‌بدیل در تکوین و تداوم میراث ادبی، هنری و معنوی این سرزمین ایفا کرده است. این شهر، خاستگاه و مهد پرورش چهره‌های نامداری چون حافظ و سعدی، با میراثی غنی از شعر، حکمت و عرفان، سهمی ماندگار در ارتقای گفت‌وگوی فرهنگی و ترویج ارزش‌های انسانی در سطح منطقه و جهان داشته است.

مؤسسه فرهنگی اکو با تأکید بر جایگاه رفیع شیراز در پهنه تمدنی منطقه، بر اهمیت پاسداشت

و صیانت از این میراث ارزشمند به‌عنوان سرمایه‌ای مشترک برای ملت‌های عضو سازمان همکاری اقتصادی (اکو) تأکید می‌ورزد. این مؤسسه بر این باور است که تقویت تعاملات فرهنگی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشترک تاریخی، می‌تواند زمینه‌ساز تحکیم همگرایی، تفاهم متقابل و توسعه پایدار در میان کشورهای عضو باشد.

مؤسسه فرهنگی اکو ضمن گرامیداشت این مناسبت فرهنگی، بر تداوم همکاری‌های فرهنگی و تعمیق پیوندهای میان ملت‌های منطقه تأکید می‌نماید.



مراسم معارفه نماینده جمهوری اسلامی ایران در مؤسسه فرهنگی اکو

مؤسسه فرهنگی اکو در تاریخ ۴ مه ۲۰۲۶، مراسم معارفه سرکار خانم الهه سادات موسوی‌نژاد به عنوان نماینده رسمی جمهوری اسلامی ایران در این مؤسسه را برگزار کرد.

در این مراسم، ضمن تبریک به نماینده جدید جمهوری اسلامی ایران، برای ایشان در انجام مسئولیت‌های محوله آرزوی توفیق شد. همچنین بر اهمیت تقویت همکاری‌های فرهنگی میان مؤسسه فرهنگی اکو و جمهوری اسلامی

ایران به عنوان یکی از اعضای بنیان‌گذار سازمان همکاری اقتصادی (اکو) تأکید شد.

در پایان، ابراز امیدواری شد که این همکاری‌ها زمینه‌ساز توسعه برنامه‌های مشترک فرهنگی و تقویت همگرایی منطقه‌ای در میان کشورهای عضو باشد.



مؤسسه فرهنگی اکو میزبان ضیافت افطاری با حضور سفرای کشورهای عضو

مؤسسه فرهنگی اکو (ECO Cultural Institute) به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان، ضیافت افطاری با حضور سفرای کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اکو) و جمعی از مقامات ارشد ایرانی و بین‌المللی برگزار کرد.

این مراسم معنوی در تاریخ ۷ اسفند ۱۴۰۴ برگزار شد و فرصتی برای تبادل دیدگاه‌ها، تقویت همبستگی فرهنگی و تأکید بر ارزش‌های مشترک انسانی میان کشورهای عضو فراهم آورد. در این گردهمایی، جمعی از مقامات عالی‌رتبه از جمله دبیرکل سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، معاونان دبیرکل، سفرای کشورهای عضو

و نمایندگان نهادهای مرتبط حضور داشتند.

شرکت‌کنندگان در این مراسم ضمن تأکید بر ارزش‌های معنوی ماه مبارک رمضان، بر ضرورت گسترش همکاری‌های منطقه‌ای در راستای تقویت صلح، دوستی، تفاهم متقابل و همگرایی فرهنگی تأکید کردند.

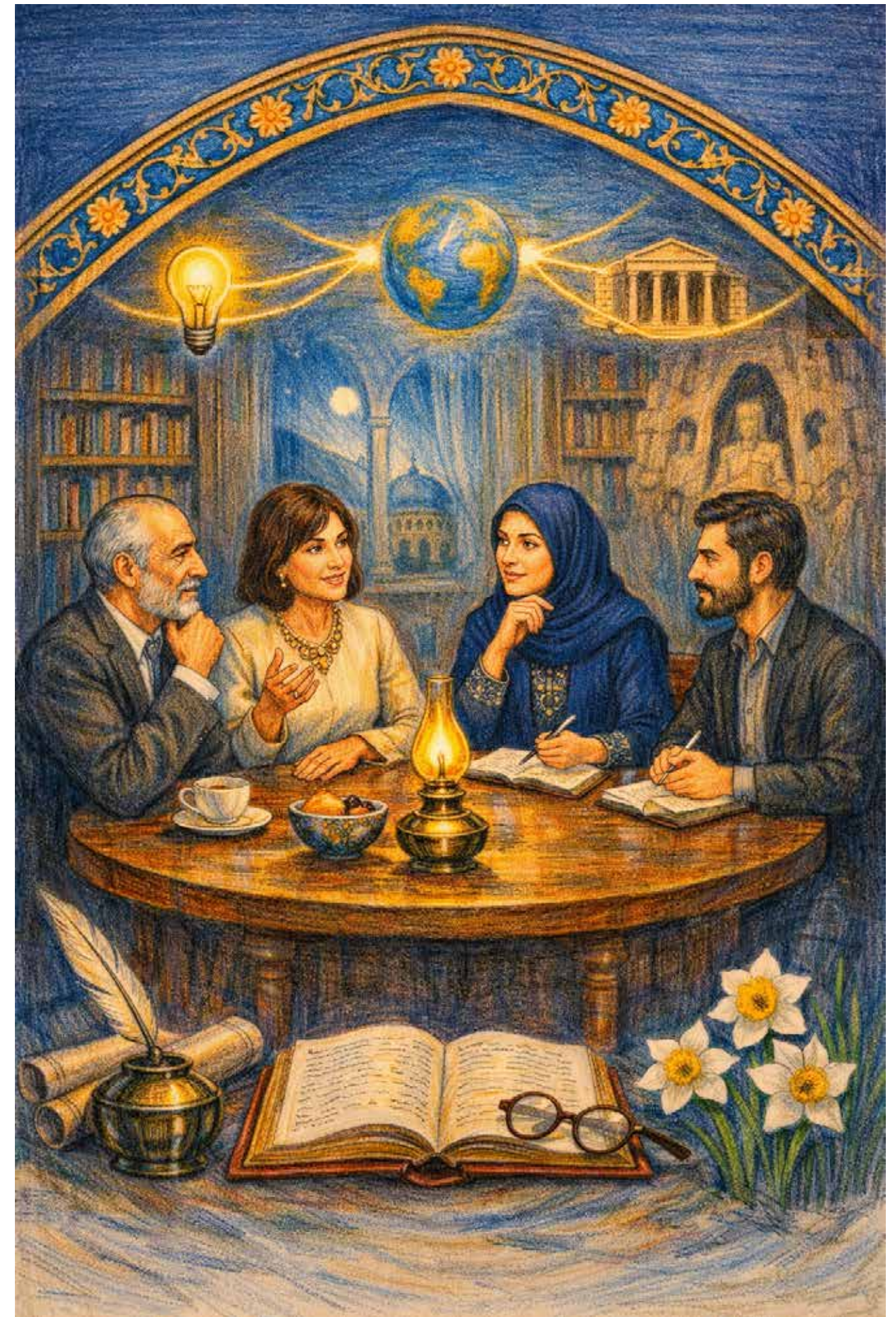
مؤسسه فرهنگی اکو برگزاری این ضیافت را گامی مؤثر در جهت تعمیق روابط فرهنگی میان کشورهای عضو و تقویت گفت‌وگوی فرهنگی و تمدنی در منطقه ارزیابی می‌کند.



فصل سوم

ویژه نامه

(فصلی برای تأمل و تعامل تحلیل‌های عمیق،
گفت‌وگوهای تخصصی و مقالات منتخب
درباره یک محور فرهنگی مشترک)



واکاوی جایگاه هنر بافندگی در حیات فرهنگی و اجتماعی قزاقستان

دکتر زهرا اصلانی، کارشناس
مؤسسه فرهنگی اکو

واکاوی جایگاه هنر بافندگی در حیات فرهنگی و اجتماعی قزاقستان

۱- مقدمه

هنر بافندگی در قزاقستان، فراتر از یک صنعت دستی، تجلی نمادین بقا و انطباق انسان با زیست‌بوم استپ‌های آسیای مرکزی است. در طول سده‌های متمادی، برای قبایل کوچ‌نشین، فرش و منسوجات پشمی صرفاً عناصری تزئینی نبودند، بلکه حیاتی‌ترین دارایی منقول و ابزاری برای صیانت از زندگی در برابر اقلیم بی‌رحم محسوب می‌شدند؛ از این منظر، هر گره در فرش قزاقی، روایتی از پیوند ناگسستنی میان معیشت دامپروری، ضرورت‌های اقلیمی و ذوق زیبایی‌شناختی است.

در ساختار اجتماعی جوامع سنتی قزاقستان، بافته‌ها در حکم یک شناسنامه بصری عمل می‌کردند. تمایزهای ساختاری و تنوع در پالت‌های رنگی، بازگوکننده تعلقات قبیله‌ای و ریشه‌های جغرافیایی بافته بودند؛ افزون بر این، فرش معیار سنجش منزلت اجتماعی خانواده به‌شمار می‌رفت. حافظه‌ای جمعی که تاریخ و جهان‌بینی مردم را بر تار و پود پشم و نمد ثبت کرده است. از منظر نظریه «حافظه جمعی» هالبواش (۱۹۹۲)، بافته‌های قزاقستان نه صرفاً اشیاء کاربردی، بلکه «جایگاه‌های حافظه»‌ای بودند که هویت قبیله‌ای را در دل استپ بازتولید می‌کردند. در واقع، بافته با انتخاب هر نقش و پالت رنگی، در حال بازخوانی ناخودآگاه تاریخ قبیله خویش است؛ از این منظر، هر فرش به‌مثابه صفحه‌ای از کتاب تاریخ نانوشته عمل می‌کند که حافظه را از سطحی ذهنی به عینیتی ملموس بدل می‌سازد. موقعیت راهبردی قزاقستان در مسیر جاده

ابریشم، این سرزمین را به کانون تلاقی مکاتب مختلف بافندگی بدل کرد تا سنت‌های باستانی سکایی، با دانش فنی نواحی هم‌جوار ادغام شود. قزاقستان در این میان، نقش یک تسهیلگر فرهنگی را ایفا کرد که در آن، تکنیک‌های پیشرفته با ضرورت‌های زندگی کوچی پیوند خورد. ماحصل این تعامل، مکتبی است که با بهره‌گیری از مواد اولیه بومی و رنگ‌های گیاهی، اصالت بصری خود را حفظ کرده است.

امروزه با دگرگونی‌های ساختاری در جامعه قزاقستان، هنر بافندگی در حال بازتعریف جایگاه خود در پیوند میان سنت و مدرنیته است. این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که هنر بافندگی در قزاقستان چگونه توانسته است با حفظ منطق ساختاری و نظام نمادین خود، از یک ابزار کاربردی برای بقا در اقلیم سخت استپ، به یک زبان بصری پویا در پیوند میان میراث کهن و هویت معاصر تبدیل شود؟ این مقاله با نگاهی تحلیلی، بر آن است تا ضمن بازخوانی ریشه‌های کهن این هنر در عصر مفرغ و شکوه دوران سکایی، به واکاوی نمادشناسی، تمایزهای ساختاری و جایگاه کنونی این میراث در فرهنگ معاصر قزاقستان بپردازد.

۲. ریشه‌شناسی و سیر تحول بافندگی در قزاقستان

۲-۱. تکوین ساختار بافت در عصر مفرغ و گذار به مواد اولیه پشمی

فنی بافندگی و تبادلات فرهنگی در این منطقه است.

۲-۳. تجلی سنت نمذبافی؛ نقاط اشتراک فرهنگی در یافته‌های ایسیک و برل

کاوش‌های درون قلمرو تاریخی قزاقستان - یعنی تپه‌های ایسیک و منطقه برل - گواهی بر غنای سنت نمذبافی در میان قبایل محلی است. در ایسیک، بقایای «مرد طلایی» با پوششی از هزاران قطعه زرین کشف شده که همراه با نمدها و منسوجات ابریشمی، نشان از جایگاه والای هنر نساجی دارد. در برل، کشف بقایای دوازده اسب با زین و برگ کامل و پوشش‌های نمدی و چرمی تزئین‌شده، گواهی‌ست بر آیین‌های تشریفاتی و مهارت پیشرفته عشایر استپ در نمذبافی. این یافته‌ها نشان می‌دهد که قبایل ساکن در قلمرو قزاقستان امروزی در نمذبافی به درجه بالایی از تخصص رسیده بودند؛ سنتی که مستقیماً به هنر سیرماک و تکمت در قرون بعدی منتقل شد و هویت بصری قزاقستان را شکل داد.

۳-۳. تداوم الگوهای بومی؛ از سنگ‌نگاره‌ها تا بافته‌های قزاقی

در جای‌جای قزاقستان امروزی - از تامغالی در نزدیکی آلماتی تا تاواسامالی در منطقه ژتیسو - صدها نقش‌کنده صخره‌ای با نقوش هندسی و انتزاعی یافت شده است. پژوهشگران قزاقستانی نشان داده‌اند که شباهت قابل‌توجهی میان این نقوش و نقوش سفال‌های عصر آندروو از یک‌سو، و بافته‌های سنتی قزاقستان (مانند کوچ‌مویز، تومار و کون) از سوی دیگر وجود دارد. این تداوم گواه آن است که بافنده قزاق در طول سده‌ها، زبانی بصری را حفظ کرده که ریشه در فرهنگ بومی استپ دارد.

امروزه، بازآفرینی هوشمندانه این نقوش باستانی تنها به صنعت فرش محدود نمانده، بلکه به یکی از مبانی اصلی «طراحی معاصر» در قزاقستان تبدیل شده است؛ فرآیندی که در آن اسطوره‌های کهن استپ، در کالبد هنر مدرن، حیات دوباره یافته‌اند.

از ۲۵۰۰ سال دست‌نخورده نگاه داشته است. این یافته که هم‌اکنون در موزه ارمیتاژ سن‌پترزبورگ نگهداری می‌شود، سندی است بر دستیابی مردمان این حوزه جغرافیایی به دانش پیشرفته رنگرزی با استفاده از رنگ‌دانه‌های گیاهی نظیر روناس و نیل.

بسیاری از پژوهشگران، ازجمله خود رودنکو (۱۹۷۰) و پس از او اولریش شورمان (۱۹۸۲)، قالی پازیریک را محصول کارگاه‌های هخامنشی در فلات ایران می‌دانند. ادله این نظریه قوی است؛ شباهت خیره‌کننده میان آرایش اسب‌ها، پوشش سوارکاران و تاج‌های دندانه‌دار زنان با نقش‌برجسته‌های تخت جمشید؛ کیفیت فوق‌العاده بافت (۳۶۰۰ گره در دسی‌متر مربع) که نشان از کارگاه‌های پیشرفته شهری دارد؛ و نقوش مذهبی میتراایی که با آیین‌های زرتشتی پیوند دارد. به‌گفته شورمان، این قالی نه توسط عشایر و نه توسط روستاییان، بلکه محصول کارگاه‌های پیشرفته شهری است.



اگرچه اجماع نهایی حاصل نشده، اما قوی‌ترین و مستندترین نظریه، انتساب قالی پازیریک به کارگاه‌های هخامنشی است. بااین‌حال، خود قالی در حوزه فرهنگی استپ دفن شده و این نشان‌دهنده پیوندهای عمیق میان تمدن یکجانشین هخامنشی و قبایل کوچ‌نشین سکایی است. برای تاریخ هنر قزاقستان، اهمیت این اثر نه در مالکیت آن، بلکه در گواهی بر قدمت دانش

نفیس از کانون‌های تمدنی هم‌جوار و دوردست بودند. این تبادلات تجاری باعث شد تا الیاف گران‌بهایی مانند ابریشم و فنون بافت گره‌دار، با سنت‌های کهن نمذبافی قزاقی ترکیب شود. در این مقطع، قالی‌های قزاقی به نقطه تلاقی ظرافت‌های هنری کانون‌های یکجانشین و اصالت فنی سنت‌های کوچ‌نشینی تبدیل شدند. در این فرآیند، ظرافت‌های ساختاری کانون‌های اصلی قالی‌بافی در فلات ایران، قفقاز و آسیای صغیر، با الگوهای انتزاعی و گره‌های مستحکم استپی پیوند خورد و به تعادلی پایدار رسید.

۴-۲. دوران کلاسیک و تثبیت الگوهای بومی در بافندگی

در دوران خانات قزاق، هنر بافندگی به یک ثبات سبکی دست یافت که امروزه با نام کلاسیک قزاقی شناخته می‌شود. در این عصر، هر قبیله الگوهای خاص خود را توسعه داد و بافندگی به مهارتی مقدس و معیار سنجش منزلت اجتماعی زنان در ساختار قبیله‌ای بدل گشت. اهمیت این هنر به قدری بود که کیفیت یک بافته، مستقیماً بر اعتبار خانواده می‌افزود. در این دوران، فرش قزاقی از یک کالای کاربردی یا تجاری فراتر رفت و به یک رسانه بصری و فرهنگی، برای صیانت از تاریخ شفاهی، باورهای معنوی و حافظه جمعی مردمان استپ تبدیل شد.

۳. شواهد باستانی و تداوم سنت‌های بافندگی در حوزه استپ

۱-۳. کشف پازیریک؛ کهن‌ترین قالی گره‌دار جهان
سرگئی رودنکو، باستان‌شناس روس، در سال ۱۹۴۹، در جریان حفاری‌های خود در دره پازیریک، واقع در کوهستان‌های آلتای (درست در محل تلاقی مرزهای روسیه، قزاقستان، چین و مغولستان)، قالی‌ای یافت که تاریخ هنر بافندگی را دگرگون کرد. قالی پازیریک که در یخ‌های مقبره یکی از شاهزادگان سکایی مدفون شده بود، کهن‌ترین نمونه قالی پرزدار (گره‌دار) جهان به‌شمار می‌رود. انجماد این اثر در لایه‌های یخی، الیاف آن را پس

ریشه‌های هنر بافندگی در قزاقستان را باید در اعماق تاریخ و هم‌زمان با اهلی‌سازی دام در دوران مفرغ جستجو کرد. با انتقال جوامع به گله‌داری کوچ‌نشین، نیاز به موادی سبک و مقاوم برای ساخت سرپناه افزایش یافت. یافته‌های باستان‌شناسی در فرهنگ آندروو نشان می‌دهد که ساکنان اولیه این نواحی، از الیاف پشمی برای تولید پارچه‌های ساده استفاده می‌کردند. از منظر «مادی‌گرایی فرهنگی» هریس (۱۹۷۹)، این گذار یک تصمیم زیبایی‌شناختی نبود، بلکه پاسخی به کمبود چوب و سنگ در استپ و نیاز به ماده‌های سبک، فشرده و عایق بود. این آغاز مسیری بود که در آن پشم به عنصر اصلی تمدن استپ تبدیل شد و اولین جرقه‌های ابداع نمد زده شد. درواقع، محدودیت‌های محیطی، تکنولوژی بافت را به شکلی هدایت کرد که پشم، به‌عنوان در دسترس‌ترین و کارآمدترین منبع برای حفظ انرژی و عایق‌بندی، جایگزین مصالح ثابت ساختمانی شد.

۲-۲. تکامل فنون رنگرزی و پیدایش بافت‌های تزئینی در عصر سکایی

با ظهور تمدن سکاها در هزاره اول پیش از میلاد، هنر بافندگی وارد مرحله حرفه‌ای و هنری شد. کاوش در تپه‌های باستانی ایسیک ثابت کرد که بافندگان آن دوران از دانش پیشرفته رنگرزی گیاهی نیز برخوردار بودند. استفاده از حشرات مانند قرمزدانه و گیاهانی نظیر روناس برای ایجاد رنگ‌های قرمز آتشین و باثبات، نشان‌دهنده لایه‌های پیچیده دانش فنی در میان قبایل آن زمان است. در این دوره، بافته‌ها با تزئینات طلا و گلدوزی‌های ابریشمی، به نمادی از قدرت طبقه اشرافی تبدیل گشتند.

۳-۲. تلاقی مکاتب بافندگی در مسیر جاده ابریشم
قرارگیری جغرافیای قزاقستان در مسیر اصلی جاده ابریشم، این سرزمین را به کانون پویای تبادلات فرهنگی تبدیل کرد. کاروان‌هایی که از مسیر شهرهایی نظیر طراز و اترار عبور می‌کردند، افزون بر کالا، ناقل دانش فنی بافت قالی‌های

۴. تحلیل نقوش و نمادشناسی

۴-۱. فلسفه نقوش و هندسه انتزاعی

در هنر بافندگی قزاقستان، نقوش فراتر از آرایه‌های تزئینی، زبان نمادین جهان‌بینی عشایری هستند. فرش قزاقی برخلاف مکاتب شهری که اغلب بر پایه نقوش منحنی‌الخط و گل‌های اسلیمی بنا شده‌اند، بر هندسه‌گرایی و انتزاع تأکید دارد. این سبک طراحی، متأثر از ساختار فنی دستگاه‌های بافت افقی و ضرورت ساده‌سازی مظاهر طبیعت در چارچوب محدودیت‌های بافت پودمحور است.

۴-۲. نماد «قوچ‌مویز»؛ از سنت تا مدرنیته

قوچ‌مویز یا شاخ قوچ، محوری‌ترین بن‌مایه در سنت بافندگی قزاقستان و نماد برکت، ثروت و اقتدار است. از آنجاکه دامپروری زیربنای معیشت در استپ بود، حضور این نگاره بر تار و پود فرش، نوعی نیایش بصری برای استمرار نعمت و فراوانی تلقی می‌گشت. تنوع اجرای این نماد، از فرم‌های انتزاعی همچون سنگ‌مویز (شاخ‌های شکسته) تا ترکیبات پیچیده کاس‌مویز (شاخ‌های مضاعف)، گواهی بر پویایی این هنر در طول اعصار است. امروزه ارتقای این نگاره از یک عنصر کاربردی در منسوجات به یک نشان حاکمیتی در حاشیه طلایی پرچم ملی و معماری معاصر، ثابت می‌کند که هنر بافندگی نه یک پدیده موزه‌ای، بلکه شالوده زیبایی‌شناسی رسمی و هویت مدرن قزاقستان است. این ارتقا، مصداق بارز «بازخوانی نمادهای کهن در فرآیند ملت‌سازی» اندرسون (۲۰۰۶) است؛ فرآیندی که در آن، یک نماد کهن به یک «زبان مشترک بصری» تبدیل می‌شود تا همبستگی ملی را در فضای مدرن سیاسی تثبیت کند.

۴-۳. نمادهای جانوری و بازنمایی طبیعت

گنجینه نقوش قزاقی پیوندی ناگسستنی با فون (جانوران) استپ دارد. نقش کازتابان (ردپای غاز) نماد سفر امن و جهت‌یابی درست و نقش تویه‌تابان (ردپای شتر) تجسم صبر و استقامت در مسیرهای طولانی است. همچنین استفاده از

فرم‌های انتزاعی برای نمایش پرندگان، ریشه در باورهای کهن پیوند میان زمین و آسمان دارد. این نقوش ثابت می‌کنند که بافنده، محیط پیرامون را به زبان هندسه ترجمه کرده تا روح طبیعت را در فضای داخلی یورت بازسازی کند.

۴-۴. نمادهای حفاظتی و کیهانی

بخش مهمی از این هنر به نقوش حفاظتی اختصاص دارد؛ مانند نقش تومار (مثلث تعویذ) که برای صیانت از خانواده در برابر آسیب‌ها بافته می‌شود. همچنین، دایره‌های مرکزی معروف به کون (خورشید) و نقوش ستاره‌گون، نشان‌دهنده دانش اخترشناسی و جهت‌یابی در شب‌های استپ هستند. ترکیب این نقوش با رنگ‌های بنیادین (قرمز برای انرژی، آبی برای آسمان و سفید برای راستی)، فرش را به یک متن بصری تبدیل می‌کند که هم‌زمان روایتگر تاریخ، نیایش و جغرافیاست.

۵. تنوع بافته‌ها و تمایزهای تکنیکی

۵-۱. سیرماک (Syrmak)؛ شاهکار موزاییک نمدی

در قزاقستان سیرماک اوج هنر بافندگی محسوب می‌شود. سیرماک نوعی فرش نمدی است که با تکنیک موزاییک بافته می‌شود. در این روش استادکار دو لایه نمد با رنگ‌های متضاد (معمولاً سیاه و سفید یا قرمز و آبی) را روی هم قرار داده و طرح موردنظر را به‌طور هم‌زمان برش می‌زند؛ سپس قطعات بریده‌شده را مانند پازل در دل یکدیگر قرار داده و با نوار پشمی ظریفی به هم می‌دوزد و بخیه می‌زند. این تکنیک باعث می‌شود فرش از هردو طرف دارای نقش باشد و هیچ بخشی از مواد اولیه در فرآیند تولید هدر نرود. سیرماک به‌دلیل ضخامت زیاد و مقاومت در برابر رطوبت، عایقی کارآمد برای کف یورت در زمستان است.

۵-۲. تکمت (Tekemet)؛ هنر رنگ‌های درهم‌تنیده

تکمت نوعی فرش نمدی است که نقوش آن حالتی محو و ابروبادی دارند. در تولید تکمت، پشم‌های

رنگ‌شده را بر روی یک لایه پشم خام (هنوز نمد نشده) طبق الگو می‌چینند و سپس با استفاده از آب داغ و فشار فیزیکی، هردو لایه را باهم نمد می‌کنند. در این فرآیند، الیاف رنگی در دل لایه زیرین نفوذ کرده و نقش‌هایی نرم و رویایی پدید می‌آورند. تکمت‌ها معمولاً ابعاد بسیار بزرگی دارند و برای پوشاندن مساحت وسیعی از فضای داخلی یورت به‌کار می‌روند و نمادی از اتحاد و یکپارچگی عناصر طبیعت هستند.



۵-۳. باسکور (Baskur)؛ مهندسی بافت در خدمت سازه

باسکورها نوارهای بافته‌شده طویل و کم‌عرضی (بین ۱۰ تا ۴۰ سانتی‌متر) هستند که طول آن‌ها گاهی به ۱۵ متر می‌رسد. این نوارها نقشی حیاتی در پایداری ساختار یورت دارند؛ آن‌ها به دور



اسکلت چوبی خیمه بسته می‌شوند تا قطعات را در برابر بادهای شدید ثابت نگه دارند؛ درواقع باسکورها مانند کمربندهای مهارکننده، فشار وارده بر اسکلت یورت را توزیع کرده و مانع از فروپاشی سازه می‌شوند. باسکورها با استفاده از تکنیک بافت تخت و گاهی ترکیب با گره‌های برجسته تولید می‌شوند و ظریف‌ترین نقوش ریز هندسی را در خود جای می‌دهند که نشان‌دهنده دقت فنی و ذوق وصف‌ناپذیر بافنده است.

۴-۵. کوراک (Kurak) و منسوجات تزئینی یورت

در کنار بافته‌های زیرانداز، مجموعه‌ای از بافته‌های ظریف‌تر، مانند کوراک-کورپه یا هنر چهل‌تکه‌دوزی، هویت خانه قزاقی را تکمیل می‌کنند. بر پایه باوری کهن، به هم دوختن تکه‌های کوچک پارچه در این هنر، نمادی از اتحاد و پیوند ابدی اعضای خانواده است. همچنین بافته‌هایی نظیر آیاک-کاپ که کیسه‌های تزئینی نگهداری ظروف هستند و با گلدوزی‌های ابریشمی آراسته می‌شدند، نشان‌دهنده این است که در فرهنگ سنتی قزاقستان، حتی روزمره‌ترین وسایل زندگی نیز باید با هنر عجین می‌شدند تا محیط کوچک یورت را به فضایی گرم و سرشار از معنا تبدیل کنند. این سنت‌ها امروزه از فضای فیزیکی یورت به قلمرو طراحی و صنایع‌دستی معاصر قزاقستان نقل‌مکان کرده‌اند و همچنان پیام‌آور اتحاد و همبستگی هستند.



۶. زیرساخت‌های مادی و تکنیکی بافندگی

۶-۱. مهندسی گره و تکنیک‌های اتصال

در هنر بافندگی قزاقستان، گره ضامن بقای فرش در شرایط خشن استپی است. تکنیک اصلی در این منطقه، گره متقارن است که به‌دلیل ساختار دوگانه و درگیر شدن خامه با هر دو تار (زیر و رو)، بافتی بسیار مستحکم و متراکم ایجاد

می‌کند؛ این ویژگی باعث می‌شود فرش در برابر فرسایش فیزیکی و نفوذ ذرات شن و خاک مقاوم باشد. افزون بر گرہ‌های پرزدار، تکنیک‌های بافت تخت در تولید گلیم‌ها و باسکورها به‌کار می‌روند که در آن‌ها عبور هندسی و منظم پود از میان تارها، نقوشی ظریف و باثبات را خلق می‌کند. همچنین در بافته‌های نفیس‌تر، از تکنیک سوماک (پودپیچی) استفاده می‌شود؛ روشی که با ایجاد نقوش برجسته و زنجیره‌ای، افزون بر افزایش استحکام، به فرش عمق و بعد بصری می‌بخشد.

۲-۶. پالت رنگی؛ بازتاب طبیعت در تار و پود

رنگ در بافندگی قزاقستان، زبانی برای بیان پیوند انسان با زیست‌بوم است. بافندگان رنگ‌های اصلی را مستقیماً از منابع گیاهی استپ استخراج می‌کنند؛ قرمز، به‌عنوان نماد آتش و انرژی زندگی، از ریشه گیاه روناس و آبی تداعی‌گر آسمان و آرامش، از گیاه نیل به‌دست می‌آید. ویژگی منحصربه‌فرد این هنر، بهره‌گیری از رنگ‌های خودرنگ (پشم طبیعی سفید، قهوه‌ای و شتری) است که بدون نیاز به رنگریزی، اصالت و لطافت الیاف را حفظ می‌کنند. همچنین از پوست گردو و انار برای خلق طیف‌های خاکی و زرد در جزئیات استفاده می‌شود. ماندگاری خیره‌کننده این رنگ‌ها در برابر آفتاب شدید استپ، حاصل دانش سنتی بافندگان در تثبیت طبیعی الیاف است که درخشش فرش را پس از گذشت دهه‌ها تضمین می‌کند.

۳-۶. مواد اولیه؛ میراث دامپروری استپ

بنیاد مادی فرش قزاقستان بر محصولات دامی برخاسته از زیست‌بوم استپ استوار است. پشم گوسفند، عنصر محوری این صنعت، به‌دلیل اقلیم سرد منطقه، بلند، متراکم و سرشار از لانولین (چربی طبیعی) است؛ ویژگی منحصربه‌فردی که خاصیت ضدآب و ماندگاری بالایی به فرش می‌بخشد. در کنار آن، پشم شتر، به‌ویژه شترهای دوکوهانه، به‌دلیل درخشش ابریشم‌گونه و گرمای فوق‌العاده، در بافت‌های لوکس و به‌صورت خودرنگ به‌کار می‌رود. در

مناطق جنوبی نیز تحت تأثیر تبادلات تجاری، بهره‌گیری از پنبه برای افزایش ظرافت چله و ابریشم برای سوزن‌دوزی‌های روی نم‌د رایج است. این ترکیب کاملاً طبیعی، فرش قزاقی را به محصولی زیست‌محیطی تبدیل کرده که امروزه در بازارهای جهانی ارزش مضاعفی یافته است.

۷. قزاقستان در مقایسه با بافته‌های عشایری همسایگان

برای درک عمیق‌تر تمایزهای هنر بافندگی قزاقستان، باید آن را نه با قالی شهری ایران (اصفهان، تبریز، کاشان) – که محصول تمدن یکجانشین است – بلکه با بافته‌های عشایری ایران مقایسه کرد. ایلات قشقای، بختیاری، شاهسون و بلوچ، از نظر سبک زندگی کوچ‌نشینی، هم‌سطح‌ترین مقایسه با عشایر قزاق هستند. هر دو فرهنگ از گرہ متقارن استفاده می‌کنند و نقش‌های هندسی-انتزاعی در آن‌ها غلبه دارد. استحکام و قابلیت حمل، به‌جای ظرافت بصری، اولویت اصلی در هر دو سنت است؛ اما تفاوت‌های مهمی نیز وجود دارد. نخست، نم‌دبافی: در قزاقستان نم‌د به سطح هنری بسیار بالاتری رسیده است. سیرماک با تکنیک موزاییک دوطرفه و تک‌مت با نقوش ابروبادی، نمونه‌هایی از این پیشرفت هستند. در ایران، نم‌دبافی عمدتاً در سطح کاربردی باقی مانده است؛ دوم، کارکرد سازه‌ای: باسکوره‌های قزاقی که مانند کمربندهای مهارکننده عمل می‌کنند، نمونه‌ای از ابتکار مهندسی در عشایر قزاق است؛ سوم، نقش در ملت‌سازی معاصر: قزاقستان بافته‌های خود را به نماد مرکزی هویت ملی تبدیل کرده است. کوچ‌مویز بر پرچم، بر اسکناس‌ها و در معماری آستانه نقش بسته است.

در مقایسه با ترکمنستان – نزدیک‌ترین همسایه از نظر قومی و فنی –، قزاقستان بر نقش کوچ‌مویز متمرکز است، درحالی‌که ترکمنستان بر نقش گل (قبیله‌نما) تأکید دارد. هر دو از گرہ متقارن استفاده می‌کنند، اما کارکرد سازه‌ای در بافته‌های ترکمنستان دیده نمی‌شود. در مقایسه با مغولستان – که از نظر زندگی کوچ‌نشینی کامل،

مشابه قزاقستان است – هر دو در نم‌دبافی بسیار پیشرفته هستند و کارکرد سازه‌ای دارند. اما نقوش مغولستان دارای صراحت هندسی ابتدایی‌تر و سادگی بصری نسبت به قزاقستان است و پیچیدگی نمادین کوچ‌مویز و تومار را ندارد.

۸. احیا و برندسازی ملی

با استقلال قزاقستان در سال ۱۹۹۱ و جستجو برای نشانه‌های هویت ملی، هنر بافندگی به منبعی اصلی برای برندسازی تبدیل شد. معماری معاصر پایتخت قزاقستان که در سال‌های اخیر کانون بازتعریف نمادهای هویتی بوده است، با الهام از کوچ‌مویز و تومار طراحی شده است. در مد، طراحانی چون آیدا کائومنوا و نازگل کوموشالیوا از نقش و تکنیک سیرماک در لباس‌های شب و اکسسوری استفاده می‌کنند. در اسکناس‌ها، سری ۲۰۲۱ اسکناس‌های قزاقستان شامل نقش‌های انتزاعی گرفته‌شده از نم‌دهای سنتی است. بر اساس تحلیل داده‌های بازرگانی و گزارش‌های حوزه صنایع خلاق، صادرات محصولات نم‌دی و منسوجات سنتی قزاقستان در سال ۲۰۲۲ با رشدی چشمگیر نسبت به سال ۲۰۱۸، به مرز ۸ میلیون دلار نزدیک شده است. این جهش حدوداً ۴۰ درصدی، نشان‌دهنده موفقیت استراتژی برندسازی ملی در بازارهای هدف نظیر روسیه، ترکیه، آلمان و کره جنوبی است.

۹. سخن آخر

هنر بافندگی در قزاقستان، فراتر از یک مهارت دستی، ستون فقرات هویت ملی و پاسخی هوشمندانه به چالش‌های زیست‌محیطی استپ است. آنچه این میراث را متمایز می‌کند، پیوند میان نبوغ مهندسی، در بافت‌هایی نظیر باسکوره‌های سازه‌ای، با اصالت مادی در بهره‌گیری از پشم سرشار از لانولین و پالت رنگی ارگانیک است؛ گنجینه‌ای که توسط نسل‌های متمادی از بافندگان صیانت شده است.

در پاسخ به پرسش این نوشتار، باید گفت که تداوم این هنر نه یک تکرار ساده، بلکه حاصل یک بازتعریف کارکردی است؛ بدین معنا که هنر

با فندگی توانسته است «منطق ساختاری» خود را که روزگاری ضامن بقای فیزیکی در اقلیم سخت بود، به یک «زبان بصری» برای بازنمایی هویت تبدیل کند؛ درواقع، اگر در گذشته گرہ‌ها و نم‌دها وظیفه صیانت از جسم انسان در برابر سرما را داشتند، امروزه همان نظام نمادین (مانند کوچ‌مویز) وظیفه صیانت از حافظه جمعی و هویت ملی را در فضای مدرن برعهده گرفته است. این هنر به‌رغم تعاملات پویا در مسیر جاده ابریشم، توانسته است استقلال بصری و نظام اسطوره‌ای خود را در طول قرون حفظ کند. امروزه، این میراث تنها در قلمرو موزه‌ها محصور نمانده؛ بلکه از یک‌سو در تولیدات کارگاهی با استانداردهای نوین احیا شده و از سوی دیگر، بن‌مایه‌های آن (مانند کوچ‌مویز) به زبان مشترک معماری، مد و هویت بصری قزاقستان معاصر بدل گشته‌اند. این تداوم نشان‌دهنده آن است که هنر بافندگی میراثی پویاست که همچنان پیوند میان انسان، طبیعت و تاریخ را در آسیای مرکزی بازگو می‌کند.

کتاب‌شناسی و منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر:

Anderson, B. (۲۰۰۶). Imagined Communities. Verso.
Harris, M. (۱۹۷۹). Cultural Materialism. Random House.
Halbwachs, M. (۱۹۹۲). On Collective Memory. University of Chicago Press.
Rudenko, S. I. (۱۹۷۰). Frozen Tombs of Siberia: The Pazyryk Burials of Iron Age Horsemen. Translated by M. W. Thompson. University of California Press.
Schurmann, U. (۱۹۸۲). The Pazyryk: A ۲۵۰۰ year old knotted rug found in an icegrave in the Altai; Its use and origin. New York: Armenian Rugs Society.

نقش و جایگاه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان در قزاقستان و کشورهای عضو سازمان اکو

۱. مقدمه و چارچوب نظری

در دهه‌های اخیر، توجه به نقش زنان در فرآیند توسعه به یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی تبدیل شده است. شاخص‌هایی نظیر «توسعه جنسیتی» (آخرین گزارش UNDP، ۲۰۲۴) و «شکاف جنسیتی» (گزارش مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۲۳) نشان می‌دهند که بدون مشارکت فعال زنان، دستیابی به توسعه پایدار امکان‌پذیر نیست.

جایگاه زنان در قزاقستان پدیده‌ای چندلایه است که تحت تأثیر عوامل تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شکل گرفته است. این کشور ترکیبی از سنت‌های کوچ‌نشینی، میراث دوران شوروی و روندهای مدرن جهانی را در خود جای داده است. چارچوب نظری گزارش: این گزارش از ترکیب چند مدل نظری برای تحلیل وضعیت زنان بهره می‌برد. نخست، «نظریه رژیم جنسیتی» (Gender Regime Theory) که به بررسی چگونگی تعامل نهادهای دولتی، بازار و خانواده در تولید نابرابری‌های جنسیتی می‌پردازد (Walby, ۲۰۰۹). دوم، «مدل گذار پسا شوروی» (Post-Soviet Transition Model) که بر نقش سیاست‌های خصوصی‌سازی، عقب‌نشینی دولت از خدمات اجتماعی و بازگشت هنجارهای سنتی در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ تأکید دارد (Kandiyoti, ۲۰۰۷). سوم، «نظریه مدرنیزاسیون» (Modernization Theory) با تأکید بر نقش آموزش، شهرنشینی و مشارکت اقتصادی در دگرگونی نقش‌های جنسیتی.

این گزارش مدعی نیست که یک مدل نظری به تنهایی می‌تواند وضعیت پیچیده زنان در قزاقستان را تبیین کند، بلکه تعامل این سه عامل را در تحلیل خود به کار می‌گیرد. پرسش اصلی این گزارش آن است که قزاقستان

با وجود اشتراکات فرهنگی با همسایگان، در شاخص‌های توانمندسازی زنان چه عملکردی داشته؟ همچنین، نقش فرهنگی زنان - به عنوان حافظان زبان، سنت‌ها، پوشاک و هنرهای سنتی - چگونه در این میان بازتعریف شده است؟

بایسته روش‌شناختی - محدودیت مقایسه کشورها: پیش از ورود به تحلیل، باید تأکید کرد که مقایسه کشورهای با نظام‌های سیاسی، ساختارهای اقتصادی، کیفیت داده‌ها و تعاریف متفاوت از اشتغال و مشارکت، همواره با محدودیت مواجه است. مقایسه‌های ارائه شده در این گزارش صرفاً شاخصی هستند و تفاوت‌های نهادی عمیق (مانند نوع نظام سیاسی، تعریف «اشتغال» در آمارهای ملی، و هنجارهای فرهنگی حاکم بر مشارکت زنان) را به طور کامل منعکس نمی‌کنند. از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود نتایج مقایسه‌ای را با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها تفسیر کنند.

این نوشتار با رویکردی تطبیقی در چارچوب علوم اجتماعی و با بهره‌گیری از شاخص‌هایی همچون آموزش، مشارکت اقتصادی، مشارکت سیاسی، هنجارهای فرهنگی و نقش فرهنگی زنان، به بررسی وضعیت زنان می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که وضعیت زنان در قزاقستان در میانه «سنت و مدرنیته» قرار دارد. در عین حال، زنان در قزاقستان در برخی حوزه‌های فرهنگی نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کنند - از زبان و ادبیات تا پوشاک سنتی و هنرهای دستی.

۲. پیشینه تاریخی جایگاه زنان

۲-۱. دوره سنتی و کوچ‌نشینی

در جامعه سنتی قزاق، زنان برخلاف بسیاری از جوامع پدرسالار همسایه، نقش فعالی در خانواده

نقش و جایگاه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان در قزاقستان و کشورهای عضو سازمان اکو

دکتر مهرداد رخشنده؛ مدیر اجرایی موسسه فرهنگی اکو



و اقتصاد داشتند. پژوهش‌های مردم‌نگاری (Werner, ۲۰۰۹; Kandiyoti, ۲۰۰۷) تأیید کرده است که زنان علاوه بر مدیریت امور خانه، در نگهداری دام و حتی برخی تصمیم‌گیری‌های مهم مشارکت می‌کردند. در غیاب مردان (به دلیل کوچ، جنگ یا تجارت)، زنان عملاً اداره‌کننده خانواده بودند. این شرایط به شکل‌گیری ویژگی‌هایی چون خوداتکایی و نوعی اقتدار اجتماعی در میان زنان انجامید. با این حال، پژوهشگران هشدار می‌دهند که این اقتدار بیشتر «مدیریتی» و «اجرایی» بود تا «تصمیم‌گیری راهبردی»؛ به عبارت دیگر، غیاب مردان به معنای برابری ساختاری نبود.

نقش فرهنگی زنان در دوره سنتی: در جامعه کوچ‌نشین قزاق، زنان در برخی حوزه‌های فرهنگی نقش پررنگ‌تری داشتند. آنان ترانه‌های آیینی (به ویژه «توی باتار» - اشعار عروسی و سوگ)، افسانه‌های قبیله‌ای و دانش پزشکی سنتی (گیاهان دارویی استپ) را سینه به سینه منتقل می‌کردند. همچنین، هنر بافندگی (نمد، سیرماک، تکمت، باسکور) و سوزن‌دوزی سنتی که هویت بصری قزاقستان را شکل داده، عمدتاً توسط زنان حفظ و به نسل بعد منتقل شده است. این میراث فرهنگی - که امروزه به نماد هویت ملی تبدیل شده - حاصل دسترنج و حافظه جمعی زنان قزاق است.

۲-۲. دوران اتحاد جماهیر شوروی

دوران اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۲۰-۱۹۹۱) تأثیر عمیقی بر وضعیت زنان داشت. افزایش سطح سواد (نرخ سواد زنان در پایان دوره شوروی به نزدیک ۱۰۰ درصد رسید)، گسترش آموزش، حضور گسترده در بازار کار و تأکید بر برابری حقوقی، از مهم‌ترین پیامدهای این دوره بود. این تحولات، زیرساخت‌های مشارکت اجتماعی زنان را تقویت کرد.

تأثیر بر نقش فرهنگی زنان: در دوره شوروی، زنان قزاق به طور گسترده وارد نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی دولتی شدند. بسیاری از آنان به عنوان

معلم، کتابدار، خبرنگار و هنرمند حرفه‌ای فعالیت کردند. با این حال، سیاست‌های فرهنگی شوروی دو سویه بود: از یک سو، به زنان امکان تحصیل و اشتغال در عرصه فرهنگ داد؛ از سوی دیگر، برخی سنت‌های فرهنگی محلی (از جمله پوشاک و آیین‌های خاص) را سرکوب یا کمرنگ کرد. زنان قزاق در این دوره «عاملیت دوگانه» یافتند: هم حافظ سنت‌های باقی‌مانده در فضای خصوصی (خانواده) و هم مروج فرهنگ رسمی شوروی در فضای عمومی. این الگو تا امروز نیز در حافظه جمعی جامعه قزاقستان باقی مانده است. نقاط عطف تاریخی تکمیلی: گذار از اقتصاد سوسیالیستی برنامه‌ریزی‌شده به اقتصاد بازار در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ (سیاست‌های نولیبرال پساشوروی) تأثیرات متفاوتی بر وضعیت زنان داشت: از یک سو، فرصت‌های جدید کارآفرینی ایجاد کرد؛ از سوی دیگر، با خصوصی‌سازی، شرایط متفاوتی بر زنان فراهم آورده است.

۳. وضعیت زنان در دوره معاصر

۳-۱. آموزش و سرمایه انسانی

قزاقستان از نظر شاخص‌های آموزشی زنان در میان کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اگو) جایگاه بالایی دارد. نرخ سواد رسمی زنان در این کشور نزدیک به ۱۰۰ درصد گزارش شده است (UNESCO, ۲۰۲۳). همچنین، سهم زنان در آموزش عالی در سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۲۳ به بیش از ۵۰ درصد رسیده است (World Bank, ۲۰۲۳). این ارقام مربوط به «سواد پایه» هستند و لزوماً مهارت‌های عملکردی (Functional Literacy) را منعکس نمی‌کنند.

در کشورهای آسیای مرکزی مانند ازبکستان و قرقیزستان نیز نرخ سواد زنان بالا (بیش از ۹۵ درصد) است که نشان‌دهنده تداوم میراث آموزشی دوران شوروی است.

در مقابل، در افغانستان (داده‌های پیش از تحولات ۲۰۲۱) نرخ سواد زنان کمتر از ۳۰ درصد و در پاکستان حدود ۴۵-۵۰ درصد (سال ۲۰۲۲-۲۰۲۳) گزارش شده است (UNESCO, ۲۰۲۳). باید توجه داشت که پس از تحولات ۲۰۲۱ در افغانستان، دسترسی دختران به آموزش به شدت کاهش یافته و داده‌های جدید در دسترس نیست.

نکته تکمیلی: در قزاقستان، سهم زنان در رشته‌های STEM (علوم، فناوری، مهندسی، ریاضی) حدود ۳۰-۳۵ درصد است (UNESCO, ۲۰۲۳) که بالاتر از میانگین بسیاری از کشورهای اروپایی است. این یک مزیت رقابتی مهم برای اقتصاد آینده محسوب می‌شود.

۳-۲. مشارکت اقتصادی

نرخ مشارکت نیروی کار زنان در قزاقستان بر اساس آخرین داده‌های سازمان بین‌المللی کار (ILO, ۲۰۲۳) حدود ۵۵ تا ۶۰ درصد برآورد می‌شود (بسته به تعریف، سال گزارش و نوسانات اقتصادی). این رقم در مقایسه با میانگین جهانی (۴۷ درصد) رقم نسبتاً بالایی است.

با این حال، شکاف دستمزدی جنسیتی همچنان وجود دارد و زنان به‌طور متوسط حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد کمتر از مردان درآمد دارند (OECD Gender Wage Gap Report, ۲۰۲۳). در برخی بخش‌های خاص اقتصادی، این شکاف ممکن است تا ۲۸ درصد نیز برسد، اما به عنوان میانگین کل اقتصاد، بازه ۲۰-۲۵ درصد دقیق‌تر است. همچنین، سهم زنان در مشاغل مدیریتی حدود ۲۵-۳۰ درصد گزارش شده است (داده‌های رسمی قزاقستان، ۲۰۲۲).

در کشورهای دیگر عضو اگو، این وضعیت متفاوت است. بر اساس داده‌های ILO (۲۰۲۳) و WEF (۲۰۲۳)، ایران دارای نرخ مشارکت اقتصادی حدود ۱۳-۱۷ درصد و پاکستان با ۲۰-۲۵ درصد است. ترکیه با ۳۲-۳۸ درصد و آذربایجان با ۶۰-۶۳ درصد

در سطوح بالاتری قرار دارند.

تحلیل علی‌چندعاملی (چهار عامل اصلی): وضعیت زنان در قزاقستان نتیجه تعامل چندین عامل است، نه صرفاً میراث شوروی. این عوامل عبارتند از:

۱. میراث شوروی: ایجاد زیرساخت‌های آموزشی و حقوقی، و الگوی اشتغال کامل زنان در بخش دولتی
۲. ساختار اقتصاد دولتی-محور: بر خلاف تعمیم «نفت‌محوری»، اشتغال زنان در قزاقستان عمدتاً در بخش‌های آموزش، سلامت، خدمات عمومی و ادارات دولتی متمرکز است، نه مستقیماً در صنعت نفت. آنچه بر اشتغال زنان تأثیر می‌گذارد، وابستگی به بخش دولتی و ساختار اقتصاد دولتی-محور است - اقتصادی که در آن دولت نقش کارفرمای اصلی را ایفا می‌کند. هرگونه تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی یا کاهش بودجه دولتی می‌تواند بر نقش اقتصادی زنان تأثیر بگذارد.
۳. شهرنشینی سریع پس از استقلال که فرصت‌های شغلی جدیدی برای زنان در شهرهای بزرگ ایجاد کرد
۴. مهاجرت نیروی کار مردان به خارج از کشور که در برخی مناطق، مسئولیت‌های اقتصادی را به زنان واگذار کرد
۵. سیاست‌های سهمیه‌ای دولت برای حضور زنان در آموزش عالی و مدیریت میانی
۶. بازگشت هنجارهای فرهنگی اسلامی-محلی
۷. طبقه اجتماعی (Class)

۳-۳. مشارکت سیاسی و اجتماعی

حضور زنان در ساختارهای سیاسی قزاقستان در سطح متوسط و رو به رشد ارزیابی می‌شود. سهم زنان در پارلمان قزاقستان حدود ۲۷ تا ۲۸ درصد است (IPU, ۲۰۲۴) که بالاتر از میانگین

برخی کشورهای منطقه محسوب می‌شود. عواملی مانند ثبات سیاسی، نوع نظام حکمرانی و وجود سیاست‌های حمایتی (مانند سهمیه‌های جنسیتی)، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان مشارکت سیاسی زنان دارند.

در مقایسه با سایر کشورهای عضو اکو، سهم زنان در ایران ۶ درصد (مجلس، ۲۰۲۳) و ازبکستان بیش از ۳۰ درصد (۲۰۲۳) می‌باشد.

۳-۴. هنجارهای فرهنگی و چالش‌ها

ساختار فرهنگی قزاقستان ترکیبی از سنت‌های بومی کوچ‌نشینی، سکولاریسم نسبی (میراث شوروی) و تأثیرات مدرنیته جهانی است. این ترکیب فضایی نسبتاً انعطاف‌پذیر برای فعالیت زنان فراهم کرده است.

دوگانگی ارزشی (Value Duality): زنان قزاق با نوعی دوگانگی میان حفظ ارزش‌های خانوادگی (سنتی) و دستیابی به استقلال فردی و حرفه‌ای (مدرن) مواجه‌اند. این دوگانگی در بسیاری از جوامع در حال گذار دیده می‌شود، اما در قزاقستان به دلیل سرعت بالای تغییرات پس از استقلال (۱۹۹۱) و توسعه شهری سریع، نمود بارزتری دارد.

سقف شیشه‌ای (Glass Ceiling) در عمل: اگرچه زنان به سطوح بالای تحصیلی دست یافته‌اند، اما همچنان در سطوح بالای مدیریتی و تصمیم‌گیری (چه در بخش دولتی و چه خصوصی) حضور محدودی دارند. این پدیده که در ادبیات علمی به «شکاف عمودی» معروف است، نشان می‌دهد که موانع فرهنگی و ساختاری، پیشرفت شغلی زنان را محدود می‌کند.

تفکیک افقی شغلی (Occupational Segregation): زنان قزاق عمدتاً در مشاغلی مانند آموزش، پرورش، خدمات اجتماعی و بهداشت و درمان متمرکز شده‌اند. سهم آن‌ها در صنایع سنگین (نفت، معدن، متالورژی) و مهندسی همچنان پایین است (زیر ۲۰ درصد).

۳-۵. نقش فرهنگی زنان

زنان در قزاقستان در برخی حوزه‌های فرهنگی نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کنند – نقشی که در بسیاری از گزارش‌های توسعه نادیده گرفته می‌شود. این نقش را می‌توان در چند حوزه کلیدی بررسی کرد. باید تأکید کرد که این نقش‌ها «پررنگ‌تر» هستند، نه «مطلق»؛ به این معنا که مردان نیز در این حوزه‌ها حضور دارند، اما سهم زنان در برخی زمینه‌ها برجسته‌تر است.

۱. زبان و ادبیات: در جامعه سنتی قزاق، زنان در حفظ شعر شفاهی، داستان‌های عامیانه و ترانه‌های آیینی نقش پررنگ‌تری داشتند. در دوره معاصر، سهم زنان در آموزش زبان و ادبیات قزاقی در مدارس و دانشگاه‌ها به بیش از ۷۰ درصد می‌رسد (داده‌های وزارت آموزش قزاقستان، ۲۰۲۲). بسیاری از نویسندگان و شاعران برجسته معاصر قزاقستان اگرچه مرد هستند، اما زنان نقش کلیدی در ترویج ادبیات کودک و حفظ گویش‌های محلی دارند – حوزه‌هایی که اغلب در حاشیه توجه رسمی قرار دارند.

۲. پوشاک سنتی و هویت بصری (نقش ویژه): پوشاک سنتی قزاقستان – از کلاه‌های بلند «سائوکه» (Saukele) عروس‌ها تا جلیقه‌های گلدوزی‌شده «کمزول» (Kemezil) – عمدتاً توسط زنان طراحی، دوخته و تزئین می‌شود. امروزه، طراحان مد زن قزاق (مانند آیدا کائومنوا، شولپان کینزیتایوا) در حال بازآفرینی پوشاک سنتی با زبان مدرن هستند و آن را به برندهای بین‌المللی معرفی می‌کنند. پوشش زنان در قزاقستان تحت تأثیر سه لایه فرهنگی است: الف) سنت‌های کوچ‌نشینی (روسرهای ابریشمی، کلاه‌های مخملی)، ب) تأثیرات شوروی (پوشاک سکولار و غربی شده)، و ج) بازگشت به هویت ملی پس از استقلال (احیای نقش‌های سنتی روی لباس). زنان در این میان نه فقط مصرف‌کننده، بلکه طراح، تولیدکننده و مروج پوشاک به عنوان نماد هویت فرهنگی هستند. با این حال، باید توجه داشت که در حوزه طراحی پوشاک مردانه و برخی

سبک‌های خاص، مردان نیز حضور فعالی دارند.

۳. هنرهای سنتی و صنایع دستی: زنان قزاق در حفظ هنرهایی مانند نم‌بافی (سیرماک و تکمت)، بافت باسکور (نوارهای تزئینی مهار یورت)، سوزن‌دوزی سنتی (با نخ‌های ابریشمی و طلا) و ساخت زیورآلات نمدی نقش پررنگ‌تری دارند. این هنرها نه تنها میراث فرهنگی را زنده نگه داشته‌اند، بلکه امروزه به منبع درآمد و کارآفرینی برای هزاران زن در مناطق روستایی تبدیل شده‌اند. بر اساس گزارش بانک اروپایی بازسازی و توسعه (EBRD, ۲۰۲۳)، حدود ۳۸ تا ۴۰ درصد از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در حوزه صنایع دستی و فرهنگی قزاقستان توسط زنان اداره می‌شود.

۴. موسیقی و آیین‌ها: در فرهنگ قزاق، زنان در اجرای موسیقی آیینی نقش کلیدی دارند. «آکین‌ها» (شاعران-خوانندگان بداهه‌پرداز) شامل زنان توانمندی بوده‌اند که حماسه‌های قهرمانی و اشعار عاشقانه را با همراهی «دومبرا» (نواز سنتی) اجرا می‌کردند. امروزه زنان در ارکسترهای فولکلوریک و گروه‌های موسیقی سنتی حضور پررنگی دارند. همچنین، آیین‌های مرتبط با تولد، عروسی و سوگواری عمدتاً توسط زنان اداره و حفظ می‌شود.

همچنین، سهم آن‌ها در مدیریت نهادهای فرهنگی بزرگ (موزه‌ها، تئاترهای ملی، ارکسترهای دولتی) کمتر از ۳۰ درصد است. همچنین، کلیشه‌هایی مبنی بر اینکه «هنر فاخر» (مانند آهنگسازی، کارگردانی تئاتر، مجسمه‌سازی) عمدتاً مردانه است توسط نسل جدید زنان هنرمند قزاق در حال شکستن است.

۴. مقایسه تطبیقی کشورهای عضو اکو

مقایسه شاخص‌های کلیدی نشان می‌دهد که قزاقستان از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است، به‌ویژه در حوزه آموزش و مشارکت اقتصادی.

از نظر نرخ سواد زنان، قزاقستان با نرخ نزدیک به ۱۰۰ درصد در کنار آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان و قرقیزستان در بالاترین سطح قرار دارد. این کشورها همگی از میراث آموزشی دوران شوروی بهره برده‌اند. ترکیه با حدود ۹۶ درصد در سطح بعدی، ایران با حدود ۸۵-۹۰ درصد و پاکستان با حدود ۴۵-۵۰ درصد در سطوح بعدی قرار دارند. افغانستان (داده‌های پیش از تحولات ۲۰۲۱) با کمتر از ۳۰ درصد در پایین‌ترین سطح است. باید توجه داشت که این ارقام مربوط به «سواد پایه» هستند و نه لزوماً مهارت‌های عملکردی (Functional Literacy).

از نظر نرخ مشارکت اقتصادی زنان، قزاقستان با حدود ۵۵-۶۰ درصد در کنار آذربایجان (۶۰-۶۳ درصد) در بالاترین سطح قرار دارد. ازبکستان و قرقیزستان با حدود ۵۰-۵۵ درصد، ترکیه با ۳۲-۳۸ درصد، پاکستان با ۲۰-۲۵ درصد و ایران با ۱۳-۱۷ درصد در سطوح بعدی قرار دارند. افغانستان با کمتر از ۲۰ درصد (برآورد) در پایین‌ترین سطح است. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که نرخ بالای آموزش به تنهایی منجر به مشارکت اقتصادی بالا نمی‌شود و عوامل فرهنگی، هنجاری و ساختاری (مانند محدودیت‌های قانونی برای اشتغال زنان در برخی کشورها) نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

از نظر سهم زنان در پارلمان، قزاقستان با حدود ۲۷-۲۸ درصد در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد. ازبکستان با بیش از ۳۰ درصد بالاترین و ترکمنستان با حدود ۲۶ درصد (برآورد) و قرقیزستان با ۲۰-۲۵ درصد در محدوده مشابه هستند. ترکیه با ۱۷-۲۰ درصد، پاکستان با حدود ۲۰ درصد و ایران با کمتر از ۶ درصد در سطوح پایین‌تر قرار دارند. افغانستان با سهم بسیار پایین (کمتر از ۵ درصد) در پایین‌ترین سطح است.

در حوزه نقش فرهنگی زنان، قزاقستان از وضعیت منحصربه‌فردی برخوردار است. از یک سو، میراث شوروی باعث شده زنان در این کشور به سطوح

منابع و مراجع

منابع بین‌المللی:

WHO. (۲۰۲۲). Violence Against Women Prevalence Estimates. World Health Organization.
World Bank. (۲۰۲۳). World Development Indicators: Gender. The World Bank Group.
World Economic Forum. (۲۰۲۳). Gender Gap Report. World Economic Forum.

منابع منطقه‌ای (پیشنهادی برای مطالعه بیشتر):
گزارش‌های سالانه کمیته آمار قزاقستان (۲۰۲۰-۲۰۲۳)

گزارش‌های بانک مرکزی ایران در مورد اشتغال زنان

گزارش‌های اداره آمار پاکستان (Pakistan Bureau of Statistics)

EBRD. (۲۰۲۳). Women in Business Programme: Annual Report. European Bank for Reconstruction and Development.
ILO. (۲۰۲۳). World Employment and Social Outlook: Trends International Labour Organization.

IPU. (۲۰۲۴). Women in Parliament: Global and Regional Averages. Inter-Parliamentary Union.

Kandiyoti, D. (۲۰۰۷). The Politics of Gender in Central Asia. Cambridge University Press.
OECD. (۲۰۲۳). Gender Wage Gap Report. Organisation for Economic Co-operation and Development.

UNDP. (۲۰۲۳). Women in Energy Sector: Central Asia Report. United Nations Development Programme.

UNDP. (۲۰۲۴). Gender Development Index: Regional Overview. United Nations Development Programme.

UNESCO. (۲۰۲۳). Global Education Monitoring Report: Gender Equality. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.

UN Women. (۲۰۲۳). Progress on Gender Equality in Central Asia. United Nations Entity for Gender Equality and the Empowerment of Women.

Walby, S. (۲۰۰۹). Globalization and Inequalities: Complexity and Contested Modernities. SAGE Publications.

Werner, C. (۲۰۰۹). Women and the Making of the Kazakh Nation. University of Pittsburgh Press.

بالا‌تر از میانگین جهانی (۲۲ درصد) است. این نشان‌دهنده فرصت‌های جدید برای اشتغال زنان در بخش‌های نوین اقتصادی است.

حضور زنان در رسانه‌ها و تولید محتوای فرهنگی: در دو دهه اخیر، سهم زنان به عنوان خبرنگار، مجری، تهیه‌کننده و مدیر رسانه‌های آنلاین در قزاقستان رشد چشمگیری داشته است. بر اساس گزارش‌های محلی (انجمن روزنامه‌نگاران قزاقستان، ۲۰۲۳)، حدود ۵۵-۶۰ درصد از دانشجویان روزنامه‌نگاری و ارتباطات را زنان تشکیل می‌دهند. این نسل جدید از زنان رسانه‌ای، در حال تغییر روایت‌های کلیشه‌ای درباره نقش زنان در جامعه قزاقستان هستند.

فعالیت مدنی: فعالیت سازمان‌های مدنی و جنبش‌های زنان نیز در سال‌های اخیر رشد داشته و نشان‌دهنده افزایش مشارکت اجتماعی و مطالبه‌گری زنان است. شبکه‌های مجازی و بسترهای آنلاین فضای جدیدی برای سازماندهی و آگاهی‌بخشی در مورد حقوق زنان فراهم کرده‌اند.

نتیجه‌گیری:

جایگاه زنان در قزاقستان به‌ویژه در حوزه آموزش و مشارکت اقتصادی در وضعیت مطلوبی قرار دارد. زنان در قزاقستان در حوزه‌های خاصی از فرهنگ (مانند حفظ هنرهای سنتی، آموزش زبان، طراحی پوشاک) نقش پررنگ‌تری دارند. آنان نه فقط «موضوع» توسعه، بلکه «فاعلان» اصلی حفظ و بازآفرینی هویت فرهنگی در برخی زمینه‌های کلیدی هستند. از نمدبافی سنتی (سیرماک و تکمت) تا طراحی پوشاک مدرن با الهام از نقش‌های کوچ‌مویز و تومار، و از حفظ ترانه‌های آیینی تا حضور در رسانه‌های ملی - زنان ستون‌های فرهنگ قزاقستان معاصر را شکل می‌دهند.

بالایی از آموزش و حضور در عرصه‌های فرهنگی رسمی (معلمی، روزنامه‌نگاری، نشر) دست یابند. از سوی دیگر، احیای هویت ملی پس از استقلال، فضایی برای بازتعریف نقش زنان به عنوان «حافظان سنت‌های قزاقی» (از جمله پوشاک و هنرهای دستی) ایجاد کرده است. در مقایسه، در ترکیه، زنان نقش پررنگ‌تری در صنایع خلاق و فرهنگی مدرن (سینما، مد، رسانه) دارند. در کشورهای آسیای مرکزی دیگر (ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان) نیز زنان نقش مهمی در حفظ صنایع دستی سنتی ایفا می‌کنند.

۵. تحولات مثبت و روندهای نوین

در سال‌های اخیر، روندهای مثبتی در وضعیت زنان قزاقستان مشاهده می‌شود. افزایش آگاهی اجتماعی، رشد مطالبات حقوقی و تغییر نگرش‌ها نسبت به نقش زنان از جمله این تحولات است.

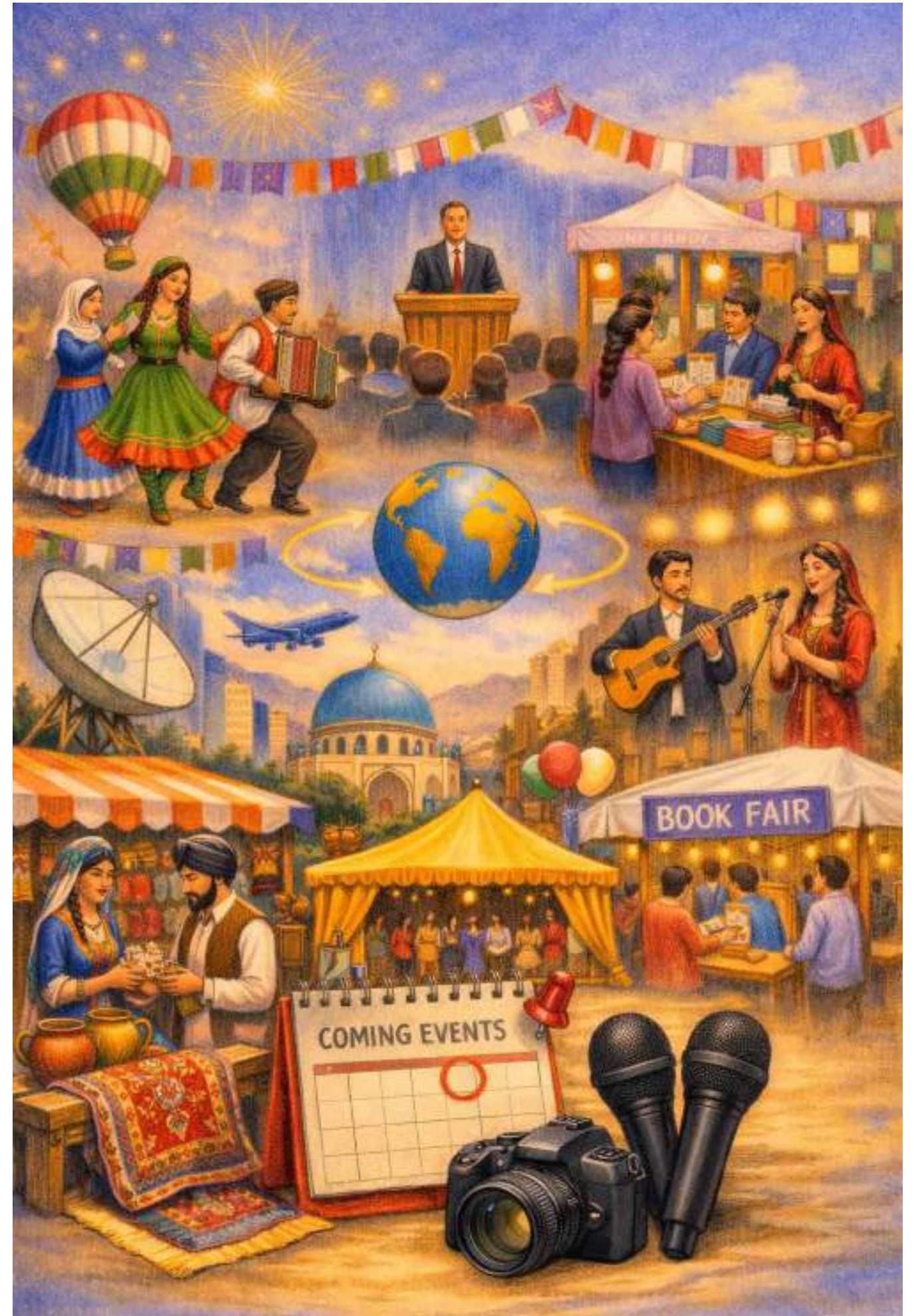
کارآفرینی زنان در حوزه فرهنگ و صنایع دستی: بر اساس گزارش بانک اروپایی بازسازی و توسعه (EBRD، ۲۰۲۳)، حدود ۳۸ تا ۴۰ درصد از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در قزاقستان مالکیت یا مدیریت زنانه دارند. در حوزه صنایع خلاق و فرهنگی (مد، طراحی، هنرهای تجسمی، صنایع دستی)، این سهم حتی بالاتر است و به حدود ۴۵-۵۰ درصد می‌رسد - هرچند این ارقام نیز برآوردی هستند و داده‌های دقیق‌تری نیاز است. زنان کارآفرین قزاق در حال ایجاد برندهای بین‌المللی در حوزه پوشاک سنتی-مدرن و نمدهای تزئینی (سیرماک و تکمت) هستند و محصولات خود را به بازارهایی در ترکیه، روسیه، کره جنوبی و کشورهای اروپایی صادر می‌کنند.

انرژی‌های تجدیدپذیر: بر اساس گزارش برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP، ۲۰۲۳)، حضور زنان در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر در قزاقستان حدود ۲۵ تا ۲۸ درصد برآورد می‌شود که



فصل چهارم

رویدادها، برنامه‌ها و اخبار فرهنگی منطقه اکو و
مروری بر رویدادهای آتی



اخبار فرهنگی کشورهای عضو اکو در ماه آوریل ۲۰۲۶

برنامه‌ریزی برای بازگرداندن آثار تاریخی قاچاق شده

اداره فرهنگ و گردشگری جمهوری آذربایجان اعلام کرده است که فرآیند شناسایی و پیگیری حقوقی برای بازگرداندن چندین اثر تاریخی که به طور غیرقانونی از کشور خارج شده‌اند، در جریان است. این اقدام در راستای سیاست حفاظت از میراث فرهنگی و هماهنگی با تلاش‌های بین‌المللی برای مقابله با قاچاق آثار باستانی صورت می‌گیرد.

گسترش همکاری‌های فرهنگی جمهوری آذربایجان با ترکیه در زمینه هنرهای تجسمی

دو کشور توافق کرده‌اند تا برنامه تبادل هنرمندان و برگزاری نمایشگاه‌های مشترک را در سال جاری افزایش دهند. این برنامه‌ها شامل اقامت‌های هنری (artist residencies) برای نقاشان و مجسمه‌سازان جمهوری آذربایجان در شهرهای مختلف ترکیه و بالعکس خواهد بود.

شانزدهمین جشنواره بین‌المللی هنر و فرهنگ خلیج فارس در هرمزگان

شانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی هنر و فرهنگ خلیج فارس در شهرستان‌های میناب، بندرعباس و جزایر هرمز و بوموسی آغاز به کار کرد. در این جشنواره، ۲۷۷ اثر به جشنواره فیلم‌نامه‌نویسی خلیج فارس و ۱۸۴ اثر به جشنواره کتاب سال خلیج فارس ارسال شده است. برنامه‌های فرهنگی شامل شب شعر با

جشنواره بین‌المللی کشتی سنتی در کابل

در تاریخ ۲۳ آوریل ۲۰۲۶، جشنواره بین‌المللی کشتی سنتی با حضور ۱۶۰ ورزشکار از هفت کشور (افغانستان، ایران، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و ترکیه) در کابل افتتاح شد. این رویداد سه‌روزه شامل رشته‌های کشتی کوراش (Kurash)، سامبو، کشتی رستمی (Rostami wrestling) و کشتی کمربندی بود. مولوی امیرخان متقی، وزیر امور خارجه افغانستان، در مراسم افتتاحیه، این رویداد را دستاوردی بزرگ برای ورزش کشور دانست و آن را فرصتی برای نمایش پیشرفت‌های ورزشی و ایجاد پل‌های فرهنگی با کشورهای همسایه توصیف کرد.

نمایشگاه هنرمندان جمهوری آذربایجان در شهرهای ازمیر و آنتالیا

در ادامه همکاری‌های فرهنگی میان جمهوری آذربایجان و ترکیه، نمایشگاهی از آثار هنرمندان معاصر آذربایجانی در شهرهای ازمیر و آنتالیا برگزار می‌شود. این نمایشگاه با عنوان «ظرافت رنگ‌ها: پیروزی هنر» از ۲۸ آوریل در مرکز هنری احمد عدنان سایگون در ازمیر آغاز شده و تا ۱۶ مه ادامه دارد. این پروژه به همت مرکز فرهنگی آذربایجان در ترکیه و حمایت آکادمی دولتی هنرهای زیبای آذربایجان برگزار شده و آثاری با محوریت فرهنگ جمهوری آذربایجان، باکو، ازمیر، قره‌باغ و طبیعت را به نمایش می‌گذارد.



حضور شاعران هرمزگانی، نمایشگاه‌های هنرهای محیطی در جزیره هرمز، مراسم برافراشتن پرچم، رژه قایق‌های ماهیگیری، و رونمایی از دو کتاب جدید درباره حضور بریتانیا در خلیج فارس و فرهنگ عامه هرمزگان است. همچنین از تمبر یادبود شهدای دانش‌آموز میناب رونمایی خواهد شد. جشنواره‌های تخصصی جدیدی از جمله جشنواره عودنوازان خلیج فارس، جشنواره عکاسی و پوستر مقاومت، جشنواره تئاتر تک‌نفره، جشنواره موسیقی ساحلی و جشنواره هنرهای محیطی نیز در طول سال برگزار می‌شود.



نخستین نمایشگاه بین‌المللی خوشنویسی «رقص قلم» در مشهد

کمیسیون ملی یونسکو در ایران، نخستین نمایشگاه و کنفرانس بین‌المللی خوشنویسی «رقص قلم» (Raqs-e Qalam) را در مشهد برگزار

تجلی همزیستی در جشنواره ملی فرهنگ و آشپزی آستانه

جشنواره ملی فرهنگ و آشپزی آستانه، به عنوان یکی از شاخص‌ترین رویدادهای فرهنگی پایتخت، بستری برای نمایش پیوستگی و میراث مشترک اقوامی است که در قزاقستان زندگی می‌کنند. این برنامه که به صورت سالانه همزمان با «روز وحدت مردم» در محوطه مقابل «خانه دوستی» سازماندهی می‌شود، فراتر از یک گردهمایی ساده، به عنوان نمادی از تعاملات میان فرهنگی و صلح پایدار شناخته می‌شود.

در این رویداد، بیش از ۲۰ مرکز فرهنگی و قومی با برپایی غرفه‌های اختصاصی، مجموعه‌ای از هنرهای دستی، موسیقی فولکلور و آیین‌های اصیل خود را به نمایش می‌گذارند. محور اصلی این برنامه بر مبنای اشتراک‌گذاری میراث ناملموس استوار است. بخش گسترده‌ای از این جشنواره به معرفی سنت‌های آشپزی و نان‌های محلی اختصاص دارد که نقش مهمی در معرفی هویت تاریخی اقوام ایفا می‌کند. این تبادل فرهنگی که در تحلیل‌های رسانه‌ای از آن به عنوان ابزاری برای نزدیکی ملت‌ها یاد می‌شود، به بازدیدکنندگان اجازه می‌دهد تا از طریق تجربه مستقیم طعم‌ها و نواهای سنتی، با غنای فرهنگی همسایگان خود آشنا شوند.

بخش جدایی‌ناپذیر این جشنواره، برنامه‌های آموزشی و ترویجی برای نسل جدید است. برگزاری مسابقات انتخاب «زیباترین پوشش



نمایش تحولات تکنولوژیک در صنعت چاپ و نشر فراهم آورد. حضور چاپخانه‌های بزرگی همچون C&C Joint Printing در کنار مجموعه‌های خلاق‌ی مانند Al Pako که بر تولید کتاب‌های سه‌بعدی و صوتی تمرکز داشتند، نشان‌دهنده گذار موفق این صنعت به سمت ابزارهای آموزشی تعاملی و مدرن است.

بعد بین‌المللی این رویداد نیز در قالب یک دیپلماسی نرم و کتاب‌محور تجلی یافت. حضور پاپیون‌های ملی کشورهایی نظیر ترکیه، چین، اسپانیا و روسیه، فضایی برای گفتگوی فرهنگ‌ها از مسیر ادبیات فراهم آورد. نهمین نمایشگاه اوراسیا با میزبانی طیف وسیعی از ناشران و نهادهای فرهنگی، بر ارزش‌های والای مطالعه و نقش حیاتی کتاب در ترسیم چشم‌اندازی خردمحور و هم‌افزا در پهنه فرهنگی اوراسیا تأکید ورزید.

این رویداد بین‌المللی از تاریخ ۲۲ تا ۲۶ آوریل ۲۰۲۶ (۲ تا ۶ اردیبهشت ۱۴۰۵) در محل مرکز نمایشگاهی «اکسپو» واقع در شهر آستانه، قزاقستان برگزار گردید. مسئولیت برگزاری این دوره بر عهده انتشارات فولیانت (Foliant Publishing House) بود که با حمایت مستقیم وزارت فرهنگ و اطلاعات جمهوری قزاقستان و شهرداری آستانه این پروژه را به سرانجام رساند. علاقه‌مندان برای دسترسی به جزئیات بیشتر و مشاهده کاتالوگ می‌توانند به وبسایت رسمی نمایشگاه به نشانی <https://eurasianbookfair.com> مراجعه کنند.

گسترش همکاری‌های نشر کشورهای عضو اکو و چین

نمایشگاه کتاب اوراسیا بستری برای تقویت همکاری‌های نشر میان قزاقستان و کشورهای عضو اکو (به ویژه ترکیه و ازبکستان) و همچنین چین ایجاد کرد. شرکت‌های چینی ضمن عرضه کتاب‌های خارجی، فناوری‌های پیشرفته چاپ (صنعت چاپ) را برای همکاری با ناشران آسیای مرکزی معرفی کردند.

میراث فرهنگی و میزبانی قزاقستان از نشست آتی کمیته میراث جهانی اسلام توافق کردند.

میزبانی آستانه از نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب اوراسیا

نهمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب اوراسیا در آستانه، به عنوان یک نقطه عطف فرهنگی در قلب آسیای میانه تجلی یافت و توانست سنت‌های غنی ادبی منطقه را با استانداردهای نوین صنعت نشر جهانی پیوند بزند. این رویداد بر جایگاه محوری کتاب به عنوان پل ارتباطی میان تمدن‌ها تأکید ورزید؛ به طوری که ناشرانی نظیر Steppe & World با اولویت‌بخشی به غنای زبانی، شاهکارهای ادبیات جهان را به زبان قزاقی در دسترس مخاطبان قرار دادند تا پیوندی عمیق میان میراث جهانی و هویت ملی برقرار سازند.

در این فضای اندیشه‌محور، کتاب نه تنها یک کالا، بلکه ابزاری برای تعالی فکری و توسعه انسانی قلمداد شد. حضور پررنگ نهادهای آکادمیک و کتابخانه‌های معتبری چون دانشگاه ملی اوراسیا و کتابخانه منطقه‌ای آبای، نشان‌دهنده غلبه رویکرد دانش‌محور بر جنبه‌های مادی بود؛ همچنین، تمرکز ناشرانی همچون Mentor Baspasy بر متون خودسازی و اخلاق حرفه‌ای، رسالت اجتماعی کتاب را در جهت ارتقای سطح آگاهی جامعه نمایان ساخت.

در کنار محتوای ادبی، این رویداد بستری برای



کرد. در این رویداد، آثار ۲۰۳ هنرمند خوشنویس از ۳۰ کشور جهان به نمایش درآمد. این رویداد بخشی از گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها با محوریت میراث مشترک راه ابریشم بوده است. همچنین، منتخبی از آثار در موزه هنرهای معاصر تهران و از طریق نقشه‌برداری ویدیویی روی بناهای تاریخی در شهرهای مختلف به نمایش گذاشته شد. این رویداد مورد حمایت انجمن خوشنویسان ایران نیز قرار داشت.

برگزاری نشست تخصصی «خلیج فارس؛ هویت مشترک تمدنی» با حضور پژوهشگران بین‌المللی

در چارچوب جشنواره خلیج فارس، نشست‌های تخصصی آکادمیک و پژوهشی با حضور صاحب‌نظران داخلی و بین‌المللی با تمرکز بر تاریخ، فرهنگ و هویت خلیج فارس برگزار شد. این نشست‌ها با هدف غنی‌سازی محتوای علمی و تأکید بر ثبت جهانی این هویت مشترک تمدنی صورت گرفته است.



نامزدی ترکستان به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام

در دیدار معاون نخست‌وزیر و وزیر فرهنگ قزاقستان با مدیرکل آیسسکو (ICESCO - سازمان جهانی آموزش، علم و فرهنگ جهان اسلام)، رسماً شهر تاریخی ترکستان (Turkistan) برای دریافت عنوان «پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۲۷» نامزد شد. دو طرف همچنین در مورد برپایی جشنواره‌های بین‌المللی هنرهای تئاترینی اسلامی، برگزاری برنامه‌های آموزشی در حوزه حفاظت از

در جریان کنفرانس تأکید شد که رابعه بلخی نخستین شاعر زن فارسی‌زبان به شمار می‌رود که در تذکرة‌های ادبی با احترام فراوان از او یاد شده است. او به دلیل زیبایی، دانش، هوش سرشار و استعداد بالای شاعری شهرت داشت و به زبان‌های فارسی-تاجیکی، دری و عربی شعر می‌سرود. محیط علمی و فرهنگی خانواده و توجه پدرش به آموزش او، زمینه رشد و کمال ادبی‌اش را فراهم کرد.

همچنین گفته شد که رابعه بلخی هم‌دوره با عصر سامانیان و ابوعبدالله رودکی بوده و بیش از هزار سال پیش در شهر بلخ به دنیا آمده است. بلخ در آن زمان یکی از مراکز مهم علمی و فرهنگی به شمار می‌رفت و نقش مهمی در شکل‌گیری جهان‌بینی گسترده این شاعر داشت.

در حاشیه کنفرانس، برنامه‌ای ادبی-هنری با مشارکت هنرمندان و دانش‌آموزان برگزار شد که در آن نمونه‌هایی از اشعار رابعه بلخی اجرا گردید. در پایان این همایش، ۲۱ نفر از برگزیدگان مرحله شهرستانی مسابقه ملی شاهنامه‌خوانی با اهدای لوح تقدیر مورد تجلیل قرار گرفتند.



«گوشه کتاب پاکستان» در کتابخانه ملی تاجیکستان افتتاح شد

در کتابخانه ملی تاجیکستان گوشه‌های کتاب مربوط به ۱۹ کشور جهان ایجاد شده است

تقویت همکاری‌های فرهنگی پاکستان و نپال با تمرکز بر میراث بودایی

وزیر فرهنگ پاکستان با سفیر نپال در اسلام‌آباد دیدار کرد. در این نشست، بر گسترش همکاری‌های فرهنگی، تبادلات هنری و روابط مردمی تأکید شد. طرفین در مورد میراث مشترک بودایی گفت‌وگو کردند و بر دعوت از وزیر فرهنگ پاکستان برای شرکت در مراسم «روز واساک» (Vesak Day - جشن بوداییان) در موزه تاکسیلا به توافق رسیدند. این رویداد به همت سفارتخانه‌های نپال، تایلند، سریلانکا، ویتنام و میانمار برگزار می‌شود.

معرفی میراث فرهنگی ترکمنستان در مؤسسه فرهنگ و هنر دوشنبه

در تاریخ ۱ آوریل ۲۰۲۶، سفارت ترکمنستان در دوشنبه مراسمی در مؤسسه دولتی فرهنگ و هنر تاجیکستان به نام میرزا ترسون‌زاده برگزار کرد. در این رویداد، «گوشه فرهنگی ترکمنستان» با محوریت شعار سال این کشور تحت عنوان «ترکمنستان مستقل و بی‌طرف دائم - وطن اسب‌های آسمانی هدفمند» افتتاح شد. نمایشگاهی از کتاب‌های رهبران ملی ترکمنستان و عکس‌هایی از اسب‌های اصیل آخال‌تکه برگزار شد. نسخه‌ای از کتاب «گاناتلی بدولر» به زبان تاجیکی به رئیس مؤسسه اهدا گردید و برنامه فرهنگی شامل اجرای موسیقی و تئاتر نیز برگزار شد.

کنفرانس علمی با عنوان «رابعه بلخی – نابغه شعر فارسی

به مناسبت ۵۰امین سالگرد رابعه بلخی در شهرستان تاجیک‌آباد تاجیکستان برگزار شد. این همایش به ابتکار مقامات محلی برگزار گردید و به بررسی جایگاه و اهمیت آثار این شاعر برجسته در ادبیات کلاسیک فارسی اختصاص داشت.

برپایی نمایشگاه صنایع دستی عشایری در بیشکک

نمایشگاهی از صنایع دستی سنتی قرقیزستان با تمرکز بر هنر نمدسازی (شیرداک)، ملیله‌دوزی و ساخت سازه‌های ملی (کوموز) در موزه ملی تاریخ قرقیزستان برگزار شد. این نمایشگاه با هدف حمایت از هنرمندان محلی و معرفی فرهنگ عشایری قرقیزستان به گردشگران خارجی برپا گردید و با استقبال گسترده‌ای همراه بود.

ماراتن بین‌المللی «اجرای جاده ابریشم»

قرقیزستان در تاریخ ۲ مه ۲۰۲۶، بیشکک، قرقیزستان میزبان ماراتن بین‌المللی «اجرای جاده ابریشم» بود. این رویداد ورزشی-فرهنگی با حضور بیش از سه هزار شرکت‌کننده از ۲۳ کشور برگزار شد. ماراتن نمادی از پیوند تاریخی کشورهای مسیر جاده ابریشم و ترویج گردشگری ورزشی در منطقه است.

گفت‌وگوهای فرهنگی پاکستان و بنگلادش؛ تمرکز بر میراث مشترک و تبادل هنرمندان

در تاریخ ۲ آوریل ۲۰۲۶، کمیساریای عالی پاکستان در داکا با وزیر فرهنگ بنگلادش دیدار کرد. در این نشست، بر گسترش همکاری‌های فرهنگی، تبادلات هنری و روابط مردمی تأکید شد. وزیر فرهنگ بنگلادش بر نقش فرهنگ به عنوان پلی قدرتمند میان ملت‌ها تأکید کرد و بر تبادل هنرمندان، خوانندگان، نوازندگان و صنایع دستی سنتی و همچنین آموزش تخصصی در زمینه حفظ و مرمت آثار باستانی (بر اساس پیشنهاد پاکستان) توافق شد. دو طرف بر اجرای برنامه‌های تبادل منظم هنرمندان موسیقی کلاسیک و محلی و اجرایی کردن «برنامه تبادل فرهنگی ۲۰۲۵-۲۰۲۶» بر اساس «توافقی‌نامه همکاری فرهنگی ۱۹۷۹» تأکید کردند.

ملی» در میان کودکان، با هدف صیانت از اصالت‌های بومی و تقویت حس افتخار به هویت ملی در میان آیندگان طراحی شده است. این جشنواره که در آخرین دوره خود در می ۲۰۲۶ بخشی از مجموعه برنامه‌های «قزاقستان - سرزمین وحدت» بود، بر این اصل راهبردی تأکید دارد که تنوع فرهنگی نه یک مرز، بلکه مایه زیبایی و استحکام پیوندهای اجتماعی است.

اجرای هنرهای رزمی چین «جلوه‌های کونگ‌فو چین» در بیشکک

در تاریخ ۲۳ آوریل ۲۰۲۶، رویدادی با عنوان «جلوه‌های کونگ‌فو چین» در دانشگاه دولتی بیشکک (BSU) با حضور حدود ۱۰۰۰ نفر از شرکت‌کنندگان از دو کشور برگزار شد. در این مراسم، اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه علوم ورزشی پکن به اجرای حرکات نمایشی وو‌شو (Wu Shu) پرداختند که عناصری از ریشه‌های هنرهای رزمی، شمشیرزنی سنتی، تکنیک‌های تای چی و آرایش‌های باستانی میادین نبرد را به نمایش گذاشت. سفارت چین و روسای دانشگاه‌ها این رویداد را پلی برای دوستی و درک متقابل فرهنگی میان نسل‌ها و کشورها توصیف کردند.

برگزاری همایش بین‌المللی باستان‌شناسی در دره چوی

همایش بین‌المللی باستان‌شناسی با محوریت «تمدن‌های جاده ابریشم در قرقیزستان» در دره چوی برگزار شد. باستان‌شناسانی از روسیه، قزاقستان، چین و ترکیه در این رویداد حضور داشتند. محور اصلی بحث‌ها، حفاظت از محوطه‌های باستانی در معرض تهدید توسعه شهری و همکاری‌های منطقه‌ای برای ثبت آثار مشترک در فهرست یونسکو بود.

ملی تاجیک در خارج از کشور ارزیابی می‌شود. در مراسم افتتاحیه، سفیر فوق‌العاده و تام‌الاختیار جمهوری تاجیکستان در جمهوری بلاروس، بخت‌آور صفرزاده حضور داشت. میهمانان در این برنامه با غذاهای مشهور تاجیکی، از جمله آش پلو و قروتاب آشنا شدند و همچنین از برنامه فرهنگی شامل موسیقی و آیین‌های سنتی بهره‌مند گردیدند. رستوران «عمر خیام» با فراهم‌کردن فضایی با حال‌وهوای ملی و خدمات مدرن، می‌تواند به یکی از مکان‌های جذاب برای علاقه‌مندان فرهنگ و غذاهای شرقی در مینسک تبدیل شود. افتتاح چنین مراکزی نقش مهمی در معرفی فرهنگ، سنت‌ها و غذاهای تاجیکی در سطح بین‌المللی داشته و می‌تواند به تقویت روابط فرهنگی و گسترش همکاری‌های انسانی میان



جمهوری تاجیکستان و جمهوری بلاروس کمک کند.

نمایشگاه بین‌المللی «تاجیکستان در رم – سرزمین یادگارهای نادر» برگزار می‌شود

۱ مه ۲۰۲۶ اعلام شد که در آینده نزدیک در شهر رم – پایتخت ایتالیا – نمایشگاه بین‌المللی

حرفه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. در دیدار میان وزیر کار، مهاجرت و اشتغال تاجیکستان، سلیحه خلمحمدزاده، و سفیر فوق‌العاده و تام‌الاختیار پاکستان در تاجیکستان، عرفان احمد، موضوع برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش‌های حرفه‌ای برای شهروندان تاجیکستان مطرح شد. این دوره‌ها قرار است در چارچوب مؤسسات آموزشی وابسته به وزارت کار با مشارکت متخصصان پاکستانی در زمینه‌هایی مانند نساجی، فرآوری چرم و دیگر بخش‌های صنعتی برگزار شوند.

طرفین همچنین جذب سرمایه‌گذاری برای ایجاد شرکت‌های کوچک و متوسط بر پایه «مرکز دولتی توسعه صنایع دستی و مهارت‌های حرفه‌ای مدرن» و شعب آن در مراکز نوین آموزش‌های حرفه‌ای و خدماتی را مهم ارزیابی کردند. همچنین تأکید شد که فعالیت کمیسیون بین‌دولتی همکاری‌های تجاری، اقتصادی، علمی و فنی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در تقویت روابط اقتصادی میان دو کشور اهمیت ویژه‌ای دارد.

یادآوری شد که در ابتدای سال ۲۰۲۶، طرف پاکستانی پیش‌نویس یادداشت تفاهم همکاری در حوزه کار را ارائه کرده است. این سند حوزه‌های مهم همکاری از جمله تسهیل جذب نیروی کار با توجه به نیازهای بازار کار دو کشور، تبادل تجربه، ارتقای مهارت متخصصان و همچنین همکاری در زمینه بازرسی کار، ایمنی و بهداشت شغلی را در بر می‌گیرد.

در پایان این دیدار، دو طرف آمادگی خود را برای گسترش بیشتر و تقویت همکاری‌های دوجانبه سودمند اعلام کردند.

نخستین رستوران تاجیکی در شهر مینسک افتتاح شد

در مرکز تجاری EXPOBEL نخستین رستوران تاجیکی با نام «عمر خیام» آغاز به کار کرد. این رویداد گامی مهم در معرفی فرهنگ و غذاهای

استفاده از امکانات نوین اطلاعاتی از اولویت‌های اصلی فعالیت کتابخانه به شمار می‌روند. چنین همکاری‌هایی زمینه مناسبی برای غنی‌سازی منابع کتابخانه، ارتقای سطح خدمات و توسعه فرهنگ مطالعه در جامعه فراهم می‌آورد.»

سفیر جمهوری اسلامی پاکستان در تاجیکستان، عرفان احمد، اظهار داشت که گسترش همکاری در حوزه کتابداری، تبادل آثار و توسعه برنامه‌های مشترک میان نهادهای فرهنگی می‌تواند به ارتقای سطح آگاهی جامعه و تقویت دوستی میان ملت‌ها کمک کند. توجه ویژه به نقش کتابخانه‌ها به‌عنوان مراکز مهم فرهنگی در شکل‌گیری جهان‌بینی جوانان و تربیت نسل آینده، سهم قابل توجهی دارد.

تاجیکستان و پاکستان دارای روابط تاریخی و فرهنگی غنی هستند و همکاری میان آن‌ها سال‌به‌سال در حال گسترش است. ایجاد چنین فضاهای فرهنگی این امکان را فراهم می‌کند که خوانندگان و پژوهشگران با تاریخ، ادبیات، فرهنگ و دستاوردهای معاصر جمهوری اسلامی پاکستان از نزدیک آشنا شوند.

ایجاد چنین بخش‌هایی یکی از اشکال مهم دیپلماسی فرهنگی به شمار می‌رود و به تقویت روابط میان کشورها کمک می‌کند. با توجه به روندهای نوین جهانی‌شدن، تقویت روابط فرهنگی و علمی میان کشورها اهمیت بیشتری یافته و زمینه را برای توسعه تفاهم متقابل و احترام به ارزش‌های ملی فراهم می‌سازد.

گسترش همکاری‌های تاجیکستان و پاکستان در حوزه کار و آموزش‌های فنی در شهر دوشنبه

در تاریخ ۱ مه ۲۰۲۶ در شهر دوشنبه، مسائل مربوط به گسترش همکاری میان تاجیکستان و پاکستان در حوزه‌های کار و آموزش‌های فنی و

که شهروندان می‌توانند با تاریخ، فرهنگ و سنت‌های ملی این کشورها آشنا شوند. این مطلب را لطفیه عبدالخالق‌زاده، رئیس کتابخانه ملی تاجیکستان، در مراسم افتتاح «گوشه کتاب پاکستان» بیان کرد.

به گزارش خبرنگار آمیت «خاور»، «گوشه کتاب پاکستان» در چارچوب یادداشت تفاهم همکاری میان دو کشور – تاجیکستان و پاکستان – در کتابخانه ملی تاجیکستان تأسیس شده است. این بخش با تعداد زیادی کتاب، مجله و دیگر منابع اطلاعاتی غنی شده است. در این گوشه آثاری مرتبط با تاریخ، فرهنگ، ادبیات، هنر و توسعه اجتماعی و اقتصادی پاکستان قرار داده شده‌اند.

منابع این بخش به زبان‌های مختلف ارائه شده و برای طیف گسترده‌ای از خوانندگان در دسترس است. این اقدام امکان آن را فراهم می‌کند که پژوهشگران، دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان اطلاعات مفصلی درباره این کشور به دست آورند. لطفیه عبدالخالق‌زاده اظهار داشت که این بخش در چارچوب یادداشت تفاهم میان دو کشور و همکاری علمی و فرهنگی میان کتابخانه ملی تاجیکستان و سفارت جمهوری اسلامی پاکستان در تاجیکستان ایجاد شده است.

گزارش شد که کتابخانه ملی تاجیکستان با بیش از ۶۰ نهاد از سازمان‌های بین‌المللی و ۲۰ کتابخانه مشهور جهان همکاری مؤثر دارد. همچنین این کتابخانه با ۱۶ کتابخانه خارجی یادداشت تفاهم امضا کرده است.

وی افزود: «این مؤسسه در آینده نیز برای گسترش همکاری با کتابخانه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی داخلی و خارجی اقدامات مؤثری انجام خواهد داد. زیرا توسعه روابط سازنده، اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های مشترک، تبادل تجربه‌های پیشرفته و

«تاجیکستان – سرزمین یادگارهای نادر» برگزار خواهد شد.

این برنامه فرهنگی با مشارکت موزه ملی تاجیکستان و موزه تمدن‌ها (Museo delle Civiltà) اجرا می‌شود. مسائل مربوط به آمادگی این رویداد در دیدار سفیر تاجیکستان در ایتالیا، جمشیدالدین عبیدالله، مدیر موزه ملی تاجیکستان، ظفرشو ابراهیم‌زاده، و مدیر موزه ایتالیایی، لوانا تونیولو، مورد بررسی قرار گرفت. در این دیدار، موضوعات مهمی مانند انتخاب سالن‌های نمایش، تدوین مفهوم و طراحی نمایشگاه، انتقال و بیمه آثار تاریخی، تأمین حفاظت از آن‌ها مطابق استانداردهای بین‌المللی، و همچنین برنامه‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی در رم مورد بحث قرار گرفت.

همچنین نحوه برگزاری مراسم افتتاحیه رسمی و سایر جزئیات این رویداد بررسی شد. طرفین تأکید کردند که این نمایشگاه یک رویداد مهم فرهنگی است که در معرفی میراث غنی تاریخی و فرهنگی تاجیکستان و گسترش همکاری‌های فرهنگی میان دو کشور نقش مهمی خواهد داشت.

برگزاری کنفرانس بین‌المللی درباره مسائل مهم فیلولوژی شرق و روابط ادبی در دوشنبه

دوشنبه، ۴ مه ۲۰۲۶ – در دانشگاه بین‌المللی زبان‌های خارجی تاجیکستان به نام ساتم اولوغ‌زاده کنفرانس بین‌المللی علمی-عملی با عنوان «مسائل مهم فیلولوژی شرق در روابط زبانی و ادبی در شرایط جهانی‌شدن» برگزار شد. به گزارش منابع این دانشگاه، شرکت‌کنندگان در این کنفرانس از دستاوردهای دوره استقلال دولتی و نقش امام‌علی رحمان در توسعه علم و آموزش، گسترش آموزش زبان‌ها و اهمیت فراگیری علوم معاصر یاد کردند. همچنین درباره نقش اندیشمندان تاجیک و فارسی‌زبان در پیشرفت علم

جهانی تبادل نظر صورت گرفت.

در این نشست تأکید شد که مطالعه عمیق زبان و ادبیات ملت‌های شرق می‌تواند در تقویت گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها و غنای دانش جهانی سهم مهمی داشته باشد.

همچنین اشاره شد که در مدت کوتاهی، آثار علمی متعددی در زمینه مطالعات شرق‌شناسی منتشر شده است که سهم دانشمندان و پژوهشگران این دانشگاه در این زمینه قابل توجه است.

شرکت‌کنندگان بر ضرورت حفظ و ترویج میراث ادبی و فرهنگی ملت تأکید کرده و آن را یکی از وظایف اساسی پژوهشگران دانستند. به گفته آنان، مطالعه و معرفی آثار کلاسیک‌های تاجیک و فارسی‌زبان در سطح بین‌المللی می‌تواند به ارتقای جایگاه فرهنگ ملی و تقویت هویت ملی کمک کند.

بازگرداندن مجسمه تاریخی ۱۵۰۰ ساله از آمریکا به ازمیر

وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه اعلام کرد که یک سر مجسمه مرمرین متعلق به قرن پنجم میلادی (دوره تتودوسیوس) از شهر باستانی ازمیر (Smyrna)، که به طور غیرقانونی به خارج از کشور منتقل شده بود، از موزه هنر دنور (آمریکا) بازگردانده شد. این اثر باستانی که در حفاری‌های رسمی سال ۱۹۳۴ پیدا شده بود، پس از تأیید علمی منشأ آن توسط مقامات ترکیه، با همکاری موزه دنور به ازمیر تحویل داده شد. بر اساس آمار وزارت فرهنگ ترکیه، از سال ۲۰۰۲ تاکنون نزدیک به ۲۷۰۰۰ اثر تاریخی به این کشور بازگردانده شده است .

برگزاری هفته فیلم ترکیه در چندین پایتخت کشورهای عضو اکو

در چارچوب دیپلماسی فرهنگی، هفته فیلم ترکیه

با نمایش جدیدترین آثار سینمایی و سریال‌های تلویزیونی ترکیه در کشورهای همچون پاکستان (اسلام‌آباد)، جمهوری آذربایجان (باکو) و قزاقستان (آستانه) برگزار شد. این رویداد با هدف معرفی صنعت سینما و فرهنگ معاصر ترکیه و تقویت پیوندهای فرهنگی با کشورهای همسایه انجام گرفت.

شرکت در جشنواره بین‌المللی رقص «لزگی» در خیوه (ازبکستان)

رقصندگان و هنرمندان ترکمنستانی در سومین دوره جشنواره بین‌المللی رقص لزگی که در خیوه برگزار شد، حضور فعال داشتند. این رویداد که با هدف حفظ و ترویج رقص سنتی خوارزم «لزگی» (ثبت‌شده در یونسکو) برگزار می‌شود، بستری برای تبادل فرهنگی میان بیش از ۲۵ کشور جهان از جمله ترکمنستان، تاجیکستان، آذربایجان، ترکیه و کشورهای اروپایی فراهم کرده است. جشنواره شامل مسابقات رقص، کنفرانس‌های علمی در مورد هنر رقص و نشست‌های تخصصی است .

برگزاری مسابقات ملی اسب‌دوانی به مناسبت روز اسب آخال‌تکه

همزمان با گرامیداشت روز اسب آخال‌تکه (نماد ملی ترکمنستان)، مسابقات ملی اسب‌دوانی با شرکت بهترین نژادهای اسب از سراسر کشور در پیست سوارکاری عشق‌آباد برگزار شد. این رویداد با هدف ترویج فرهنگ باستانی اسب‌داری ترکمن‌ها و معرفی این میراث به گردشگران خارجی تدارک دیده شده بود و با استقبال گسترده مردم و مسئولان دولتی همراه بود.

کنسرت بیست و هفتمین «روزهای اپرا»

ترکمنستان در تاریخ ۹ مه ۲۰۲۶، در عشق‌آباد، میزبان کنسرت بیست و هفتمین «روزهای اپرا»

تحت نظارت سازمان بین‌المللی فرهنگ ترکی (TURKSOY) بود. این رویداد با حضور استادان اپرا از ترکمنستان، ترکیه، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان برگزار شد و نمایشی از همکاری‌های فرهنگی کشورهای ترک‌زبان منطقه بود.

سومین جشنواره بین‌المللی رقص «لزگی» در خیوه

از ۲۵ تا ۳۰ آوریل ۲۰۲۶، خیوه (شهر تاریخی ثبت‌شده در یونسکو) میزبان سومین جشنواره بین‌المللی رقص لزگی بود. رقص لزگی خوارزم که در فهرست میراث فرهنگی ناملموس بشریت یونسکو به ثبت رسیده است، جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ ملی ازبکستان دارد. این جشنواره بیش از ۳۰۰ شرکت‌کننده از نزدیک به ۳۰ کشور جهان (از جمله انگلیس، فرانسه، ترکمنستان، تاجیکستان، روسیه، ترکیه، قرقیزستان، برزیل، ژاپن، اسپانیا، مصر، گرجستان، هند، بلغارستان، قطر و آذربایجان) را گرد هم آورد. برخی از کشورها از جمله ایران، چین، پاکستان و آمریکا نیز به صورت مجازی در رویداد مشارکت داشتند.

جوایز نقدی این دوره شامل ۷۰۰۰ دلار برای جایزه بزرگ (Grand Prix) و ۵۰۰۰ دلار برای مقام اول در بخش‌های «بهترین اجرای انفرادی رقص»، «بهترین گروه رقص» و «بهترین طراحی رقص» بود. برنامه‌های جشنواره شامل سومین کنفرانس علمی و عملی بین‌المللی «هنر رقص در توسعه فرهنگ جهانی: سنت‌ها و ارزش‌های جهانی»، نشست کمیته فرهنگ کمیسیون مشترک بین‌دولتی ازبکستان-ترکیه، نشست مسئولان دانشگاه‌های عضو TURKSOY، و انجمن فرهنگی قوم‌های ترک بود. مراسم افتتاحیه و اختتامیه در مجموعه تاریخی ایچان‌قلعه برگزار شد .

نمایشگاه هنر خوشنویسی و طراحی حروف چینی در سمرقند

تقویم رویدادهای آتی فرهنگی کشورهای اکو

شوشا – پایتخت گردشگری اکو ۲۰۲۶

تاریخ و مکان: ۲۶ آوریل ۲۰۲۶ (در حال برگزاری)، شوشا، جمهوری آذربایجان

مراسم افتتاحیه رویداد «شوشا – پایتخت گردشگری اکو ۲۰۲۶» با حضور هیئت‌هایی از جمهوری آذربایجان، ترکیه، ایران، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، پاکستان، ترکمنستان و ازبکستان برگزار شده است. در روزهای آینده، نهمین نشست کارشناسان عالی‌رتبه گردشگری اکو، روز غذاهای سنتی (Gastronomy Day) و هفتمین نشست وزیران گردشگری اکو نیز در این شهر برگزار خواهد شد. شهر شوشا در سال ۲۰۲۳ در پنجمین نشست وزیران گردشگری کشورهای عضو اکو به عنوان پایتخت گردشگری اکو برای سال ۲۰۲۶ معرفی شد.

نمایشگاه «امپراتوری نور: چشم‌اندازها و صداهاى افغانستان»

تاریخ و مکان: تا پایان ماه مه ۲۰۲۶، موزه هنر اسلامی دوحه (MIA)، قطر

افغانستان میزبان نمایشگاه بزرگ میراث فرهنگی خود با عنوان «امپراتوری نور» است. این نمایشگاه که تا پایان ماه مه ادامه دارد، فرصتی برای معرفی تاریخ و فرهنگ غنی افغانستان به مخاطبان بین‌المللی فراهم می‌کند. علاقه‌مندان برای بازدید می‌توانند به وبسایت موزه MIA مراجعه کنند.

در تاریخ ۲۳ آوریل ۲۰۲۶، نمایشگاه بین‌المللی هنر خوشنویسی و طراحی حروف چین با عنوان «شعر در سراسر جهان» در سمرقند افتتاح شد. این رویداد که با همکاری انستیتو کنفسیوس و دانشگاه دولتی زبان‌های خارجی سمرقند برگزار شد، شامل برنامه‌های متنوعی از جمله اجرای شعر و تئاتر، کارگاه‌های خوشنویسی، کاغذبری و چای سنتی بود. هدف از این رویداد، ایجاد پلتفرمی برای تبادل فرهنگی و دوستی‌های عمیق‌تر میان ازبکستان و چین عنوان شده است.

برگزاری هفته فرهنگی ازبکستان در قرقیزستان

با هدف تقویت روابط فرهنگی و پیوندهای مشترک تمدنی (بر اساس میراث مشترک جاده ابریشم و زبان فارسی-تاجیکی و فرهنگ ترکی)، هفته فرهنگی ازبکستان در بیشکک، پایتخت قرقیزستان برگزار شد. این رویداد شامل اجرای گروه‌های موسیقی محلی ازبک (از جمله موسیقی مقام و ششمقام)، نمایشگاه صنایع دستی (سوزنی، مليله‌دوزی، سفالگری) و معرفی جاذبه‌های گردشگری تاریخی شهرهای سمرقند، بخارا و خیوه بود.

تور موسیقی سراسری «محفل»

پاکستان میزبان تور موسیقی سه شهری «محفل» است. این تور روز ۸ مه در کراچی آغاز می‌شود، روز ۱۶ مه به اسلام‌آباد می‌رود و در تاریخ ۲۳ مه در لاهور به پایان می‌رسد. اجراکنندگان شامل گروه «لیف لارسن میوزیک سنتر» از هنز با سازهای سنتی، فرحان سعید و گروه «د کال» خواهند بود. ورود برای عموم آزاد است.

هشتمین فستیوال فرهنگی «اتنوسپورت»

تاریخ و مکان: ۲۱ تا ۲۴ مه ۲۰۲۶، فرودگاه آتاتورک، استانبول، ترکیه
ترکیه میزبان هشتمین دوره فستیوال فرهنگی «اتنوسپورت» است. این رویداد که توسط اتحادیه جهانی اتنوسپورت برگزار می‌شود، به معرفی ورزش‌های سنتی و بازی‌های بومی اقوام مختلف (از جمله تیراندازی با کمان، سوارکاری، کشتی سنتی و چوب‌بازی)، صنایع دستی اصیل و غذاهای محلی می‌پردازد. شرکت‌کنندگان فرصت تجربه مستقیم این رشته‌های سنتی را خواهند داشت. ورود برای عموم آزاد است.

جشنواره بزرگ «آب»

تاریخ و مکان: ۲۵ مه ۲۰۲۶، پارک فرهنگی و تفریحی «نوروزگاه»، دوشنبه، تاجیکستان
تاجیکستان میزبان جشنواره بزرگ «آب» است. این رویداد به عنوان بخشی از چهارمین کنفرانس بین‌المللی سطح بالا با عنوان «دهه اقدام: آب برای توسعه پایدار» برگزار می‌شود. جشنواره

شامل نمایشگاه‌های صنایع دستی سنتی (منبت کاری، جواهرات، چکان دوزی)، تولیدات کشاورزی و یک برنامه فرهنگی با عنوان «آب – سرچشمه حیات انسان» خواهد بود. هدف این رویداد ترویج فرهنگ حفاظت از منابع آب و پاسداشت میراث مشترک منطقه در این حوزه است.

رویداد ورزشی BRAVE CF ۱۰۵

تاریخ و مکان: ۳۱ مه ۲۰۲۶، کاخ ورزشی «بالوان شولاک»، آلماتی، قزاقستان

قزاقستان میزبان رویداد بزرگ ورزشی BRAVE CF ۱۰۵ است. این مسابقات که با همکاری «لیگ آلاش پراید» برگزار می‌شود، چهارمین رویداد این سازمان در قزاقستان محسوب می‌گردد و قرار است میزبان مبارزانی از قزاقستان و کشورهای همسایه باشد.

روزهای فرهنگی ترکمنستان در پاکستان

تاریخ و مکان: در طول ماه مه ۲۰۲۶ (تاریخ دقیق اعلام نشده)، شهرهای مختلف پاکستان

ترکمنستان میزبان «روزهای فرهنگی ترکمنستان» در پاکستان است. گروه‌های هنری ترکمنستانی در شهرهای مختلف پاکستان به اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری پرداخته و نمایشگاه‌هایی از صنایع دستی و میراث فرهنگی ترکمنستان برگزار می‌کنند. این رویداد در چارچوب همکاری‌های فرهنگی دوجانبه میان دو کشور سازماندهی شده است.

تفاوت و توسعه میراث مشترک فرهنگ کشورهای عضو



ناشر: مؤسسه فرهنگی اکو (ECI)
آژانس تخصصی سازمان همکاری اقتصادی (ECO)

ایران، تهران، اقدسیه، خیابان شهید موحّد دانش، کوچه باقرالنمر، پلاک ۱۰

